



سریال آتش

تراژدی با پایان خوش برای زمین خواران نظام



تفسیر سیاسی هفته را در صفحه ۲ بخوانید

● در حالی که مسئولان مشغول کاغذبازی برای ارسال هلی کوپتر آبپاش و وزارت دفاع منتظر واریز شدن وجه آنهاست، نیروهای داوطلب با بیل و خاک و آتش کوب به مناطق شعله‌ور رفته‌اند. آنها زخمی و ریه‌هایشان پر از دود است اما همچنان پای زاگرس ایستاده‌اند.

معامله بزرگ؟! برای کی!؟



هدف از به گروگان گرفتن اتباع کشورهای غربی و همچنین دو تابعیتی‌ها از سوی جمهوری اسلامی همانگونه که زمانی محسن رضایی از فرماندهان پیشین سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام اعتراف کرد، چیزی جز اخاذی نیست! رضایی درست در آستانه‌ی روزی که قرار بود پس از «نرمش قهرمانانه» خامنه‌ای، توافق هسته‌ای موسوم به برجام در وین امضا شود (۲۲ تیر ۱۳۹۴) در گفتگویی اعلام کرد: اگر آمریکایی‌ها به فکر حمله نظامی باشند من به عنوان پاسدار انقلاب قول می‌دهم حداقل هزار آمریکایی را اسیر می‌گیریم

مجلس شورای اسلامی یازدهم: نظامی، فاسد، مدعی

یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی با اکثریت «اصولگرا» در حالی آغاز به کار کرده که اصولگرایان آن را مجلسی «قوی و انقلابی» و با هیئت رئیسه‌ای «گاردان و جهادی» خوانده‌اند. علی لاریجانی در آخرین روز کاری مجلس دهم شورای اسلامی با نطق مظلوم‌نمایانه و همراه با موضع‌گیری نسبت به ادعاها و شعارهای نمایندگان مجلس یازدهم، به ریاست ۱۲ساله‌ی خود بر مجلس پایان داد. حالا بسیاری از کسانی که امروز در جایگاه نمایندگی در مجلس شورای اسلامی نشسته‌اند، انتقاداتی اساسی به عملکرد مجلس قبلی و همچنین عملکرد دولت حسن روحانی دارند. مجلس دهم با حضور پررنگ اصلاح‌طلبان در قالب «فراکسیون امید»، بازوی لجستیک دولت روحانی به شمار می‌رفت تا پیشبرد

کدام زودتر خرد می‌شوند: «دهان آنها که حرف از مذاکره با آمریکا می‌زنند» یا کمر اقتصاد؟

تاکسیرانان تهران: کرونا نه می‌داند و نه می‌فهمد که شرمندگی پیش زن و بچه یعنی چه!

با افسانه‌ی «نژادپرستی سیستماتیک جامعه‌ی آمریکا» هم‌ی متنشران ایالات متحده به صحنه آمده‌اند

مرد روز: قانون و قاعده تنفس صحیح هنگام دویدن

زن روز: کاهش وزن با تغذیه صحیح

دو قرن فراز و نشیب مطبوعات در ایران (۱۷۲) - احمد احرار

روال دانشگاه‌های غربی در خدمت اسلامگرایی و تروریسم

کیمیا منتشر کرد: سقوط بهشت

برایان هوک: آمریکا برای تمدید تحریم‌های تسلیحاتی رژیم ایران از «مکانیسم ماشه» استفاده خواهد کرد

سازمان ملل، «مکانیسم ماشه» برای تمدید تحریم‌ها بطور کامل به اجرا در خواهد آمد.

مسئول امور ایران در وزارت خارجه آمریکا گفته در صورت عدم تصویب پیش‌نویس قطعنامه تمدید تحریم‌های تسلیحاتی رژیم ایران در

وبسایت کیمیا لندن به زبان انگلیسی

KAYHAN LIFE

SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

www.kayhanlife.com

گفتگو با عکاس این عکس: «تدریس آنلاین»

یکی از تصاویری که در دوران شیوع کرونا و دوران قرنطینه پس از تعطیلی مراکز آموزشی توجه بسیاری از کاربران ایرانی را در شبکه‌های اجتماعی جلب کرد عکسی به نام «تدریس آنلاین» از ساره ارژم فکر عکاس و استاد زبان انگلیسی ساکن تهران است. در این عکس زنی را می‌بینیم که چهره اش

فیفا: ایران تا جمعه این هفته برای تعلیق نشدن فرصت دارد

فدراسیون جهانی فوتبال «فیفا» از سهل‌انگاری، بی‌نظمی و بی‌اختیاری فدراسیون فوتبال ایران در مورد تهیه و تنظیم اساسنامه جدید خود بر اساس ضوابط و شرایط فدراسیون جهانی، بسیار ناراضی و گلهمند است. فیفا به فدراسیون فوتبال ایران اخطار داده، در صورتی که تا روز جمعه پنجم ژوئیه، اساسنامه جدید و بدون نقص و ایراد خود را به کنفدراسیون فوتبال آسیا و فدراسیون جهانی تحویل ندهد، باید منتظر تنبیهات جدی از جمله تعلیق فوتبال این کشور باشد. اما کاملاً آشکار است در شرایط کنونی ایران و در حالی که چندین

تحریم هشت شرکت و نفتکش به دلیل همکاری با رژیم ونزوئلا؛ مایک پمپئو: مادورو نفت را از مردم ونزوئلا می‌دزد



استقبال پرسنل نفتی ونزوئلا از تانکرهای ایرانی

● هشت شرکت و نفتکش متعلق به یونان و جزایر مارشال به دلیل همکاری با رژیم مادورو در فهرست تحریم‌های آمریکا قرار گرفتند.

● مایک پمپئو وزیر خارجه آمریکا: این تحریم‌ها بیشتر رژیم مادورو را منزوی می‌کند و گامی دیگر در جهت دستیابی مردم ونزوئلا به آزادی و موفقیت است.

● روزنامه وال استریت ژورنال: کارکاس بطور فزاینده به روابط با رژیم ایران و قاچاقچیان مواد مخدر و شبکه‌های غیرقانونی برای تجارت نفت تکیه یافته و مادورو توانسته با کمک متحدان خود قدرت را حفظ کند.

در پی انتقال محموله بنزین از ایران به ونزوئلا به ارزش تقریبی ۵/۴۵ میلیون دلار، دفتر کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه‌داری آمریکا (OFAC) چهار شرکت و چهار نفتکش را که در نقض تحریم‌های ایالات متحده با دولت ونزوئلا همکاری داشتند تحریم کرد. وزارت خزانه‌داری آمریکا در بیانیه‌ای که ۲ ژوئیه (۱۳ خرداد) منتشر شد اعلام کرد بهره‌برداری از دارایی‌های نفتی ونزوئلا برای رژیم نامشروع نیکلاس مادورو غیرقابل قبول است و آنهایی که چنین فعالیت‌هایی را تسهیل می‌کنند دسترسی به سیستم مالی آمریکا را از دست خواهند داد. استیون منوچین وزیر خزانه‌داری آمریکا در این بیانیه گفت آمریکا شرکت‌های دریایی و کشتی‌هایی را که به رژیم نامشروع نیکلاس مادورو در بهره‌برداری از منابع طبیعی ونزوئلا

به نفع رژیم آن کمک می‌کنند و باعث افزایش رنج مردم ونزوئلا هستند هدف قرار خواهد داد.

بر این اساس شرکت «فرانو مریتام» که در جزایر مارشال ثبت شده و نفتکش آن «اتزوایگر» که با پرچم پاناما حرکت می‌کند، شرکت «سی کامبر» که مقر آن یونان است و نفتکش آن «چیوس» که با پرچم جمهوری مالت حرکت می‌کند، شرکت «آدامانت مریتام» که مقر آن جزایر مارشال است و نفتکش آن «سی‌آیرو» که با پرچم باهاما حرکت می‌کند و شرکت «سانیل شپ‌ترید» که مقر آن در جزایر مارشال است و نفتکش آن «ووایگر» که با پرچم این جزایر حرکت می‌کند تحریم شدند.

بر اساس بیانیه‌های وزارت خزانه‌داری آمریکا دارایی شرکت‌ها و افرادی که بالای ۵۰ درصد در شرکت‌های تحریمی سهم دارند در خاک ایالات متحده مسدود می‌شود. مایک پمپئو وزیر خارجه آمریکا در توییتهایی گفت «این تحریم‌ها بیشتر رژیم مادورو را منزوی می‌کند و گامی دیگر در جهت دستیابی مردم ونزوئلا به آزادی و موفقیت است».

پمپئو همچنین در بیانیه‌ای گفت این شرکت‌ها در حال انتقال نفتی هستند که از مردم ونزوئلا دزدیده شده است. ایوبت آبرامز نماینده ویژه دولت

آمریکا در امور ونزوئلا ۹ خرداد به دولت‌ها و شرکت‌های بیمه و شرکت‌های دریایی و بنادر در مورد هرگونه همکاری با رژیم‌های ایران و ونزوئلا هشدار داده بود. با این حال نام ۵ تانکر ایرانی در فهرست این تحریم‌ها نیست.

روزنامه «وال استریت ژورنال» با اشاره به تحریم‌های جدید آمریکا علیه ونزوئلا می‌نویسد ایالات متحده با افزایش تحریم‌های رژیم ونزوئلا سعی در قطع جریان درآمدزایی مادورو برای حفظ قدرت دارد. با این حال مقامات واشنگتن می‌گویند تا از درگیری نظامی خودداری کنند. در بخشی از گزارش این روزنامه آمده کارکاس بطور فزاینده به روابط با رژیم ایران و قاچاقچیان مواد مخدر و شبکه‌های غیرقانونی برای تجارت نفت تکیه یافته و مادورو توانسته با کمک متحدان خود قدرت را حفظ کند.

مقامات آمریکایی و غربی می‌گویند ونزوئلا از دلان بین‌المللی برای فروش نفت خام و برای بازپرداخت آن به ایران استفاده می‌کند.

وزارت خزانه‌داری و وزارت خارجه آمریکا در حال گسترش کارزار دیپلماتیک برای هشدار به کشورها، بانک‌ها، شرکت‌های حمل و نقل و سایر شرکت‌ها هستند تا از کمک به رژیم مادورو جلوگیری شود.

وزارت خارجه ایالات متحده در واکنش به اظهارات ظریف درباره حوادث آمریکا: شما همجنس‌گرایان را اعدام، زنان را سنگسار و یهودیان را به نابودی تهدید می‌کنید

وال استریت ژورنال: دیکتاتورها از آب هم بوی خون استشمام می‌کنند!



شی جین و رجب طیب اردوغان رؤسای جمهوری چین و ترکیه و علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی ایران

مطمئن نباشید که تا چند دقیقه دیگر زنده خواهید بود.

رسانه‌های دولتی چین که دیگر یک دنده بالاتر می‌تازند! آنها به دنبال تحریک ناآرامی‌ها در آمریکا هستند. «گلوبال تایمز» از رسانه‌های وابسته به دولت چین در توییتر درباره نیروهای پلیس ایالات متحده می‌پرسد: «نگاهبانان صلح یا قتل‌عام کنندگان؟ یک ویدئو نشان می‌دهد که چگونه ماشین پلیس نیویورک به میان جمعیت معترض در مرکز این شهر می‌زند».

همچنین خبرگزاری شینهوا [خبرگزاری دولتی چین] مقاله‌ای از نیویورک تایمز را تبلیغ می‌کند که در آن به همدردی با کسانی پرداخته شده که دست به تخریب اموال عمومی و غارت فروشگاه‌ها می‌زنند.

از سوی دیگر، پکن می‌خواهد از اعتراضات در آمریکا برای توجیه سرکوب جنبش آزادیخواهی هنگ‌کنگ و دستگیری رهبران صلح‌طلب آنها به نفع خود استفاده کند. پایگاه خبری «گلوبال تایمز» با هشتگ نانسای پلوسی با زیرکی توییت کرده: «خشونت در اعتراضات ایالات متحده اوج می‌گیرد! معترضان شهرداری نشویل را به آتش می‌کشند، ماشین‌های پلیس را تخریب

● حکومت‌های ترکیه، ایران و چین می‌خواهند از ناآرامی‌های نژادی در آمریکا سوء استفاده کنند.

● این رژیم‌ها با از میان بردن تفاوت بین حاکمیت قانون و بی‌قانونی به سوء استفاده از رویدادها می‌پردازند. این دیکتاتورها به سرکوب مسلمانان اوغور در استان سین کیانگ توسط حزب کمونیست چین و به گلوله بستن صدها معترض توسط رژیم ایران هیچ اعتراضی ندارند.

روزنامه وال استریت ژورنال ۳۱ مه (۱۱ خرداد) در یادداشتی با عنوان «دیکتاتورها از آب هم بوی خون استشمام می‌کنند» می‌نویسد، مردان دیکتاتور عزم‌شان را جزم کرده‌اند تا از ناآرامی‌های ناشی از مرگ جرج فلویید در آمریکا، از سیستم دولت حقوقی این کشور مشروعیت‌زدایی کرده و اعتبار آن را خارج از ایالات متحده خدشه‌دار کنند.

در این یادداشت آمده، رجب طیب اردوغان که مخالفان سیاسی خود را قلع و قمع می‌کند و کردهای سوریه را با خشونت آواره کرده است، توییت کرده «رویکرد نژادپرستانه و فاشیستی منجر به مرگ جرج فلویید در اثر شکنجه در شهر مینیاپولیس آمریکا، نه تنها همه ما را غمگین کرده، بلکه یکی از دردناک‌ترین مظاهر نظم ناعادلانه در جهان است که ما با آن مقابله می‌کنیم».

علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی ایران، برای تنوع در اظهاراتی که اسرائیل را مرتب تهدید به نسل‌کشی می‌کند، در توییتهایی نوشته «اگر پوست تیره دارید و در آمریکا قدم می‌زنید

روسیه دومین محموله جنگنده‌های میگ-۲۹ را به رژیم بشار اسد تحویل داد



تصویری از یک جنگنده میگ بدون هیچ آرم و نشانی که گفته می‌شود در پایگاه «حمیمیم» سوریه قرار داد

● میگ-۲۹ اس ام تی، نوع ارتقا یافته از جنگنده میگ-۲۹ فالکروم است که مجهز به موشک‌های دقیق هوا به هوا و هوا به سطح هستند و مخازن سوخت اضافی دارند.

سفارت مسکو در دمشق ۳ ژوئیه (۱۴ خرداد) خبر داد که ارتش سوریه دومین محموله از جنگنده‌های میگ-۲۹ ساخت روسیه را تحویل گرفته است.

خبرگزاری دولتی سوریه «سانا» به نقل از منابع نظامی نوشت این هواپیماها ۳۰ ماه مه تحویل داده شد و مراسم تحویل آن در پایگاه هوایی «حمیمیم» برگزار شد.

میگ-۲۹ اس ام تی، نوع ارتقا یافته از جنگنده میگ-۲۹ فالکروم است که مجهز به موشک‌های دقیق هوا به هوا و هوا به سطح هستند و مخازن سوخت اضافی دارند. قدرت موتور این نوع جنگنده‌ها افزایش داده شده و ظرفیت حمل سلاح آنها بیشتر است.

در توییت سفارت روسیه در دمشق آمده «ارتش سوریه دومین محموله جنگنده‌های میگ-۲۹ را از روسیه در چارچوب همکاری فناوری و نظامی بین دو کشور دریافت کرده است. سوری‌ها اجرای ماموریت‌های خود را با این هواپیما آغاز کرده‌اند».

اسپوتنیک به نقل از یک منبع می‌نویسد «این جنگنده‌ها نسبت به مدل‌های پیشین، کارایی بیشتری دارند و پرواز خود را از پایگاه حمیمیم به محل حضور خود در فرودگاه‌های نظامی سوریه پرواز آغاز کردند».

ولادیمیر پوتین رئیس جمهوری روسیه از وزارت دفاع و وزارت خارجه این کشور خواسته بود با رژیم بشار اسد برای توسعه بیشتر پایگاه هوایی حمیمیم مذاکره کنند. روسیه و سوریه در سال ۲۰۱۵ یک توافق ۴۹ ساله در زمینه استقرار نیروی هوایی روسیه در پایگاه حمیمیم امضا کرده‌اند.

طبق این توافق، سوریه یک قطعه زمین به همراه تجهیزات و تاسیسات آن را به صورت رایگان در اختیار ارتش روسیه قرار داده است. این توافق می‌تواند برای مدت ۲۵ سال دیگر به صورت اتوماتیک تمدید شود مگر اینکه یکی از طرفین از یک سال قبل از پایان قرارداد خواستار لغو آن شود. احتمالاً رژیم ایران لحظه‌شماری می‌کند با پایان یافتن تحریم‌های تسلیحاتی بتواند دست‌کم از روسیه و چین تجهیزات مدرن‌تر نظامی خریداری کند. جمهوری اسلامی

همواره نادیده گرفته، بلکه با دستگیری، شکنجه و اعدام آنان فضای ترس و وحشت در جامعه ایران حکمفرما کرده است. تنها برای یک نمونه، در اعتراضات آبان ۹۸ به گزارش رویترز از منابع داخلی رژیم، ۱۵۰۰ تن کشته و هزاران تن زخمی و بازداشت شدند که از سرنویشت دستگیرشدگان اطلاعی در دست نیست.

پمپئو چندی پیش سخنان علی خامنه‌ای را در مورد نابودی اسرائیل، یهودی‌ستیزانه و انزجارآور خواند. اما رهبر رژیم حاکم بر ایران ساعتی بعد گفته‌هایش را رفع و رجوع نمود و اعلام کرد: منظورم حکومت اسرائیل بود نه یهودیان.

مایک پمپئو در توثیت خود به اظهارات خامنه‌ای و پوستری که در اکانت کاربری وی منتشر شده بود و در آن برای حل مناقشه بین اسرائیل و فلسطینیان، اصطلاح «راه حل نهایی» (بخوانید نابودی اسرائیل) را به کار برده که در سال‌های حکومت هیتلر توسط نازی‌ها برای کشتار سیستماتیک یهودیان استفاده شده بود، اشاره نموده است. آمریکا پیش از این نیز چند بار قوانین ضد حقوق بشری در ایران و صدور احکام سنگین شلاق و اعدام برای همجنس‌گرایان را محکوم کرده بود. چندی پیش مورگان اور تگاس سخنگوی وزارت خارجه ایالات متحده در پیامی خطاب به محمد جواد ظریف نوشته بود، آیا وزیر خارجه بزرگترین حامی تروریسم در جهان، دار زدن همجنس‌گرایان با استفاده از جرقه‌قلم، سنگسار زنان، سرکوب اقلیت‌ها، مجاز دانستن ازدواج با دخترپچه نه ساله و دستگیری معترضان، خود را در مقامی می‌بیند که در مورد اعتراضات رایج در دموکراسی‌های جهان اظهار نظر کند؟

واکنش پمپئو به اظهارات ظریف درباره حوادث آمریکا: شما

همجنس‌گرایان را اعدام، زنان را سنگسار و یهودیان را به نابودی تهدید می‌کنید

وزیر خارجه ایالات متحده در واکنش به توثیت فرصت‌طلبانه محمدجواد ظریف درباره ناآرامی‌های اخیر در مینیاپولیس و رفتار خشونت‌آمیز یک پلیس که باعث مرگ یک شهروند شد، نوشت: شما همجنس‌گرایان را اعدام، زنان را سنگسار و یهودیان را به نابودی تهدید می‌کنید.

پمپئو در بیانیه‌ای نیز چندی پیش گفته بود: مردم ایران از فساد، بی‌عدالتی و بی‌کفایتی رهبران جمهوری اسلامی خسته شده‌اند.

وزارت خارجه جمهوری اسلامی روز شنبه به عنوان تلافی انتقادات مایک پمپئو از وجود دیکتاتوری، خفقان و سرکوب رژیم جمهوری اسلامی، خواستار توقف رفتار خشونت‌آمیز با سیاهپوستان شده است.

ظریف روز یکشنبه این هفته در سخنانی عجیب به واشنگتن توصیه کرد صدای مردم را بشنود! این در حالیست که در بیش از چهار سال گذشته، نه تنها رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی خواست‌های معترضان در ایران را



مایک پمپئو

گفتنی است بر اساس گزارش سازمان عفو بین‌الملل، در اعتراضات مردمی در آبان‌ماه سال ۱۳۹۸ بیش از ۳۰۰ تن توسط مأموران امنیتی و انتظامی رژیم کشته شدند. این آمار از سوی خبرگزاری رویترز ۱۵۰۰ تن اعلام شد. روز شنبه این هفته سرانجام رحمانی فضل، وزیر کشور جمهوری اسلامی پس از ماه‌ها تردید، تعلل و شانه خالی کردن از اعلام شمار کشته‌شدگان، تعداد جانباختگان در جریان اعتراضات مردم به گرانی بنزین را ۲۲۵ نفر اعلام کرد. در حالی که به گفته شاهدان عینی بیش از ۲۰۰ نفر تنها در قتل عام نینوا بوشهر با رگبارهای مزدوران سپاه پاسداران مانند برگ خزان به زمین ریختند. روز دوشنبه نیز حجت‌الاسلام ذوالنوری از تئوریسین‌های سنگدل رژیم و نماینده قم در مجلس شورای اسلامی که او را با استالین و انور حوجه مقایسه می‌کنند، گفت: در حوادث آبان ماه ۹۸ سوی کشته شدن ۲۲۵ نفر، دو هزار تن نیز مجروح شده‌اند.

کیهان شما، کیهان لندن

@KayhanLondon
@kayhanlondon
@kayhanlondon
https://t.me/kayhan_london

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

@KayhanLife
@kayhanlife
@KayhanLife
https://kayhanlife.com/newsletters-subscription

پیام عجیب وزارت خارجه جمهوری اسلامی به مردم آمریکا: دنیا صدای مظلومیت شما را شنیده و کنار شما ایستاده است!



تا اول ژوئیه حدود ۴ هزار نفر در اعتراضات آمریکا بازداشت شدند اغلب آنها دستجمعی به مردم و اموال خصوصی و عمومی حمله و آنها را تخریب و غارت کردند

رایبورت اورایان مشاور امنیت ملی کاخ سفید دولت‌های چین و روسیه و حکومت اسلامی ایران را به تشدید اعتراضات در ایالات متحده متهم کرد و تأکید نمود آمریکا بر این بحران‌ها غلبه خواهد کرد.

عباس موسوی در بخش دیگری از سخنانش به تبادل زندانیان میان آمریکا و ایران اشاره کرد و گفت: «پرونده سیروس عسکری دانشمند ایرانی که در آمریکا در بازداشت بسر می‌برد تمام شده و احتمال می‌دهیم طرف دو‌الی سه روز آینده اگر مشکلی پیش نیاید و موانعی ایجاد نشود به کشور بازگردد».

او افزود: «برای ما امنیت ایرانی‌ها در زندان‌های اروپا و آمریکا که آنها را گروگان این کشورها می‌دانیم مهم است و وضعیت آنها را به صورت مرتب پیگیری می‌کنیم».

با آغاز نارامی‌ها در آمریکا پس از قتل جورج فلویید توسط یک مأمور پلیس ده‌ها فروشگاه از جمله شعبی از «اپل» و «تایک» غارت شده و شعبه‌های مرسدس بنز و چند برند مشهور دیگر به شدت تخریب شدند. شماری از معترضان علاوه بر ماشین‌های پلیس اتومبیل‌های شخصی را آتش می‌زنند و دستجمعی مردم عادی را مورد ضرب و

سختن عجیب عباس موسوی سخنگوی وزرات خارجه حکومت اسلامی خطاب به دولت آمریکا: خشونت‌ها علیه مردم خود را متوقف کنید و بگذارید آنها نفس بکشند!

● «ما هرگونه دخالت در امور داخلی آمریکا را رد می‌کنیم... ضرب‌المثل کافر همه را به کیش خود خواند در مورد اینگونه اظهارات مصداق دارد».

سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی می‌گوید پلیس آمریکا با «خشونت و قلدری» تظاهرات مسالمت‌آمیز مردم آن کشور را سرکوب می‌کند. عباس موسوی دوشنبه ۱۲ خرداد ۹۹ در یک پیام که به زبان انگلیسی خواند با ابراز تأسف و محکوم کردن اقدامات پلیس آمریکا خطاب به دولت ایالات متحده گفت «خشونت‌ها علیه مردم خود را متوقف کنید و بگذارید آنها نفس بکشند».

او در این پیام عجیب خطاب به مردم آمریکا گفت «دنیا صدای مظلومیت شما را شنیده و کنار شما ایستاده است. رژیم آمریکا خشونت و قلدری را همزمان در داخل و خارج از ایالات متحده دنبال می‌کند».

این مقام وزارت خارجه جمهوری اسلامی در واکنش به اظهارات مشاور امنیت ملی کاخ سفید در مورد دخالت رژیم ایران در تشدید اعتراضات آمریکا گفت: «ما هرگونه دخالت در امور داخلی آمریکا را رد می‌کنیم ولی نمی‌توانیم در برابر اتفاقات رخ داده در آمریکا ابراز تأسف و نگرانی نکنیم. ضرب‌المثل کافر همه را به کیش خود خواند در مورد اینگونه اظهارات مصداق دارد. آن کشوری که علیه منافع دیگر کشورها اقدام می‌کند و در امور داخلی کشورها دخالت می‌کند و ابایی از بیان این موضوع ندارد دولت آمریکا است».

● پنجشنبه ۱۵ خرداد خط لوله انتقال نفت شرکت «نفت گاز آغاچاری» حوالی رامهرمز و کارخانه تولید روکش صندلی در ورامین و اراضی کنار دریاچه چیتگر تهران - قم دچار حریق شدند.

● گزارش‌ها از استان خوزستان حاکیست اراضی مجاور پادگان تیپ ۴۵ آتش در شوشتر دچار حریق شده است.

● چهارشنبه شب «پارک چوبی» واقع در جاده ساحلی اهواز و ساختمان یکی از شعب «بانک ملت» در شهرستان بجنستان استان خراسان رضوی نیز دچار آتش سوزی شدند.

● مدیرعامل آتش‌نشانی اهواز: آتش سوزی پارک چوبی کیانیپارس عمدی است. ● عامل آتش سوزی منطقه «تنگه قیر» منطقه چرداول در استان ایلام دستگیر شد. ● دو عامل آتش سوزی در جنگل‌های «خائیز» کهگیلویه و بویراحمد بازداشت و تحویل مراجع قضایی شده‌اند.

● حسین موسوی رئیس ایستگاه آتش‌نشانی خلخال: «آتش سوزی‌ها در این شهرستان افزایش یافته و تا کنون بیش از ۱۰۰ مورد آتش سوزی مهار شده است. همه موارد آتش سوزی باغ‌های خلخال عمدی و توسط افراد ناشناس صورت می‌گیرد».

محمدباقر قالیباف:

فساد در تار و پود ساختار نفوذ کرده؛ سرمايه اجتماعي نظام آسيب ديده!



محمدباقر قالیباف فرمانده پیشین نیروی انتظامی و رئیس یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی

آسیب‌های اجتماعی فراگیر شده است. قالیباف «فساد» را یکی دیگر از تهدیدهای نگران‌کننده دانست که در تار و پود ساختارهای مختلف نفوذ کرده و موجب افزایش تبعیض و نارضایتی، و عدم تحقق عدالت شده است. این در حالیست که خود قالیباف و اعضای خانواده‌اش خود مظهر فساد و دارای پرونده‌های فساد هستند. آنها با پرونده‌های مالی متهم به اختلاس و فسادهای کلان اقتصادی و رانت‌خواری و زمین‌خواری اند. فساد آنان چنان آشکار است که حسن روحانی در جریان مناظره‌های انتخاباتی ریاست جمهوری در سال ۱۳۹۴ بخشی از آنها را افشا کرد.

رئیس مجلس یازدهم همچنین افزود: «نظام اداری - اجرایی بهم ریخته‌ی کشور، تهدید دیگری است که امکان حکمرانی خوب را سلب کرده است. تضمین نهاد بسیار مهم خانواده، از طریق گسترش روزافزون سبک زندگی غربی نیز، تهدیدی نگران‌کننده تلقی می‌شود که نیاز به توجه ویژه و فوری دارد».

قالیباف گسترش نفوذ جریان غرب‌زده راه، که به گفته او «با امید بستن به دشمن، مانع خودباوری ملی و توجه به ظرفیت‌های عظیم داخلی شده است» تهدید مهم دیگری دانست و هشدار داد که باید در برابر آن بطور جدی هشیار بود.

او در بخش دیگری از سخنانش عنوان کرد: «آنچه شرایط را خطرناک‌تر می‌کند، الگوی مدیریتی دستگاه اجرایی کشور است، که علاوه بر ناکارآمدی و آشفتگی مدیریتی، و تمرکز بر نگاه به بیرون، به بسیاری از اصول و مؤلفه‌های الگوی مدیریت جهادی نیز باور ندارد».

قالیباف تأکید کرد مجلس یازدهم خود را متعهد به ادامه راه سلیمانی در افزایش توان محور مقاومت، به‌عنوان راهبردی غیرقابل تغییر می‌داند و حمایت از ملت فلسطین، حزب‌الله لبنان، گروه‌های مقاومت، حماس، جهاد اسلامی و یمین را وظیفه انقلابی می‌داند و به حساب می‌آورد. او در مورد «راهبرد مورد نظر مجلس در حوزه سیاست خارجی» نیز اشاره کرد و گفت: «مجلس یازدهم، استکبارستیزی راه، هم‌ارمانی اعتقادی و هم‌منفعتی راهبردی می‌داند و مذاکره و سازش با آمریکا به عنوان محور استکبار جهانی را، بی‌حاصل و بر ضرر ارزیابی می‌کند. راهبرد ما در برخورد با آمریکای تروریست، تکمیل زنجیره انتقام خون شهید سلیمانی است، کاری که با حمله بی‌سابقه به پایگاه عین الاسد شروع شد و با شکست شدن هیبت پوشالی آمریکا در عدم توان پاسخ به اقدام جمهوری اسلامی ادامه یافت و با اخراج کامل ارتش تروریست آمریکا از منطقه تکمیل خواهد شد».

مجلس یازدهم با نمایندگانی که بر کرسی‌های آن و ریاست‌اش تکیه زده‌اند، یکی از فاسدترین مجالس پس از انقلاب اسلامی است. اکنون مشخص شده شمار زیادی از نمایندگان این مجلس مدارک تحصیلی جعلی داشته و یا پرونده فساد مالی دارند و تأیید اعتبارنامه‌های آنها با مشکل روبرو شده است. این افراد همانهایی هستند که شورای نگهبان و نهادهای نظارتی صلاحیت‌شان را تأیید کرده‌اند! اساساً کسانی که در انتخابات مجلس شورای اسلامی و ریاست جمهوری به عنوان نامزد تأیید در حین تعمیرات بوده است! هر چه هست، این آتش‌سوزی‌های سریالی به شدت در سخنانی ادعا کرد که

● قالیباف می‌گوید مذاکره و سازش با آمریکا بی‌حاصل است: «راهبرد ما در برخورد با آمریکای تروریست، تکمیل زنجیره انتقام خون شهید سلیمانی است!»

● «قدرت منطقه‌ای فزاینده جمهوری اسلامی، که باعث گسترش عمق راهبردی و نفوذ ژئوپولیتیکی جمهوری اسلامی شده، فرصت مغتنمی است».

● «تهدیدهایی در کمین نظام اسلامی است از جمله کاهش سرمایه اجتماعی نظام که در نتیجه ناکارآمدی اشباع‌شده مدیریتی کشور و فاصله گرفتن مسئولان از اصول انقلاب ایجاد شده».

● مجلس یازدهم با نمایندگانی که بر کرسی‌های آن و ریاست‌اش تکیه زده‌اند، یکی از فاسدترین مجالس پس از انقلاب اسلامی است و تأیید اعتبارنامه‌های نمایندگان اش با مشکل روبرو شده. اساساً کسانی که در انتخابات مجلس شورای اسلامی و ریاست جمهوری به عنوان نامزد تأیید می‌شوند، جنس‌شان از همان قماش نظام ورهبری آن است.

محمدباقر قالیباف رئیس مجلس یازدهم یکشنبه ۱۱ خرداد در اولین نطق رسمی خود از حضور نظامی جمهوری اسلامی در سوریه و عراق حمایت کرد و هرگونه مذاکره و سازش با آمریکا را بی‌حاصل و مضر دانست.

قالیباف با شرح نسبتاً طولانی از آنچه دستاوردهای انقلاب خواند به آسیب‌ها و تهدیداتی که نظام با آن روبروست اشاره کرد و گفت: «ناکامی‌های گوناگون

«فناوری و قابلیت طراحی و ساخت چنین سامانه‌ای اکنون در انحصار کشورهای معدودی قرار دارد که خوشبختانه متخصصان صنعت دفاعی موفق به طراحی مدرنی از این سامانه شدند». معلوم نیست این «سامانه» در حال حاضر و شرایطی که باید مورد استفاده قرار گیرد کجاست! این در حالیست که در مورد آتش سوزی عظیم جنگل‌های زاگرس، سرهنگ عباس نژاد فرمانده یگان حفاظت سازمان جنگل‌ها گفته بود اگر تجهیزات هوایی زودتر به منطقه اعزام شده بود همان روز اول امکان اطفای حریق وجود داشت.

او همچنین عنوان کرد «پیش از این وزارت دفاع با لگدهای اطفای حریق را برای ما تأمین می‌کرد ولی به دلیل عدم تأمین اعتبار از سوی دولت دو سال است که ما همکاری نمی‌کنند». حسن موسوی رئیس ایستگاه آتش‌نشانی خلخال نیز می‌گوید آتش‌سوزی‌ها در این شهرستان افزایش یافته و تا کنون بیش از ۱۰۰ مورد آتش‌سوزی مهار شده است. به گزارش ایران‌او با تأکید بر اینکه «همه موارد آتش‌سوزی باغ‌های خلخال عمدی و توسط افراد ناشناس صورت می‌گیرد» گفت «یکی از عوامل ایجاد آتش‌سوزی عمدی در باغ‌های خلخال توسط مأموران انتظامی دستگیر شده است».

خبرگزاری دانشگاه آزاد اسلامی در گزارشی با اشاره به اینکه اکثر این آتش سوزی‌ها توسط عامل انسانی صورت گرفته از «لزوم ورود مقامات قضایی به آتش‌سوزی‌های سریالی اخیر» گفته و پرسیده «آیا پشت پرده خبرهایی است؟» نکته قابل اشاره آن است که مسئولان به عمدی بودن آتش‌سوزی‌ها در مزارع، باغات و مراعات جنگل‌ها اعتراف می‌کنند اما وقتی در مورد مراکز حساس و استراتژیک صحبت می‌کنند آن را به بررسی‌های دقیق حواله می‌دهند یا در موردش سکوت می‌کنند و یاداعمی‌شود که حین تعمیرات بوده است! هر چه هست، این آتش‌سوزی‌های سریالی به شدت در سخنانی ادعا کرد که



چیتگر در غرب تهران به آتش کشیده شد. این منطقه حیاط خلوت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است و تقریباً اغلب اراضی و املاک آن متعلق به سپاه پاسداران است. همچنین پنجشنبه شب زمین‌های حاشیه اتوبان تهران - قم نزدیک باجه‌های عوارض نیز به آتش کشیده شد. در شبکه‌های اجتماعی ویدئویی از آتش‌سوزی در اراضی مجاور پادگان تیپ ۴۵ ارتش در شوشتر نیز منتشر شده است.

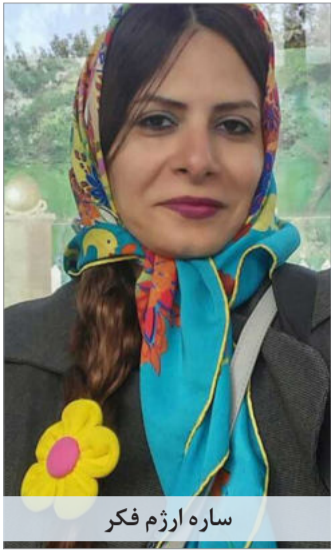
چهارشنبه ۴ خرداد آتش‌سوزی در تاسیسات پالایشگاه تهران به کشته و مصدوم شدن دو نفر از کارکنان آن منجر شد. در مورد این حادثه نیز اعلام شد که علت حریق نشت بنزین به بیرون و شعله‌ور شدن آن بوده است. همین روز بخشی از انبارهای شرکت فولاد خوزستان، کارخانه «گروه قطعات فولاد ایران» واقع در اتوبان تهران - کرج، چند نقطه از مراعات حاشیه اتوبان تهران - فردیس و محوطه مجموعه تاریخی «ربع‌شیدی» تبریز نیز دچار حریق شدند. چهارشنبه شب «پارک چوبی» واقع در جاده ساحلی اهواز دچار حریق شد و مدیرعامل آتش‌نشانی اهواز به صراحت گفت که آتش‌سوزی عمدی است. ساختمان یکی از شعب «بانک ملت» در شهرستان بجنستان استان

بیش از ۲۵ آتش‌سوزی مشکوک در نقاط مختلف کشور در کمتر از یک ماه رخ داده است. تعداد زیادی از این آتش‌سوزی‌های سریالی که همچنان ادامه دارند در مراکز حساس و استراتژیک مثل پالایشگاه‌ها و نیروگاه‌ها بوده و در تعدادی از کارخانه‌های بزرگ نیز خسارت وارد آورده است. این شمار غیرعادی آتش‌سوزی همزمان با حریق گسترده در جنگل‌ها و مراعات غرب و جنوب کشور اگر هر جای دیگر دنیا اتفاق افتاده بود با واکنش مقامات و نهادهای مسئول روبرو می‌شد و کمیته‌های ویژه برای بررسی آنها تشکیل می‌دادند تا علت و مسببان و مرتکبان مشخص شوند اما در ایران تحت حکومت جمهوری اسلامی طبق معمول همه چیز متفاوت است!

روز پنجشنبه ۱۵ خرداد خط لوله انتقال نفت شرکت «نفت گاز آغاچاری» مارون به اصفهان حوالی شهرستان رامهرمز دچار انفجار شد و آتش گرفت. این حادثه تلفات جانی نداشت اما تعدادی از ادوات و ماشین‌آلات در آتش سوختند. درباره این آتش‌سوزی گفته شد که کارگران در حال تعمیر لوله بودند که این انفجار روی داد. در همین روز یک کارخانه تولید روکش صندلی در ورامین نیز دچار حریق شد.

پنجشنبه شب محوطه اطراف دریاچه

گفتگو با عکاس این عکس: «تدریس آنلاین»



ساره ارژم فکر



تدریس آنلاین

به گوشه‌ای از این موضوع پرداخته‌ام. از عکاسی و از اینکه ذهن‌ام همواره درگیر محیط پیرامونم هست لذت می‌برم و سعی می‌کنم عکس‌هایی خلق کنم که زابیده‌ی ذهن خود باشند.»

ساره ارژم فکر در مورد ایده‌ی عکس «تدریس آنلاین» می‌گوید: «می‌خواستم یکسری تناقضاتی را که زنان امروز و استاد این روزها با آن درگیر هستند با عکس‌ام بیان کنم و دریافت و تأویل آن را به مخاطبان این عکس واگذار کردم.»

در بسیاری از عکس‌های این عکاس ذهن‌گرا، آثاری مستند و مردم‌نگارانه همراه با ظریف‌های هنری دیده می‌شود، اما خودش می‌گوید: «آثار عکاسان مستند اجتماعی و خیابانی را در صفحات مجازی دنبال می‌کنم و در این راه بسیار خوشبختم که اساتید خوبی عکس‌هایم را از ابتدا دیدند و در این مسیر راهنمایی بودند و من همواره قدردان آنها خواهم بود. در اینجا باید به کار گروه نقد عکس به مدیریت آقای شادمند، حمید همچنین آقایان ارش شادمند، حمید بهنام فر و سیاوش اجلائی، اساتیدی که همواره مشوق من بودند نیز اشاره کنم.»

او در مورد عکاسی مستند خیابانی معتقد است: «یکسری تغییرات اساسی در روند عکاسی مستند و خیابانی ایجاد شده؛ عکاسی از بسیاری از سوژه‌ها سخت و غیرممکن شده ولی سوژه‌های جدید و ایده‌های جدید نیز برای عکاسی به وجود آمده؛ چون عکاسی قائم به انسان است پس تا انسان هست، عکاسی هم هست.»

دانشگاه‌های ساره از تجهیزات عکاسی، یک دوربین دی‌اس‌آل آر کان ۶۵۰ و عکاسی است و همچنین با دوربین موبایل‌اش به عکاسی خیابانی می‌پردازد. او در ادامه می‌گوید: «دو تا از عکس‌هایم سال گذشته در نمایشگاهی در تهران انتخاب و به نمایش گذاشته شد.» او در مورد برنامه‌های آینده‌اش در حوزه عکاسی علاقمند است به عنوان یک فعال در حوزه حقوق زنان فعالیت کند: «در این راه تمام تلاش‌ام را به کار می‌بندم. عکس‌های آینده‌ام نیز حتما در همین مسیر و با هدف بیان مشکلات و نیازهای زنان خواهد بود.»

ساره متولد ۱۳۵۴ در تهران و دارای مدرک کارشناسی زبان و ادبیات انگلیسی از دانشگاه آزاد کرج و مدرک کارشناسی ارشد آموزش زبان انگلیسی از دانشگاه مالایا در کوالالامپور است.

داشته‌های ساره از تجهیزات عکاسی، یک دوربین دی‌اس‌آل آر کان ۶۵۰ و همچنین با دوربین موبایل‌اش به عکاسی خیابانی می‌پردازد.

او برای تفریح عکاسی نمی‌کند؛ زنان و کودکان دارند و موضوع زنان و محدودیت‌های آنها در جامعه امروز ایران جزو دلمشغولی‌های او به شمار می‌رود.

فیروزه رمضان زاده - یکی از تصاویری که در دوران شیوع کرونا و دوران قرنطینه پس از تعطیلی مراکز آموزشی توجه بسیاری از کاربران ایرانی را در شبکه‌های اجتماعی جلب کرد عکسی به نام «تدریس آنلاین» از ساره ارژم فکر عکاس و استاد زبان انگلیسی ساکن تهران است. در این عکس زنی را می‌بینیم که چهره‌اش پشت به دوربین عکاسی در مقابل کامپیوتر خود مشغول تدریس آنلاین است. این زن مقنعه‌ای بر سر کرده و در عین حال یک پیراهن کوتاه راحت بدون جوراب یا شلوار به تن دارد: کنتراستی گویا و بدون تعبیر و تفسیر بین بیرون و درون ...

این عکس همچنی بار دیگر سانسور و خودسانسوری در ایران را از جمله در مورد زنان یادآوری کرد که یکی از «جلوه‌های ویژه»ی آن در سینماست که بازنگران زن مجبور به رعایت حجاب اسلامی در مقابل دوربین حتی در چار دیواری و اتاق خواب خود هستند. کیخون @Keykhoon یکی از کاربران توئیتر در واکنش به انتشار این عکس نوشته بود: «این عکس تفاوت بین «آزادی» و «شل گرفتن» (چیزی که اصلاح‌طلب‌ها دو دهه به عنوان اصلاحات به مردم انداختند) در عین وضوح نشون میده. آزادی این حق رو از حکومت می‌گیره که حقوق بنیادین فرد رو به دلخواه خودش پایمال کنه، شل گرفتن ولی مستقیما و انحصارا وابسته به «ترحم» یا «صلحت‌طلبی» حکومته.»

Alireza Taba یکی دیگر از کاربران توئیتر در مورد این عکس نوشت: «این عکس از ساره ارژم فکر حکایت ایام کرونا نیست. حکایت چهل سال گذشته بسیاری از مایرانی‌هاست، هم‌مردهم‌زن، ساره ارژم فکر در تهران زبان انگلیسی تدریس می‌کند و از سال‌ها پیش زندگی‌اش با عکاسی گره خورده. او این عکس را همراه با دیگر عکس‌هایش در صفحه اینستاگرام خود منتشر می‌کند. اما «تدریس آنلاین» بی‌درنگ توجه کاربران را به خود جلب کرد.

ساره متولد ۱۳۵۴ در تهران و دارای مدرک کارشناسی زبان و ادبیات انگلیسی از دانشگاه آزاد کرج و مدرک کارشناسی ارشد آموزش زبان انگلیسی از دانشگاه مالایا در کوالالامپور است.

او که در اواخر تابستان سال ۱۳۸۸ به دلیل تحصیلات تکمیلی همسرش به مالزی سفر کرد از چگونگی ورود خود به دنیای عکاسی به کیهان لندن می‌گوید: «در مالزی از تجربه زندگی جدید و آشنایی با آدم‌های جدید در پوست خود نمی‌گنجیدم ولی به دلیل دوری از خانواده و جدا شدن از موقعیت اجتماعی پیشین‌ام، تا ماه‌ها بعد از اقامت در کوالالامپور تمایلی به کشف محیط بیرون نداشتم و بیشتر روزها به ویژه هنگام غروب روی ایوانی که مشرف به یک خیابان پر رفت و آمد بود می‌نشستم و ماشین‌ها و آدم‌ها را از طبقه بیست و دوم یک ساختمان کندیوی در یک منطقه متوسط و پایین‌تر از متوسط

به عزیز خاطر‌هایم: مهدی اخوان لنگرودی مهدی از دست‌رفته‌ام!



مهدی اخوان لنگرودی و رضا مقصدی؛ سال‌ها پیش در وین

نه آسمان، در چشم‌های به اشک نشسته‌ام رنگی داشت و نه درخت سربلندی که از پس پشت پنجره‌ام به من خیره شده بود و نه صدای رهگذری که با زبانی بیگانه به گوشم می‌رسید. تنها مسافت اتاق تنها شده‌ام را بارها طی کردم و در این راه رفتن‌های مکرر بود که خاطرات خفته‌ام جان می‌گرفت و بیدار می‌شد. یکسوی من، تو بودی و پشتون آب‌ها با همی زلالی‌های جاری‌اش. دیگر سو، تو بودی و خسرو گل‌سرخ آن سال‌های خوشحال لنگرودی که وقت رفتن به بازار، مادرت از او می‌پرسید: اقا خسرو! ظهر، چی چاکونم؟ خسرو از حیاط، به صدای بلند می‌گفت: «ابیشکا و ابیشکا!»

وقتی که به تهران آمدم آرزوی دیدن کافه فیروز که با تاتوق اهل قلم بود دست از سرم بر نمی‌داشتم. با پشتون بود که نخستین بار پایم به آنجا باز شد و به من جرات می‌داد که در کنار شاعران و نویسندگان جوان و مطرح آن سال‌ها که هر هفته نام و آثارشان را در مجله‌ی فردوسی می‌دیدم بنشینم و تو را و خسرو را در کنار خود داشته باشم. نخستین قهوه را در همین کافه، در خیابان نازی نوشیدم. از پس اینهمه سال، هنوز هم که بوی قهوه را می‌شنوم مرا به آن خیابان و به آن کافه‌ی تاریخی می‌برد که خاطرات آن سال‌ها را همین چندی پیش در کتاب «از کافه نادری تا کافه فیروز» منتشر کرده‌ای که جای چنین نوشته‌ای، سخت خالی بود.

سیروس مشفق، شاعر شکوهمند آن سال‌ها، تازه کتاب «پشت چهره‌های زمستانی» را منتشر کرده بود. شعرهایش را در فردوسی و روشنفکر خوانده بودیم. به تو گفتم چقدر دلم می‌خواهد او را از نزدیک ببینم. گفتی پس فردا در کافه فیروز منتظرت هستم. آمدم. از پشت پنجره، نگاهی به داخل کردم دیدم نیستی. شرم داشتم به تنهایی، وارد کافه شوم. شهرستانی بودم و ناآشنا. هنوز هم این شرم ناخوسته، دست از سرم برنداشته است. دم در، منتظرت ماندم. آمدی. قهوه و شیرینی ارمنی را تو سفارش دادی. کافه سرشار از دود سیگار بود. مدتی گذشت. به ناگهان گفتی: آمد. چشم به آستانه‌ی در که دوختم قامت بلند و پهنای ستبر سینه و زیبایی چشمگیرش، تمام آستانه‌ی در را در خود گرفته بود. بسیاری میل داشتند مشفق را بر سر میز آنها بنشینند. تو با دست اشاره کردی اینجا. یعنی پیش ما. با مهر آمد و بر سر میز ما نشست. به گارسون ارمنی که روپوش کوتاه سفیدی بر تن داشت برای سیروس، قهوه و شیرینی سفارش دادی. من، مجذوب قامت حماسی و شکوه زیبایی‌اش بودم که اصلا به شاعران، شباهت نداشت. بیشتر یک چهره‌ی زیبایی سینمایی بود. چندی که گذشت گفتی: رضا! حرفی بزنی! گفتم چه بگویم؟ من که حرف زدن بلد نیستم. گفتی بگو چقدر دلبسته‌ی شعرهایش هستی. گفتم. و دیدم باید بر شرم غلبه کنم و فرازی از شعر شکوهمندش را از کتاب پشت چهره‌ی زمستانی‌اش که در بی‌خاطر داشتم بخوانم. خواندم:

یغمایی، میزبان دل‌های آتش‌گرفته شد. گف دست‌گفتی. سر و صدای افراد خانه، پشتون را به زیر زمین خانه کشاند. در آنجا هم کمی از تو حرف زدیم. بعد دوباره رفتیم به سراغ حرف همیشه‌ی ما شعر.

تو که می‌دانی پنجاه سال است مرا با او و او را بامن بجز شعر و عشق و عاطفه‌های انسانی و مبادلات مضامین کتاب‌های خوانده شده - به ویژه در گستره‌ی فکر و فلسفه - حرفی نیست. به ناگهان از تنهایی‌های فلسفی و فلسفه‌ی تنهایی گفت. از ناچاری‌ها. از دُچار شدن‌ها. گفتم سپهری می‌گوید: «دچار باید بود/ دُچار یعنی عاشق». گفت تو که می‌دانی: «نبود بر سر آتش، میسرم که نجوشم.»

بعد از این دیگر حرف‌اش را نمی‌شنیدم. تنها زمزمه‌ای به گوشم می‌رسید. اما ناگهان، بغض فروشکسته در گلویش را شنیدم. به غمناکی گفت: تلفن به مهدی، یادت نرود و گوشه‌ی را با بغضی دلخراش به زمین گذاشت. اینها را گفتم تا واپسین گفتگوی دو ضلع یک مثلث دوستانه‌ی پنجاه ساله را با تو در میان بگذارم.

مهدی از دست‌رفته‌ام!

تو می‌دانی که سال‌هاست به قول اخوان ثالث: «شب‌زی» هستم. شاید به گفته‌ی نیما: «غم این خفته‌ی چند خواب، در چشم ترم می‌شکند». یا دلبسته‌ی گفته‌ی عارف دلخسته‌ی خراسان: ابوسعید ابوالخیر شده‌ام که گفت: شب، خیز که عاشقان به‌شب، از کنند. گرد در و بام دوست، پرواز کنند. هر جا که دری بود به شب، بریندند الا در دوست را که شب، باز کنند. دیشب درت به روی من باز بود. «سپیدار» ات که پریشب از قفسه‌ی کتاب‌هایم برداشته بودم هنوز روی میزم بود. در نیمه‌های شب، سیگاری گیراندم و ورق‌اش زدم. در همان صفحه‌ی نخست با سه سطر از شعر گیلکی «پیر پیمان‌کش ما» محمود پاینده آغاز کردی تا سپاس‌گوی مهرورزی‌های او به پاس نوشتن پیشگفتاری برای نخستین کتاب شعرات در زمستان چهل و پنج خورشیدی بوده باشی.

یه شو، بوشوم رو خونه بیدم او تینته، کونه تینته نبو، غصه بو غصه‌ی سربسته بو غصه گونم، غم گونم هرچی گونم، کم گونم

پیش از این، این پیشگفتار را خوانده بودم اما دیشب بهتر دانستم که محمود پاینده با چه ظرافتی، واژه‌های دلخواسته را شایسته و بایسته شعرهای آغازین‌ات کرده است که هم غرور جوانی و نسبت فامیلی و دوستی با تو را پاس داشته باشد و هم مقام و منزلت معتبر پاینده بودن‌اش را. اما او نماد تابینه‌ی که مهدی ما چه فرازهای سربلندی را پشت سر گذاشته است. صبح، که دیر هنگام از خواب برخاستم، رایانه را که روشن کردم در همان لحظه‌ی نخست، رو در روی تصویر شاعرانه‌ات شدم. دو سه خط غمناک‌اش را که خواندم، فریاد بلندی از جگر کشیدم و سیگار در سیگار، گریستن گرفتم به زارزار. که می‌پرس.

کیهان لندن منتشر کرد:

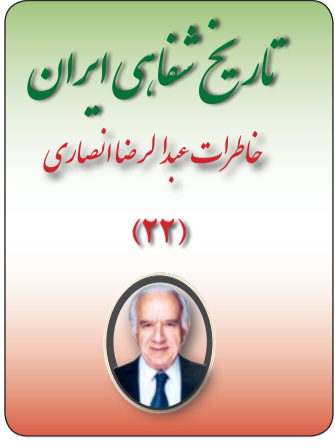


سوریه؛ جاله عکبوت
حامد محمدی

کتاب «سوریه؛ جاله عکبوت» به قلم حامد محمدی (اسر خان) برای نخستین بار ایجاب گردهم حضور نظامی و ناگفته‌های دولت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می‌کشد. فلاحتان می‌توانند این کتاب را مستقیماً از طریق سایت **کیهان لندن** ads@kayhan.com و با انتشارات ساتراپ و سور هرز در لندن و کابرونیهای مهر ایران در اروپا و آمریکا به نشانی های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.

Satrap Publishing Email: satrap@btconnect.com www.satrap.co.uk
Super Hornuz, Finchley Road, Golders Green, NW11 6AD
Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA
Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN
UTOPIRAN, 89 Rue du Rousseau, 75018 Paris , FRANCE
Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY

اتخاذ رویه‌های بهتری برای وصول درآمدها و نظم بیشتر در پرداخت هزینه‌های دولت در جریان بود، آقای باقر پیرنیا به سمت وزیر مختار اقتصادی در سفارت ایران در واشنگتن انتخاب گردید و به آمریکا رفت و آقای عباسقلی اردلان که قبلاً به مدت ده سال سمت خزانه‌دار کل را داشت و از مأمورین عالی‌رتبه و بسیار خوشنام وزارت دارایی بود و چند سال نیز سمت مشاور اقتصادی هیأت نمایندگی ایران در سازمان ملل را داشت، به جایشان انتخاب شد.



تاریخ شفاهی ایران
فاخرت عبدالرضا انصاری

از چهارصد و شصت میلیون دلار می‌باشد. در حالی که درآمد ایران از صنعت نفت در آن زمان حدود دو بیست و پنجاه میلیون دلار در سال بود که هشتاد و پنج درصد آن طبق قانون در اختیار سازمان برنامه قرار داشت و آن سازمان برای اجرای برنامه‌های عمرانی کشور، تعهدات سنگینی را قبول کرده بود. بر اساس اطلاعات واصله، چندین جدول ساده تهیه گردید که نوع تعهدات و زمان پرداخت آنها و سازمانهای متعهد بخوبی نشان داده شده بودند و برای این که این موضوع دستگیر دولت، وزارتخانه‌ها نسخه برای هر یک از وزارتخانه‌ها تهیه شد و در پوشه‌های به رنگ سفید که روی آن به صورت مورب یک باند قرمز با ذکر عبارت «خیلی محرمانه» به رنگ سیاه در متن آن چاپ شده بود، آماده گردید و برای نخست‌وزیری و کلیه وزارتخانه‌ها به عنوان اطلاع، ارسال گردید. وصول این گزارش به دست آقای دکتر اقبال نخست‌وزیر و آقایان وزرا، غوغایی در هیأت دولت به وجود آورد و دولت متوجه گردید که با چه مسأله مهمی مواجه است. زیرا تعهدات این سازمانها که غالباً برای فرار از رعایت مقررات قانونی که دریافت وام از خارج را مشروط به کسب مجوز از مجلس شورای ملی می‌ساخت، به عنوان اعتبارات فروشندگان (suppliers credit) نامیده شده بود و در حقیقت خریدهایی بطور نسیه بود که باید در سالیهای بعد اعتبارات ریالی آن در بودجه‌های مربوط منظور شده و معادل ارزی آن از طرف بانک ملی برای طلبکاران ارسال گردد و هرگاه به هر دلیلی سازمانهای متعهد نمی‌توانستند اعتبارات ریالی را تأمین کنند و یا این که بانک ملی به اندازه کافی ذخیره ارزی نداشت باشد که پرداختهای لازم را انجام دهد، اعتبار دولت ایران در مقابل خارجیان متزلزل می‌شد. بر ملا شدن این موضوع، که کاملاً از دید دولت پنهان بود و به نظر می‌رسید وسیله‌ای برای سوء استفاده مأمورین نادرست فراهم کرده باشد، دولت آقای دکتر اقبال را که در موضوع مبارزه با فساد حساسیت زیاد داشت، آگاه ساخت که باید مکانیزم تازه‌ای برای نظارت دولت بر درآمد و هزینه، به وجود آید و روشن بود که اولین قدم در این راه منعکس کردن کلیه درآمدها و هزینه‌های سازمانهای دولتی بدون استثناء در بودجه کل کشور می‌باشد و طبیعی بود که اجرای این وظیفه به‌عهده وزارت دارایی تلقی خواهد شد و نه تنها سودی ندارد بلکه باعث خواهد شد که بعد از این دستورات معاونین را سرسری تلقی کنند و نظم کارها بهم بخورد. این را گفتند و بلند شدند و به‌عذر گرفتار بودن در مجلس، جلسه را ترک کردند. آقایان دیگر هم به احترام ایشان که از متقدمین بوده و نسبت به سایرین جنبه پیشکسوتی داشتند، سکوت کردند و جلسه به پایان رسید و دیگر هم تشکیل نشد. بهر حال، آقای وزیر دارایی نظر به این که از حل مشکلات پرداختها و ایجاد نظم بهتری در امور خزانه‌داری رضایت داشتند از من خواستند که در قالب تشکیلات و اختیارات موجود، درباره روشهای تهیه و تنظیم بودجه سازمانهای دولتی و نحوه بهتر کردن سیستم‌های فعلی بررسیهایی انجام دهم. این بررسی‌ها در کنار کارهای جاری و روزانه خزانه‌داری طی چند ماهی با رعایت حساسیت مقامات مختلف وزارت دارایی بدون سر و صدا و با کمک عده‌ای از کارکنان باتجربه و علاقمند انجام گرفت و نتایج آن قابل توجه بود.

اتخاذ این رویه در ابتدای کار برای عده‌ای نامأنوس بود و تصور می‌کردند که این هم از نوع صحبتها و ادعاهای توخالی مأمورین دولتی است و بعد از یکی دو ماه لغو شده و به بوته فراموشی سپرده خواهد شد. ولی در عمل دیدند که اینطور نیست و رویه اعلام شده در مورد تمام مؤسسات دولتی اعم از کشوری و لشکری بدون استثنا رعایت می‌شود و پرداختهای لازم در سر موقع در روزهای اعلام شده انجام می‌پذیرد. با این ترتیب به تدریج در ظرف حدود یک ماه مراجعات این افراد و تلفنهای مقامات مختلف برای تسریع در پرداخت شرکتهای مقاطعه‌کاری مختلف تقریباً به صفر رسید و فرصتی پیدا شد که وقت من و همکارانم صرف امور اساسی دیگر بشود. طی ماههای بعد که به تدریج با نحوه کار وزارتخانه‌ها و سازمانهای مختلف دولتی در ارتباط با وزارت دارایی آشنا شدم متوجه گردیدم که در طول پانزده سال یعنی بعد از استعفای اعلیحضرت رضاشاه و اشغال ایران توسط متفقین و در نتیجه آشفتگی و ازهم پاشیدگی دستگاه دولت، وزارتخانه‌های مختلف برای فرار از دست مأمورین سختگیر و اشکال‌تراش وزارت دارایی و رهایی از مقررات پیچیده و دست و پاگیری که عملاً اجرای هر کاری را دچار مشکل می‌ساخت، راههای مختلفی پیدا کرده بودند از جمله ایجاد سازمانهای وابسته و شرکتهای دولتی که تابع مقررات خاص خود بوده و نظارت وزارت دارایی را به حداقل ممکن می‌رساند و در این گونه مؤسسات هر چند نمایندگان وزارت دارایی در هیأتها ناظر بر آن سازمانها شرکت داشتند ولی عملاً فعالیتهای مالی آنها در وزارت دارایی انعکاسی نداشت و حتی در بودجه کل کشور نیز درآمد و هزینه‌های آنها نشان داده نمی‌شد. به عبارت دیگر، بودجه مصوبه دولت که مبنای کار وزارت دارایی بود فقط نمایانگر حقوق و مزایای کارکنان و هزینه‌های جاری مربوط به نگهداری تأسیسات و خرید میز و صندلی و وسائل مختصر اداری بود و عملیات اصلی تعدادی از وزارتخانه‌ها غالباً از طریق سازمانها و شرکتهای وابسته به آنها انجام می‌گرفت و در تعدادی از مؤسسات طبق مجوزهای قانونی درآمدهای اختصاصی برای انجام اموری پیش‌بینی شده بود که آنهم انعکاسی در بودجه مصوب سالیانه دولت نداشت و شنیده می‌شد که وزارت جنگ بر اساس پیش‌بینی بودجه آینده خود و بعضی از سازمانهای دولتی بر اساس پیش‌بینی درآمدهای آتی، خریدهایی از مؤسسات خارجی انجام داده و تعهداتی را قبول کرده‌اند بدون این که این تعهدات که در حقیقت بدهی دولت در آینده خواهد بود در دستگاه دولت و وزارت دارایی انعکاس داشته و مجوزی کسب شده باشد. بر اساس این اطلاع، مکاتباتی با این گونه سازمانها صورت گرفت و از آنها خواسته شد که از میزان تعهدات خود در مقابل مؤسسات خارجی، خزانه‌داری کل را آگاه سازند. پاسخی که از این سازمانها واصل شد تقریباً مشابه هم و معنایش این بود که آنها طبق قوانین و مقررات مربوطه استقلال عمل دارند و الزامی در آگاه ساختن وزارت دارایی و خزانه‌داری کل نداشته و به موقع تعهدات خودشان را انجام خواهند داد. به عبارت دیگر یعنی کار ما به شما ارتباط ندارد و مزاحم نشوید. از آنجایی که در این مرحله فقط از آنها اطلاعات کلی خواسته شده بود که از لحاظ پرداختهای ارزی آینده دولت مورد توجه قرار گیرد و نظری درباره دخالت در کارهای آنها نبود، موضوع پیگیری شد و پس از یکی دو ماه بالاخره موفق شدیم ارقام تعهدات خارجی سازمانهای دولتی را جمع کنیم. وصول این این اطلاعات، حقایق تکان‌دهنده‌ای را آشکار ساخت زیرا نشان می‌داد که میزان تعهدات سازمانهای وابسته به دولت در مقابل مؤسسات خارجی، بیش

آمار حکومتی کشتار آبان‌ماه: ۲۳۰ کشته و ۲ هزار مجروح؛ ذوالنور می‌گوید ۲۲ درصد کشته‌شدگان سابقه کیفری داشتند!



اعتراضات سراسری آبان ۱۳۹۸ پس از گران شدن قیمت بنزین

تن در اعتراضات آبان مدعی است: هیچ مقابله مسلحانه‌ای با مردم نشد!

ذوالنور گفته که براساس بررسی‌های پزشکی قانونی «بعضی از این کشته‌ها در وسط درگیری از فاصله ۷ متری قلب او به هدف گرفته شده یا شقیقه طرف از فاصله ۳ متری هدف گرفته شده است.»

این نماینده مجلس شورای اسلامی ادامه داد: «می‌دانیم فاصله بین نیروهای عمل کننده با معترضین اینقدر نبود و درصد بالایی از کشته‌شدگان با گلوله‌هایی کشته شدند که جزو سلاح‌های سازمانی نیروهای امنیتی و نظامی نیست و مرگ مجهول و مشکوک را شاهد بودیم.»

ذوالنور همچنین گفته است: «شش مأمور رسمی نظامی و امنیتی ما شهید شدند. برای ما شهادت یا جراحت معترضین و مأمورین خوشایند نبود و همه تلاش نیروها و مسئولین کاهش جانباختگان بود و یک کشته هم برای ما تلخ و سنگین بود.»

این در حالیکه که بر اساس اعلام خانواده‌های کشته‌شدگان در اعتراضات آبان‌ماه، حکومت به ناحیه سر و قلب معترضان و با هدف کشتن آنان شلیک کرده است. حتی لیلا وثاقتی فرماندار وقت شهر قدس (قلعه حسن خان) یکشنبه ۱۰ آذرماه در مصاحبه‌ای اعتراف کرد که دستور به شلیک مستقیم به معترضان آبان‌ماه ۹۸ را وی داده است.

ذوالنور همچنین در جلسه امروز پس از ۷ ماه سکوت در قبال آمار کشته‌شدگان، با بیان اینکه «نیروی انتظامی از جان مایه گذاشتند تا کسی آسیب نبیند» گفته است: «آمار مجروحان نیروهای امنیتی و انتظامی بیشتر از ۵ هزار نفر بود و این یعنی نیروی خود را صرف دفاع گذاشته بودند نه تهاجم!»

این نماینده مجلس کنونی شورای اسلامی، ۲۲ درصد کشته‌شدگان اعتراضات آبان‌ماه را دارای سابقه کیفری اعلام کرد و همچنین گفت که ۷ درصد از کشته‌شدگان در اعتراضات در درگیری مسلحانه، ۱۶ درصد هنگام تعارض به اماکن انتظامی، ۲۶ درصد به دلایل نامعلوم و ۳۱ درصد هنگام حمله به اماکن عمومی کشته شدند!

آنگونه که این نماینده دور یازدهم مجلس شورای اسلامی ادعا کرده، در جریان اعتراضات آبان‌ماه ۹۸، «۷۷ درصد در درگیری‌های مستقیم مسلحانه با نیروهای انتظامی»، «۳۱ درصد در حمله به مراکز عمومی مثل فروشگاه‌ها، پمپ‌بنزین‌ها، بانک‌ها و مساجد»، و «۱۶ درصد در حمله به مراکز نظامی و انتظامی در حالیکه مجهز به انواع

کیمیا منتشر کرد:
سقوط بهشت
خاندان پیلوی و روزهای پایانی ایران پادشاهی
اندرو اسکات کوپر ترجمه رضاتی زاده
کتاب سقوط بهشت را تنها از کیمیا لندن می‌توان خریداری کرد
قیمت: ۳۵ پوند + هزینه بسته بندی و پست

ادامه دارد

شورای نگهبان لایحه حذف چهار صفر از پول ملی را به مجلس شورای اسلامی بازگرداند



● به گفته سخنگوی شورای نگهبان علت رد این لایحه و ارجاع آن به مجلس شورای اسلامی ابهام در «تعهدات کشور در مقابل صندوق بین‌المللی پول» است.

● ۹ نفر از نمایندگان مجلس یازدهم که همگی «دانش‌آموخته اقتصاد» هستند، اواخر اردیبهشت‌ماه در نامه‌ای به شورای نگهبان خواستار بازگرداندن این لایحه به مجلس شدند.

● حالا شورای نگهبان همانگونه که پیش‌بینی می‌شد این لایحه را به مجلس شورای اسلامی بازگردانده تا نمایندگان تازه تکیه زده بر کرسی‌های مجلس درباره آن تصمیم بگیرند.

۱۵ اردیبهشت ۱۳۹۹ نمایندگان کلیات و جزئیات لایحه اصلاح پول ملی را بررسی و حذف چهار صفر از پول ملی و تغییر واحد پول ملی ایران از «ریال» به «تومان» را تصویب کردند.

بر اساس این لایحه با حذف چهار صفر از پول ملی، «ریال» به «تومان» تغییر می‌کند و بر اساس لایحه اصلاح ماده یک قانون پولی و بانکی کشور هر تومان معادل ۱۰,۰۰۰ ریال و اضعاف آن «قران» خواهد بود و هر تومان معادل ۱۰۰ قران می‌شود.

این لایحه پس از تصویب در مجلس شورای اسلامی، برای تأیید به شورای نگهبان رفت. شورای نگهبان در موعده مقرر به این مصوبه مجلس نظر نداد و هفته گذشته اعلام شد زمان بیشتری

برای بررسی این لایحه در شورای نگهبان نیاز است بطوری که خواه ناخواه به پایان کار دوره قبلی مجلس شورای اسلامی می‌رسد.

حالا این لایحه در حالی رد و برای اصلاح به مجلس شورای اسلامی بازگردانده شده که نمایندگان مجلس یازدهم که بسیاری از آنها مخالف تصمیمات و عملکرد دولت روحانی هستند و از رقبای او به شمار می‌روند باید درباره آن تصمیم‌گیری کنند.

۹ نفر از نمایندگان مجلس یازدهم که همگی «دانش‌آموخته اقتصاد» هستند، اواخر اردیبهشت‌ماه در نامه‌ای به شورای نگهبان خواستار بازگرداندن این لایحه به مجلس شدند. نویسندگان این نامه تأکید کرده بودند که تعداد صفرها شاخص درستی برای تشخیص قدرت پول ملی و اقتصاد ملی نیست و اعاده حیثیت از پول ملی با قدرت خرید آن تنها با اتخاذ مجموعه سیاست‌هایی حول کسری بودجه و بهای ارز صورت می‌گیرد.

در آخرین روزهای کاری دوره دهم مجلس شورای اسلامی در روز دوشنبه

دهن جامعه را از اصلاحات واقعی به سوی منازعات کم‌فایده بکشاند.» در این نامه همچنین هشدار داده شده بود که حذف چهار صفر از پول ملی، علاوه بر تحمیل هزینه‌های بزرگ به نظام مالی و اطلاعات و آمار کشور، موجب افزایش قیمت کالاهای اساسی و بروز «مناقشات ریز و درشت اجتماعی» می‌شود.

امضاکنندگان نامه با اشاره به عملکرد بانک مرکزی آورده بودند که «در حالی که هزینه تولید سکه از ارزش مبادلاتی آن بیشتر است و این مسئله به اعتراف خود بانک مرکزی موجب شده تا تولید سکه به صرفه نباشد... باید پرسید چرا این بار خود بانک مرکزی مدافع افزایش ضرب سکه شده است؟!»

احسان خاندوزی یکی از امضاکنندگان این نامه در گفتگو با ایسنا گفته بود: «ما معتقدیم حذف چهار صفر به لحاظ اقتصادی مشکلی را حل نمی‌کند زیرا تغییر واحد پول ملی در مرحله آخر اصلاح اقتصادی انجام می‌گیرد یعنی در سلسله مراتب اصلاح اقتصادی ابتدا باید اقدامات دیگری انجام شود تا زمینه‌های تورم کاهش یابد و سپس نوبت به تغییر واحد پول ملی می‌رسد. کشورهای

که چنین تجربه‌های داشتند، ابتدا تصمیمات جدی و تحول‌گرایانه‌ای در سیاست‌های تأمین کسری بودجه، سیاست پولی بانک مرکزی و سیاست ارزی گرفتند و سپس واحد پول ملی خود را تغییر دادند.»

خاندوزی افزوده بود: «حذف صفر از پول ملی به تنهایی هیچ تأثیری بر روی بهبود شاخص‌های اقتصادی از جمله بهبود رونق، افزایش تولید و اشتغال یا کاهش تورم ندارد و در شرایطی که زمینه برای کاهش تورم وجود ندارد، اجرا کردن این بند به تنهایی کارساز نیست و این اقدامات فقط اصلاحات

نمایشی و غیرضروری است.» حالا شورای نگهبان همانگونه که پیش‌بینی می‌شد این لایحه را به مجلس شورای اسلامی بازگردانده تا نمایندگان تازه تکیه زده بر کرسی‌های مجلس درباره آن تصمیم بگیرند.

در آخرین روزهای کاری دوره دهم مجلس شورای اسلامی در روز دوشنبه

برایان هوک: آمریکا برای تمدید تحریم‌های تسلیحاتی رژیم ایران از «مکانیسم ماشه» استفاده خواهد کرد



نیروگاه اتمی بوشهر

دنبال خرید موشک‌های زمین به هوا، هواپیماهای جنگنده پیشرفته، انواع تانک و مین‌های پیشرفته و موشک‌های کروز ضدکشتی خواهد رفت.

پیش از این مایک پمپئو وزیر خارجه آمریکا در چند سخنرانی تأکید کرد تحت هر شرایطی تحریم‌های تسلیحاتی جمهوری اسلامی تمدید خواهد شد.

محمدجواد ظریف استفاده آمریکا از «مکانیسم ماشه» برای تمدید تحریم‌های تسلیحاتی علیه جمهوری اسلامی را «ادعاهای ابلهانه» آمریکا خوانده و گفته بود برجام دیگر به آمریکایی‌ها ربطی ندارد.

در ایران ادعا می‌شود در صورت تمدید تحریم‌های تسلیحاتی جمهوری اسلامی از NPT خارج خواهد شد. این ادعا پیش از این نیز قبل از خروج آمریکا از برجام مطرح می‌شد اما تهران ظرفیت عملی کردن آن را نداشت. در عوض تهدیدات موشکی خود را افزایش داد و بر حمایت‌های مالی و تسلیحاتی از شبه‌نظامیان شیعه در منطقه افزود.

ولی در مقابل آمریکا نیز تحریم‌ها را در چارچوب «کارزار فشار حداکثری» به شدت افزایش داد.

تحریم‌های آمریکا بر فعالیت‌های سپاه قدس و نیروهای شبه نظامی وابسته به رژیم ایران تأثیر فاحش گذاشت. قرار گرفتن حزب‌الله در فهرست سازمان‌های تروریستی آلمان و ممنوعیت فعالیت آن در خاک این کشور از نتایج این فشارها بوده است.

این گروه شبه‌نظامی وابسته به جمهوری اسلامی اکنون به شدت با بحران مالی روبروست. پایگاه خبری المانیتر ۲۹ مه در گزارشی نوشت رهبران حزب‌الله به صندوق بین‌المللی پول پیام فرستاده‌اند که هر شرطی را

● جرمی هانت: از صمیم قلب موافقم که باید تحریم تسلیحاتی را گسترش دهیم. هیچکس نمی‌تواند اجازه دهد که ایران بتواند اسلحه خرید و فروش کند.

● رهبران حزب‌الله به صندوق بین‌المللی پول پیام فرستاده‌اند که هر شرطی را برای دریافت وام از این صندوق قبول می‌کنند. معاون حسن نصرالله پیش از این گفته بود «صندوق بین‌المللی پول ابزار دست استکبار جهانی است و ما نمی‌پذیریم که با ابزارهای استکباری تحت درمان قرار بگیریم»

● اینکه برایان هوک بار دیگر بر استفاده از مکانیسم ماشه تأکید کرده به این معنی است که واشنگتن احتمالاً توانسته اروپایی‌ها را بیش از پیش با سیاست خود همسو کند.

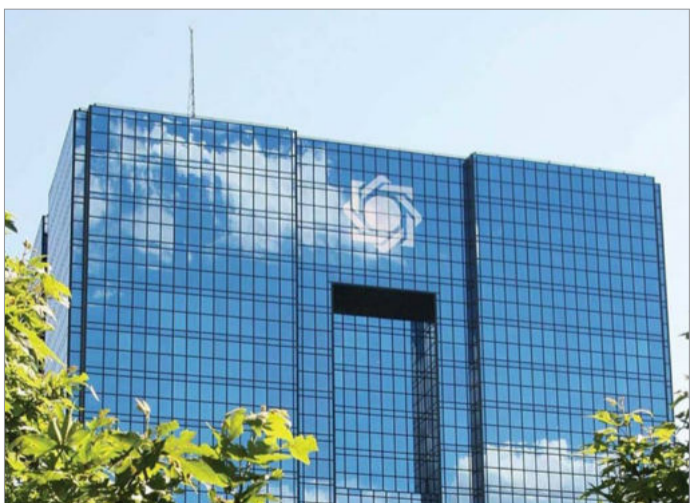
مسئول امور ایران در وزارت خارجه آمریکا گفته در صورت عدم تصویب پیش‌نویس قطعنامه تمدید تحریم‌های تسلیحاتی رژیم ایران در سازمان ملل، «مکانیسم ماشه» برای تمدید تحریم‌ها بطور کامل به اجرا در خواهد آمد.

به گزارش پایگاه خبری «تشنال» برایان هوک پنجشنبه ۴ ژوئیه (۱۵ خرداد) خواستار حمایت جهانی از تلاش‌های آمریکا برای تمدید تحریم‌های تسلیحاتی علیه رژیم ایران شد که بر اساس توافق اتمی در ماه اکتبر ۲۰۲۰ (مهرماه ۱۳۹۹) خاتمه پیدا می‌کند.

جرمی هانت نیز که در کنفرانس ویدئویی انجمن «هنری جکسون» شرکت کرده بود گفت «من از صمیم قلب موافقم که باید تحریم تسلیحاتی را گسترش دهیم. هیچکس نمی‌تواند اجازه دهد که ایران بتواند اسلحه خرید و فروش کند.»

بر اساس تحلیلی که توسط اندیشکده IIS در سال ۲۰۱۷ انجام شد جمهوری اسلامی ایران بعد از برداشته شدن محدودیت‌های تسلیحاتی به

رئیس کل بانک مرکزی: عده‌ای با ارزش‌های ارزان اقساط خود را در کشورهای دیگر پرداخت کردند



نفتی‌مان به ۲۰ میلیارد دلار کاهش پیدا کرد و واردات کالا نیز به ۴۲ میلیارد دلار رسید.

رئیس بانک مرکزی رژیم اسلامی علت رشد نقدینگی را برداشت دولت از منابع بانک مرکزی برای رفع کسری بودجه دانست و افزود: باید رابطه دخل و خرج دولت را با بانک مرکزی اصلاح کنیم تا دولت دیگر مرتب دست در جیب بانک مرکزی نکند و اگر چنین شود و بتوانیم عدم تراز و دخل و خرج بانک‌ها را اصلاح کنیم، قطعاً می‌توان بر نقدینگی و تورم فائق آمد.

رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی روز سه‌شنبه این هفته ضمن انتقاد از نظام اجرایی رژیم در کنترل نرخ ارز گفت: بر اساس این نظام، برای حفظ نرخ ارز، به بازار ارز تزریق می‌کردیم. بطوری که فقط در پانزده سال گذشته و در دوره ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد و حسن روحانی، ۲۸۰ میلیارد دلار بطور متوسط سالی ۱۸ میلیارد دلار ارز به بازار تزریق کردیم تا نرخ ارز و به تبع آن نرخ تورم را کنترل کنیم. اما کلیه این ارزها به صورت خروج سرمایه از کشور بیرون رفته است و تمام امکاناتی که از کشور خارج شده به دلیل ارزش‌های ارزان و رانت بوده است.

عبدالناصر همتی ادامه داد: کسانی که از این رانت بزرگ بهره‌مند بودند، ضمن استفاده از سود بانکی بالای بیست و پنج درصد در داخل کشور، با ارز ۴۲۰۰ تومان، ۳۵۰۰ تومان حتی ارقام کمتر اقساط وام‌های خود را در کانادا و کشورهای دیگر پرداخته‌اند و باید گفت که ما در عمل به اشخاصی که در خارج از ایران خانه می‌خریدند، یارانه می‌دادیم. اما از سال ۱۳۹۷ این روش را تغییر دادیم.

«دادخواهی» بی‌شرمانه از حمام خون



یک مأمور پلیس کشته شده است. مردم ایران چهل و یک سال است که زیر حکومت نعلین ملایان و چکمه پاسداران نمی‌توانند نفس بکشند!

انسانی خود نخواسته و نمی‌خواهند، در سخنانی بی‌شرمانه به دفاع از جرح فلوید شهروند سیاهپوستی پرداخته که در مینیاپولیس آمریکا به دست

علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی در حالی که دستان خود و مقامات گوش به فرمان وی به خون هزاران ایرانی آغشته است که چیزی جز حقوق

کیهان لندن / کارتون‌های بهنام محمدی

زنان شاخص

لی لی لازاریان



لی لی لازاریان، رقصنده باله و طراح رقص در ایران بود. لی لی لازاریان در یک خانواده ارمنی در تهران به دنیا آمد و در «مدرسه داودیان» تهران به تحصیل پرداخت سپس برای ادامه تحصیل راهی ایتالیا گشت و در «کالج موسیقی و هنر رم» به فراگیری موسیقی علمی و آموزش آواز پرداخت. در همان زمان در چند اپرا از جمله «آیدا و توسکا» و آثاری از مانوسکو و شوپرت شرکت داشت. پس از بازگشت به ایران از آنجایی که با حرکات موزون آشنایی داشت و با توجه به اینکه رقص‌های فلکور به صورت علمی و عملی آموزش داده نمی‌شد خود بانی تأسیس چنین هنرستانی شد و برای آموزش و مطالعه بیشتر راهی کشورهای مختلف اروپا گشت. لی لی لازاریان به مدت ۵۴ سال به فعالیت هنری در داخل و خارج از ایران پرداخت که قبل از تشکیل وزارت فرهنگ و هنر مجوز آن را به نام «هنرستان آزاد لی لی لازاریان» از وزارت کشور گرفته بود. وی همچنین آموزشگاه

دیگری نیز برای خردسالان ۵الی ۱۱ سال داشت که در آنجا کلاس‌های تئاتر و موسیقی و باله برگزار می‌شد. از آثاری که توسط خانم لازاریان در داخل یا خارج از ایران اجرا شده می‌توان از «قلب مادر» اثر ایرج میرزا، «پتیم» اثر پروین اعتصامی و باله «تخت جمشید» با اجرای ارکستر سمفونیک نام برد. آثاری همچون «وسوسه شیطان» نیز در تلویزیون اجرا شد که طراحی لباس و موسیقی آن را نیز خانم لازاریان برعهده گرفت.



زن روز



فروغ فرخزاد

.... بارالها حاصل این خود پرستی چیست؟
«ما که خود افتادگان زار مسکینیم»
ما که جز نقش تو در هر کار و هر پندار
نقش دستی، نقش جادویی نمی بینیم
ساختی دنیای خاکی را و میدانی
پای تا سر جز سرایی، جز فریبی نیست
ما عروسکها، و دستان تو در بازی
کفر ما، عصیان ما، چیز غریبی نیست
شکر گفتمی گفتنت، شکر ترا گفتیم
لیک دیگر تا به کی شکر ترا گوئیم؟
راه می بندی و می خندی به ره پویان
در کجا هستی، کجا، تا در تو ره جوئیم؟
ما که چون مومی به دستت شکل میگیریم
پس دگر افسانه روز قیامت چیست؟....



معجزه سرکه بالزامیک در کاهش وزن و لاغری

سرکه بالزامیک، سرکه ای قهوه ای رنگ است که از آب انگور تخمیر نشده بدست میاید و با طعم ترش و منحصر به فرد خود شناخته می شود. سرکه بالزامیک واقعی را ماه ها و سال ها در بشکه های بزرگ چوبی نگهداری می کنند و می توانند حتی با قیمت گرانی نیز فروخته شود. این سرکه به عنوان چاشنی محسوب می شود که در سرو سالاد و میوه ها مورد استفاده قرار می گیرد و علاوه بر این در کردن گوشت های بدون چربی، مرغ و ماهی نیز تاثیر مثبتی دارد و مردم از این افزودنی کم چرب در یک رژیم سالم از لحاظ قلبی استفاده خواهند کرد. اساس مطالعه ای که در سال ۲۰۰۹ منتشر شد، مصرف سرکه می تواند به کاهش وزن، چربی سوزی و تری گلیسرید در مردان کمک کند. افرادی که در این مطالعه کاهش وزن داشتند ۱۵-۳۰ هزارم لیتر برابر ۲-۱ قاشق غذاخوری سرکه حاوی ۱۴-۲۸ کالری را بصورت روزانه و به مدت ۱۲ هفته مصرف کرده بودند و همچنین این افراد در مقایسه با افرادی که سرکه مصرف نکرده بودند چربی دور شکمی کم تری نیز داشتند. به طور کلی خانواده سرکه ها با ویژگی های ضد چاقی شناخته می شوند و سرکه بالزامیک نیز از این قاعده مستثنی نیست. سرکه بالزامیک حاوی ترکیبات پروبیوتیک می باشد که باعث می شود در طولانی مدت احساس سیری داشته باشید. برخلاف سایر طعم دهنده ها مانند کره و سس مایونز، سرکه بالزامیک فاقد چربی بوده و معجزه ای در کاهش وزن محسوب می شود.

ورزشی را انجام دهید تا کالری خود

را متعادل کنید. یک روز دوچرخه سواری و یک روز پیاده روی را در نظر بگیرید تا با این ورزش ها مقدار کالری سوزانده شده را محاسبه کنید.

۹. با فکر غذا بخورید

برخی از افراد زمان بیکاری، استرس یا خستگی روی به خوردن خوراکی های مختلف می آورند. این سبک غذایی سبب می شود فرد دچار اضافه وزن و چاقی شود. برای جلوگیری از اضافه وزن این تفکرات را کنار بگذارید و درست و سالم



غذا بخورید و در مواقعی که گرسنه نیستید از پرخوری پرهیز کنید. زمانی که دچار استرس یا نگرانی های روحی می شوید و به مصرف خوراکی روی می آورید، خودتان را با کاری دیگر سرگرم کنید یا میوه یا سبزیجات میل کنید.

۱۰. پرخوری های شبانه را ترک کنید

برای اینکه دچار اضافه وزن نشوید، از مصرف خوراکی های پرکالری در آخر شب پرهیز نمایید و هیچ گاه زمان دیدن تلویزیون خوراکی، غذا یا اسنک های شور و چرب استفاده نکنید. همچنین شامتان را دیر وقت نخورید و یک غذای سبک میل کنید.

۱۱. نان سیوس دار استفاده کنید

استفاده از نان سیوس دارسبب می شود که دیرتر احساس گرسنگی نمایید پس برای جلوگیری از چاق شدن به جای نان سفید از نان سیوس دار استفاده کنید.

کارهای خطرناک خانه داری برای زنان باردار

شما و جنینتان به خطر نیافتد. برای داشتن آسایش بیشتر درانجام امور خانه برخی از نکات زیر را رعایت کنید

از همسر خود بخواهید برای حفظ سلامت کودکتان در دوران بارداری در انجام کارهای خانه مشارکت کند تا برای شما خطرناک باشد.

سبب آسیب رسیدن به شما و جنینتان می شود پس بهتر است در این دوران از این شوینده های قوی مانند جرم گیرها یا لوله بازکن ها استفاده نکنید و استفاده از آنها را به همسرتان بسپارید و به او بگویید که هنگام خرید همراه شما بیاید تا کیسه های خرید را حمل کند.

نظافت سرویس های بهداشتی، کف زمین و اجاق گاز را که به استفاده از مواد شویندهی خطرناک نیاز دارند را اجازه دهید همسرتان انجام دهد. **کمک به همسر در دوران بارداری** به کودک دیگرتان آموزش بدهید تا کارهایی مانند دستشویی رفتن و

خطر بیاندارد. در دوره بارداری وزن بدن افزایش می یابد و مرکز ثقل بدن در این دوران تغییر می کند بنابراین حفظ تعادل برای شما سخت می شود پس بهتر است از کارهایی که به حفظ تعادل نیاز دارند دوری کنید.

مواد شوینده خانگی:

استفاده از برخی شوینده ها در بارداری سبب آسیب رسیدن به شما و جنینتان می شود پس بهتر است در این دوران از این شوینده های قوی مانند جرم گیرها یا لوله بازکن ها استفاده نکنید و استفاده از آنها را به همسرتان بسپارید. برای شست وشو و نظافت خانه مقدار کمی از سفید کننده ها و سایر مواد شوینده، استفاده کنید و هنگام استفاده از آنها ماسک بزنید و دستکش بپوشید و برای جریان هوای کافی پنجره ها را باز کنید.

ایستادن طولانی مدت:

از انجام بعضی کارهای خانه که نیاز به ایستادن طولانی مدت روی پاها دارند



مانند آماده کردن غذا یا شستن ظرف ها در دوران بارداری بپرهیزید و در این دوران سعی کنید غذاهایی که نیاز به ایستادن طولانی مدت کنار اجاق گاز ندارد، بپزید و از یک صندلی برای شستن ظرف ها یا انجام سایر کارهای آشپزخانه استفاده کنید و هنگام کار کردن روی آن بنشینید.

جارو کردن و نظافت زمین:

جارو کردن یا شستن زمین ممکن است فشار زیادی به کمر شما وارد کند و کمر شما در طول شب شدید تر گردد و در خواب شما مشکل و اختلال ایجاد گردد. پس تا حد امکان انجام جارو کردن یا شستن زمین کم کنید و برای نظافت از وسیله هایی که دسته آن مناسب قد شماست، استفاده کنید تا هنگام کار کردن، کمر شما را خم نکنید.

نکاتی برای راحتی بیشتر در انجام امور خانه

برخی از زنان در دوران بارداری نمیتوانند کارهای خانه را انجام دهند. برای کاهش خطر و مشکلات ناشی از کارهای خانه در دوران بارداری لازم است نکاتی را رعایت نمایید تا سلامت

در دوران بارداری برای حفظ سلامت خود و کودکتان کارهای خانه را بداندید. در دوران بارداری به علت مشکلاتی که ممکن است برای شما پیش آید و اضافه وزنتان، انجام کارهای خانه برای شما سخت باشد اما بسیری از زنان مثل قبل کارهای خانه را انجام می دهند و به این موضوع اهمیت نمی دهند. انجام برخی کارهای خانه در بارداری ممکن است برای شما و جنینتان خطرناک باشد و تهدیدی برای سلامتی شما محسوب شود. کارهایی که انجام آن در دوران بارداری تهدید کننده است:

بلند کردن یا کشیدن اجسام سنگین: در دوران بارداری شما با رشد کودک و افزایش وزن خود، روی کمرتان فشار زیادی وارد می شود پس نباید اجسام و وسایل سنگین را بکشید و بلند کنید. در بارداری برای بلند کردن یا کشیدن اجسام سنگین وزن و اندازه مشخصی وجود ندارد.

این موارد می توانند فشار زیادی به کمر شما وارد کنند و به شما آسیب جدی بزنند بلند کردن نوزاد خردسال، بلند کردن کیسه بزرگ، جابه جا کردن مبلمان یا حمل خرید های روزمره. بلند کردن یا کشیدن اجسام سنگین در دوران بارداری سبب زایمان زودرس، خونریزی یا پاره شدن کیسه آب می شود.

کارهای ممنوعه در خانه داری زنان باردار

کار روی نردبان یا چهارپایه: در دوران بارداری روی چهارپایه برای برداشتن ظروف و یا در آوردن پرده نروید زیرا این کار بسیار خطرناک است و ممکن است سلامتیتان را به

ایده هایی در مورد کاهش وزن

۶. از مواد غذایی ناسالم دوری کنید:

برای پیشگیری از وسوسه شدن برای تنقلات ناسالمی چون کوی، شکلات، بیسکویت ترد و نوشیدنی های شیرین تنقلات سالمی را چون میوه، کیک برنج بدون نمک، کیک جودوسر، پاپ کورن بی نمک و آمیوه های طبیعی را در منزل نگهداری کنید.

۷. برای وعده های غذایی خود برنامه ریزی کنید:

سعی کنید برای وعده های صبحانه، ناهار و شام خود طی هفته برنامه ریزی کنید تا از میزان کالری آن ها مطمئن شوید.

۱. از صبحانه غافل نشوید:

غافل شدن از صبحانه به کاهش وزن کمک نمی کند. در صورت غافل شدن از آن در حقیقت مواد مغذی را از دست خواهید داد و در طول روز احساس گرسنگی خواهید کرد.

۲. وعده های غذایی را منظم مصرف کنید:

صرف غذا در اوقات منظم باعث سوزاندن کالری با سرعت بیشتری می شود و همچنین وسوسه مصرف تنقلات و غذاهای پرچربی و قندی را کاهش می دهد.

۳. مقدار زیادی میوه و سبزیجات بخورید:

میوه ها و سبزیجات حاوی میزان کمی کالری و چربی هستند و از لحاظ فیبر غنی می باشند. آن ها همچنین حاوی ویتامین ها و مواد معدنی زیادی هستند.

۴. مقدار زیادی آب بنوشید:

گاهی اوقات مردم عطرش را با گرسنگی اشتباه می گیرند. در واقع فقط نوشیدن یک لیوان آب این مشکل را برطرف خواهد کرد.

۵. غذا ها را محدود نکنید:



مردان شاخص



آلفرد لازاریان (۱۳۵۵ - ۱۳۰۷)

آلفرد لازاریان، اولین خواننده جاز فارسی، موسیقیدان، خواننده (سبک جاز) و مربی رقص مرد ارمنی بود. آلفرد لازاریان در یک خانواده ارمنی در تهران به دنیا آمد و در تهران به تحصیل پرداخت سپس به همراه خواهر خویش (لی لی لازاریان) جهت تحصیل راهی ایتالیا گشت و در «کالج موسیقی و هنر رم» به فراگیری موسیقی علمی و آموزش رقص‌های باله، سالسا و رقص والتینو پرداخت.

به همراه ویگن خواننده معروف به ایران شناساندند.

در بسیاری از فیلم‌های قدیمی وی مربی رقص و کارگردان رقص بوده‌است. هنرپیشه‌هایی همچون گوگوش، فروزان، نادیا در بسیاری از فیلم‌ها توسط او تحت مربیگری رقص بوده‌اند.

یکی از کارهای رقص تحت آموزش او در فیلم شب‌نشینی در جهنم بود که در آن زمان به نوع خودش کار نوین و جدیدی به حساب می‌آمد.



بیماری های خطرناکی که با نفخ اشتباه گرفته می شوند

زمانی که علت نفخ شکم باد معده نیست و علامت بیماری است. ۱۰٪ تا ۳۰٪ از مردم از نفخ رنج می برند. سوهاضمه، قاعدگی، یبوست و آلرژی های غذایی شایع ترین دلایل نفخ هستند. با اینکه نفخ موقتی است، اگر مزمن شود، می تواند نشانه مشکلی جدی و خطرناک باشد. در این قسمت ۶ مشکل نگران کننده که ممکن است باعث احساس نفخ شود آورده شده است. اگر نفخ مزمن شود، شخص به هیچ وجه نباید به خودی خود درمانی را شروع کند و حتما باید به پزشک مراجعه کند. ۶ نوع بیماری خطرناک که با نفخ اشتباه گرفته می شوند:

۱. عفونت مجاری ادراری: عفونت مجاری ادراری ممکن است در فرد احساس درد و فشار شدید در شکم و یا نفخ را ایجاد کند و همچنین ممکن است فرد دچار تب، لرز، حالت تهوع و استفراغ شود. ۲. احتمال ایجاد نفخ یا مشکل گهگاهی: بیماری کبد که در اثر مصرف الکل، هپاتیت سی و یا سرطان ایجاد می شود، می تواند منجر به ایجاد مایعاتی در شکم و باعث نفخ شود. ۳. بیماری التهابی روده می تواند باعث نفخ شود. ۴. احتمال نفخ شکم یا التهاب کیسه های کوچک

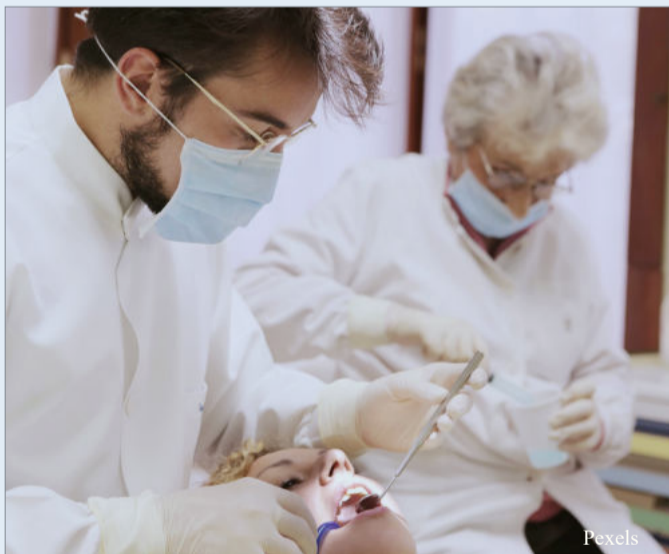
۵. احتمال ایجاد نفخ یا سرطان: مشکل در سلامت روان: هنگامی که فرد تحت استرس مزمن است، هورمون هایی مانند کورتیزول می توانند اولویت داشته باشند. در این شرایط، هورمون های هضم کننده به اندازه کافی تولید نمی شوند

فلوئور استفاده و می توانند منجر به سوهاضمه شوند تنفس صحیح می کنید، مصرف این و نفخ ایجاد کنند. میتوانست از نظر راحتی و

عملکرد کلی شما در هنگام دویدن تفاوت ایجاد کند. در حالی که بدن کودکان (بیش از ۱۰۵ میلی گرم در روز برای کودکان و ۰۱ میلی گرم بر کیلوگرم در نوزادان) به مینای دندان آسیب می رساند سبب ایجاد لک های سفید و متخلخل روی دندان می شود که به این حالت فلوئوروز می گویند. فلوئوروز بازگشت ناپذیر است و به دندان های در حال شکل گیری کودکان آسیب می رساند.

بیوفسفات ها

بیوفسفات ها که برای درمان پوکی



مکمل آهن

مصرف مکمل آهن به دلیل فقر آهن و کم خونی باعث سیاه شدن دندان می شود. با قطع مصرف دارو، سیاهی دندان از بین می رود. برای جلوگیری از تغییر رنگ دندان، برای مصرف مکمل آهن از قطره چکان استفاده کنید و بعد از مصرف آب بنوشید. اگر دندانتان سیاه شده، مصرف مکمل آهن را سرخودانه قطع نکنید و به دستور پزشک معالج عمل کنید.

دهانشویه

استفاده از برخی از دهانشویه ها حاوی کلرهگزیدین سبب قهوه ای شدن رنگ دندان ها یا پروتوزهای دندانی می شود. تغییر رنگ دندان ها معمولا بعد از گذشت ۱۵ روز از استفاده ظاهر می شود، پس بیش از ۱۰ روز از آنها استفاده نکنید و در صورت تغییر رنگ دندان از دهانشویه استفاده نکنید.

فلوئور

اگر برای محافظت از دندان های

قانون و قاعده ی تنفس صحیح هنگام دویدن

این الگوها به عنوان جفت شدگی حرکت حرکتی - تنفس یا LRC یاد می کنند.

جفت شدگی حرکت حرکتی - تنفس، که به آن LRC نیز گفته می شود، عمل جفت کردن نفس با پاهایتان است. همه پستانداران - از جمله انسان - به نوعی LRC عمل می کنند، اگرچه انسانها با طیف

الگوهای ممکن بیشترین انعطاف پذیری را نشان می دهند.

ریتیم تنفسی ترجیح داده شده:

در حالی که حیوانات چهار پا اغلب با یک نسبت ۱:۱ LRC (یک نفس در ثانیه) تنفس می کنند اما انسان ها ممکن است از انواع مختلفی از الگوهای تنفسی استفاده کنند و حتی انعطاف پذیری لازم برای استفاده از هیچ LRC را نیز داشته باشند. با این حال مطالعات نشان می دهند که نسبت جفت شدگی ۲:۱ مطلوب است. این یعنی برای

محققان تاثیرات تنفس دهان در مقابل تنفس بینی در طول ورزش های هوازی با شدت بالا را مطالعه کرده اند. در یک مطالعه کوچک، محققان نتایج عملکرد و میزان ضربان قلب را هنگامی که موضوعات تست باید فقط تنفس بینی یا دهان انجام دهند را مورد بررسی قرار دادند.

تنفس عمیق شکمی:

تنفس دیافراگمی - که گاهی تنفس شکمی نیز نامیده می شود - می تواند به تقویت ماهیچه های تنفسی شما کمک کند و تبادل کامل اکسیژن را افزایش دهد. این به نوبه خود، فرآیند تنفس را موثرتر می سازد و به بدن شما اجازه می دهد تا از اکسیژن بیشتری استفاده کند و همچنین تنفس عمیق شکمی به شما این امکان را می دهد که هوای بیشتری داشته باشید.

فواید تنفس عمیق شکمی

وقتی بدن شما استراحت می کند،



هر دو گام، یک نفس.

ریتیم متناوب تنفس:

یک مقاله تحقیقاتی که در سال ۲۰۱۳ منتشر شد، خاطر نشان می کند که دوندگان به طور طبیعی نفس خود را با پاهای خود در الگوی مساوی قدم گذاشتن هماهنگ می کنند که منجر به بازدم همیشگی در یک قدم می شود.

برخی از تئوری های پیشرو در این مقاله باعث شده است که متخصصان دو مانند بود کوتس، نویسنده کتاب «دویدن بر روی هوا»، الگوهای تنفسی را پیشنهاد دهند که متناوب است، به عنوان مثال برداشتن سه قدم برای هر دم و دو قدم برای هر بازدم.

ریتیم طبیعی تنفس:

اگر ایده تلاش برای هماهنگ کردن تنفس با قدم ها برایتان دشوار به نظر می رسد، نگران نباشید. تحقیقات همچنین نشان داده اند که تفکر بیش از حد در مورد دو و تنفس می تواند منجر به کاهش کارایی در مکانیک دو شود.

اصول تنفس صحیح هنگام دویدن

تنفس بینی در برابر تنفس دهانی:

بعضی از دوندگان شنیده اند که تنها از طریق بینی باید تنفس کنند و تنها از طریق دهان هوا را خارج کنند. این الگوی تنفس در یوگا و برخی از هنرهای رزمی ترویج داده می شود و با این حال، همیشه موثرترین روش برای فعالیت هوازی با شدت بالا مثل دویدن نیست.

بسیاری از دوندگان متوجه می شوند که تنفس کامل تنها از یک طریق دهان و یا بینی هنگام دویدن راحت تر است. ماهیچه های شما به اکسیژن نیاز دارند تا حرکت کنند و بینی به تنهایی نمی تواند کافی باشد و در واقع ممکن است متوجه تغییراتی شوید که با سرعت شما افزایش می یابد.

تنفس با سرعت پایدار:

زمانی که با سرعتی پایدار می دوید، احتمالاً اکسیژن کافی از طریق بینی خود به دست می آورید و به شما این امکان را می دهد که بدون توقف برای نفس کشیدن از طریق دهان، یک روند ثابت را ادامه دهید. با این حال، با افزایش سرعت و شدت آن، بدن تان به اکسیژن بیشتری نیاز پیدا می کند و شما در این مواقع به تنفس دهانی نیاز دارید، در حالی که بینی شما می تواند هوای ورودی را گرم کرده و فیلتر کند، تنها تنفس از بینی نمی تواند به تنهایی کافی باشد

و این زمانی است که دهان باز می شود تا به بیرون دادن هوا کمک کند. **تنفسی در طول اسپرینت ها (دو سرعت):** در حین دویدن با سرعت ممکن است متوجه شوید که به طور طبیعی با دهان تنفس انجام می دهید.

مثل این است که دم و بازدم را کامل با دهان انجام می دهید و این ممکن است باعث شود شما شگفت زده شوید که آیا تنفس دهانی برای این دو با سرعت بالا کار اشتباهی است یا خیر.

۵۰ درصد مردم دنیا یک یا چند

مورد از این دارو ها را در طول یک ماه استفاده می کنند. داروهای مخصوص آسم، محرک های درمان کننده اختلال کمبود توجه و داروهای ضد افسردگی جزء رایج ترین آن ها هستند. داروها در موارد ندری تاثیر مستقیم روی پوسیدگی دندان دارند. همه داروهایی که در بالا

گفتیم، ممکن است عوارض جانبی مانند خشک کردن دهان را ایجاد کند. خشکی دهان می تواند باعث نرم داخل دهان شما را درگیر کند که عاملی برای التهاب و افزایش خطر ابتلا به عفونت می باشد. در این قسمت رایج ترین داروهایی را نام می بریم که می تواند عاملی برای خشکی دهان و پوسیدگی دندان باشد و سپس به شما خواهیم گفت که چه اقداماتی می توانید در این مورد انجام دهید.

داروهای ضد اسید

اسید و رفلاکس معده می تواند عاملی برای پوسیدگی دندان باشد. درمان این وضعیت ها با آنتی اسید ها ممکن است برای بهداشت دهان شما مضر باشد از آن جایی که ضد اسید ها احتمال آسیب دیدگی به دندان بر اثر اسید داخل دهان را کاهش می دهند اما می توانند باعث ضعف شدن دندان و پوسیدگی آن شوند.

داروهای مسکن

بیمارانی که درد مزمن را تجربه می کنند، اغلب از بیماری های دندانی و پوسیدگی دندان به دلیل خشکی دهان رنج می برند زیرا عوارض جانبی داروهای مسکن و اوپیوئیدها می توانند عاملی برای خشکی دهان و پوسیدگی دندان باشد.

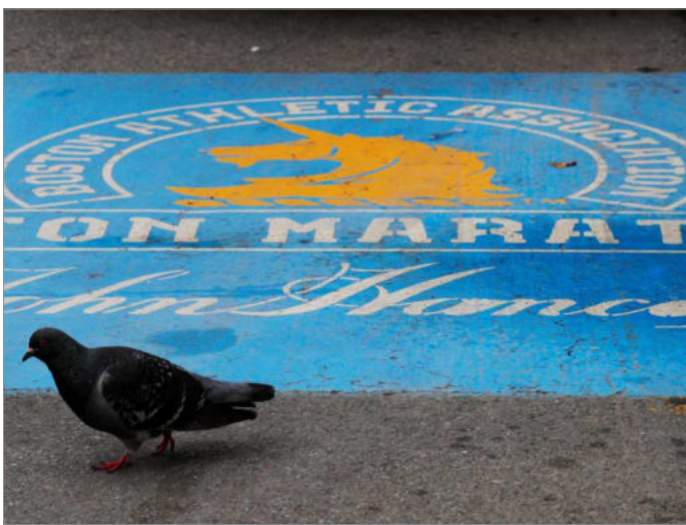
آنتی هیستامین ها و داروهای ضد سرفه

آنتی هیستامین دریافت کننده های هیستامین را برای جلوگیری از واکنش های آلرژیک مسدود می کند. اگرچه که اثرات جانبی یکسانی در نواحی دیگر بدن اتفاق می افتد که شامل دهان و دندان می شود. آنتی هیستامین ها آزادسازی بزاق برای مسدود می کنند که عاملی برای خشکی دهان است. داروهای ضدسرفه یکی دیگری از درمان های رایج برای آلرژی ها و سرماخوردگی ها می باشند.

داروی فشار خون

بتا بلاکرها و بلاکر های کانال کلسیم، داروهای ادرار آور، داروهای قلب و آنژیوتنسین ها باعث مسدود سازی آنزیم ها می گردند. در نتیجه برای درمان فشار خون بالا تجویز می شوند. این داروها همگی عوارض جانبی مثل خشکی دهان دارند و احتمال پوسیدگی دندان را بالا می برند.

مهم‌ترین ماراتن جهان به خاطر کرونا برگزار نمی‌شود



خط پایان ماراتن بوستون که باید در آوریل برگزار می‌شد و حالا در سپتامبر هم برگزار نمی‌شود

این کار را انجام داده‌اند. اما پس از ساعاتی اعلام شد در سه انفجاری که روز پانزدهم آوریل و در حین برگزاری مسابقه ماراتن به وقوع پیوست، سه نفر کشته و ۱۳۰ تن زخمی شده بودند. یکی از جانبازگان کودکی هشت ساله بود. پس از چندی پلیس اعلام کرد: بمب‌ها توسط دو برادر به نام‌های جوهر آتزارو تسارنایف و تیمور لنگ تسارنایف اهل چین که در سال ۲۰۰۲ به آمریکا مهاجرت کرده بودند، جاسازی شده بود.

جوهر تسارنایف دانشجوی دانشگاه ماساچوست بود که سرانجام به اعدام به وسیله تریبک کشنده محکوم گردید و تیمور هم در جریان انفجارها جان خود را از دست داده بود.

در سال ۲۰۱۳ در جریان این مسابقه و در نزدیکی خط پایان دو انفجار مهیب روی داد که دو کشته و ده‌ها زخمی برجای گذاشت. یک خانم ایرانی به نام مریم که در بوستون زندگی می‌کند و سرگرم تماشای مبارزه تنگاتنگ میان چند دهنده پیشره بود، به بخش فارسی بی‌بی‌سی گفته بود: در نزدیکی میدان کاپلی در مرکز شهر بوستون، صدای وحشتناک انفجار را شنیده و پلیس و آمبولانس‌ها در محل واقعه حاضر شده بودند. اما به مردم نمی‌گفتند چه اتفاقی افتاده است.

باراک اوباما رئیس جمهوری وقت ایالات متحده در یک پیام تلویزیونی گفت: هنوز نمی‌دانیم چه کسانی

این نخستین بار در ۱۲۴ سال گذشته است که ماراتن بوستون لغو می‌شود.

این اولین بار در تاریخ برگزاری مسابقات دو ماراتن بوستون آمریکا، مهم‌ترین و قدیمی‌ترین رقابت این رشته است که به دلیل بگرانی از گسترش بیشتر ویروس کرونا لغو شده است.

این مسابقه حتی در دوران جنگ‌های جهانی اول و دوم، زلزله و آتشفشان‌های ویرانگر و بیماری‌های همه‌گیر در نقاط مختلف جهان، هرگز تا کنون متوقف نشده بود.

داوطلبان شرکت در این رقابت اما امسال می‌توانند بطور انفرادی ۴۲/۲ کیلومتر بدوند و در صورت رسیدن به خط پایان به دریافت مدال ویژه مفتخر شوند.

مارتی والش، شهردار شهر بوستون گفته است، ماراتن ۲۰۲۰ طبق معمول قرار بود روز ۲۰ آوریل برگزار شود اما به چهاردهم سپتامبر موکول شد. ولی به احتمال زیاد امسال این رویداد انجام نخواهد شد و ما امیدواریم سال آینده حتما آن را برگزار کنیم.

ماراتن بوستون برای اولین بار در سال ۱۸۹۷ انجام گرفت و در اولین دوره آن تنها ۱۵ دهنده حضور داشتند. در حالی که امسال ۳۰ هزار نفر برای طی ۴۵/۲ کیلومتر ثبت نام کرده بودند و پیش‌بینی می‌شد یک میلیون تماشاچی این رویداد بزرگ ورزشی باشند.

فیفا: ایران تا جمعه این هفته برای تعلیق نشدن فرصت دارد



فوتبال ایران بین زمین و آسمان

فدراسیون جهانی فوتبال «فیفا» از سهل‌انگاری، بی‌نظمی و بی‌اختیاری فدراسیون فوتبال ایران در مورد تهیه و تنظیم اساسنامه جدید خود بر اساس ضوابط و شرایط فدراسیون جهانی، بسیار ناراضی و گله‌مند است.

فیفا به فدراسیون فوتبال ایران اخطار داده، در صورتی که تا روز جمعه پنجم ژوئیه، اساسنامه جدید و بدون نقص و ایراد خود را به کنفدراسیون فوتبال آسیا و فدراسیون جهانی تحویل ندهد، باید منتظر تنبیهات جدی از جمله تعلیق فوتبال این کشور باشد.

اما کاملا آشکار است در شرایط کنونی ایران و در حالی که چندین سازمان دولتی، نظامی و امنیتی به همه چیز و همه کار از جمله فوتبال نظارت و در همه کار دخالت می‌کنند، کوتاه کردن دست آنها یک‌شبه از این ورزش اجتماعی، اقتصادی و سیاسی از محالات است. مگر آنکه مانند دوران ریاست علی کفاشیان به اعتراف خودش، در مورد عدم دخالت مسئولان رژیم به فیفا دروغ بگویند.

فدراسیون جهانی فوتبال مدتی پیش به فدراسیون فوتبال ایران اخطار داد که در اساسنامه جدید نباید هیچ‌گونه نشانی از وابستگی فوتبال این کشور به سازمان‌های حکومتی دیده شود. اما کاملا معلوم بود که فدراسیون فوتبال ایران نمی‌تواند یک‌روزه از زیر نفوذ یک رژیم دیکتاتوری از نوع جمهوری اسلامی در آید و اینهمه تغییر و تحول را که لازمه آن کوتاه کردن دست دولت، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، بسیج و سازمان‌های امنیتی از فوتبال کشور است، در اساسنامه‌اش بگنجانند.

به همین دلیل نیز بعد از ماه‌ها نشست و برخاست، تشکیل جلسه و مطالعه اساسنامه‌های فدراسیون فوتبال کشورهای دیگر، فدراسیون فوتبال ایران نتوانست نظر فیفا را در اساسنامه‌ای که تحویل سازمان مسئول فوتبال دنیا داد تامین کند. در پیش‌نویس اساسنامه جدید، همچنان شواهد فراوانی از ناتوانی و نداشتن استقلال، در بندهندگی آن به چشم می‌خورد و طبیعتاً چنین اساسنامه‌ای نمی‌توانست مورد تأیید فدراسیون جهانی قرار بگیرد. در نتیجه فیفا به مسئولان فدراسیون ایران گوشزد کرد تا انجام تغییرات

دادگان:

وزیر ورزش و رئیس کمیته ملی المپیک در گوشه رینگ گرفتار شده‌اند



در نامه فیفا به فدراسیون فوتبال ایران اشاره‌ای به تعلیق فوتبال کشور نشده است. اما یک بحث فوتبال ماست و یک بحث کمیته ملی المپیک. نامه کمیته ملی المپیک را مگر من به آقای باخ رئیس کمیته بین‌المللی المپیک نوشته‌ام؟ این نامه را سلطانی فر و صالحی امیری برای ایشان فرستاده‌اند. این دو نفر الان گوشه رینگ گرفتار شده‌اند و به دنبال یک شریک می‌گردند. بنابراین اگر من این حرف‌ها را می‌گویم یعنی در زمین حریف هستم یا دارم تشویش اذهان عمومی می‌کنم؟

او سپس به کنایه گفته: بله در دوران بازیگری در زمین حریف هم بازی کرده‌ام. مثل وقتی که تیم کره جنوبی به ایران آمد یا ما به آن کشور رفتیم. اما خود اینها یک عمر است

در زمین حریف بازی می‌کنند! ضمناً آقای باخ در نامه‌ای برای کمیته ملی المپیک ایران یادآور شده که ایران در نامه‌ای رسمی به ما قول داده به منشور المپیک احترام بگذارد و از این پس تبعیض را کنار بگذارد.

رئیس اسبق فدراسیون فوتبال درباره اینکه در بیانیه کمیته ملی المپیک تأکید شده، دادگان در دوران ریاستش بر فدراسیون فوتبال، موجب تعلیق فوتبال ایران شد گفته: من فوتبال کشور را تعلیق کردم یا مهدی علی‌آبادی مسئول وقت ورزش کشور که مثل شما دنبال شهرت، ثروت و

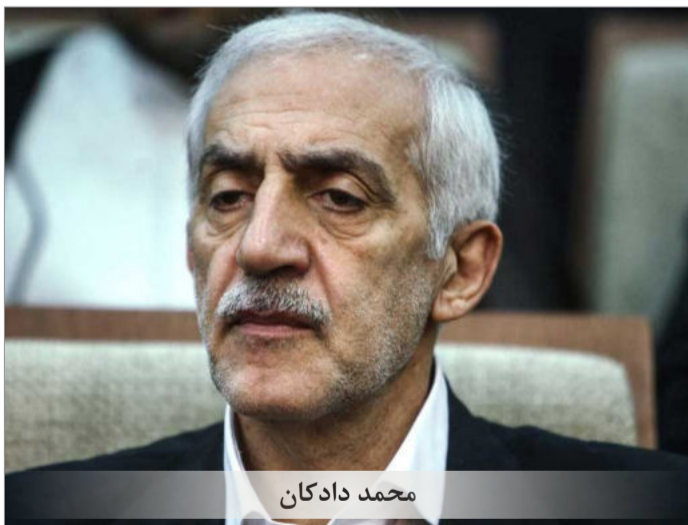
دردت بود؟ وقتی من در آلمان بودم، او مرا کنار گذاشت اما فیفا می‌گفت، رئیس قانونی فدراسیون از نظر ما دادگان است. به هر حال برکناری من از ریاست فدراسیون در جریان مسابقات جام جهانی فوتبال در آلمان اتفاق افتاد و در نیمه بازی میان ایران و آنگولا خبر رسید برکنار شده‌ام. وقتی به ایران بازگشتیم، فوتبال ما ۱۲ روز تعلیق شده و سپس کمیته انتقالی تشکیل گردید.

وی اضافه کرده: ورزش‌های فوتبال، کشتی و جودو لب مرز هستند و کمیته بین‌المللی المپیک مدتی است تصمیم به حذف این سه ورزش از فهرست ورزش‌های المپیک دارد. خلاصه نمی‌دانم چرا مرا تهدید می‌کنند؟ به پیغمبر اگر بتواند کاری کنند! اینها در رسانه‌ها پول خرج می‌کنند تا کسی حرف نزنند. ولی من حرفم را می‌زنم. راهی که اینها می‌روند به ترکستان است. وقتی شماها در خیابان الک دولک بازی می‌کردید، من انقلابی بودم و به زندان رفتم. حالا برای من خط و نشان می‌کشید؟

وزارت ورزش: دخالتی در تهیه اساسنامه فدراسیون فوتبال نداشته‌ایم دادگان که با رادیو ایران گفتگو می‌کرد، ادامه داد: بعد از اظهارات من و بازگو کردن واقعیتی که باعث دلخوری وزیر ورزش و رئیس کمیته ملی المپیک شد، کمیته ملی المپیک اعلام کرد، دادگان در زمین بیگانه بازی می‌کند. اما باید از آنها سوال کنم که شما در زمین بیگانه بازی می‌کنید یا من؟ مرا تهدید امنیتی می‌کنید؟ مرا از چه می‌ترسانید؟

وی افزود که مهدی محمد نبی دبیرکل فدراسیون فوتبال اعلام کرده

وزارت ورزش: دخالتی در تهیه اساسنامه فدراسیون فوتبال نداشته‌ایم



محمد دادگان

به دنبال خودداری فدراسیون جهانی فوتبال از تأیید اساسنامه جدید فدراسیون فوتبال ایران، محمد دادگان گفت: در جلسات تنظیم اساسنامه جدید حضور داشته است. وی یادآور شد، ایرادات «فیفا» به این اساسنامه واقعیت دارد چون این اساسنامه دست‌نویس تفکرات ورزش است.

او با اشاره به پیش‌نویس اساسنامه فدراسیون فوتبال و ایرادات فیفا به آن گفته: ما در ایران تکذیب را خوب یاد گرفته‌ایم. من به عنوان نماینده وزارت کار در جلسات تغییر این اساسنامه حضور داشتم و اینکه وزارت ورزش و معاون آن مهدی علینژاد ادعا می‌کنند که این وزارتخانه در این کار نقشی ندارد، دروغ است. وزارت ورزش اساسنامه تهیه می‌کند و می‌دهد به فدراسیون فوتبال و می‌گوید روی جزئیات آن کار کنید!

محمد دادگان بازرگان پیشین باشگاه پرسپولیس و استاد بازنشسته دانشگاه ملی ایران (بهشتی) چند روز پیش با اظهارات بسیار تند، وزارت ورزش را متهم کرد که اساسنامه فدراسیون فوتبال را با دلالتی تهیه و تنظیم کرده است.

مدیرکل حقوقی وزارت ورزش و جوانان می‌گوید: تدوین و مقررات اساسنامه فوتبال ایران به عهده هیئت رئیسه و مجمع عمومی فدراسیون فوتبال است و وزارت ورزش دخالتی در تهیه اساسنامه فوتبال ایران نداشته، ضمن آنکه لفظ دلالتی که محمد دادگان رئیس پیشین فدراسیون در مورد همکاران ما به کار برده، بسیار زشت و بی‌ادبانه بوده و مصداق بارز توهین و نشر اکاذیب نسبت به مدیران و مسئولان وزارت ورزش است. بنابراین حق برای این وزارتخانه برای پیگیری ادعاهایی که از سوی دادگان مطرح شده، محفوظ خواهد بود.

مرتضی فلاح افزود: تشویش اذهان عمومی نسبت به پاره‌های مشکلات از جمله اساسنامه فدراسیون و به کار بردن عبارات دلالتی کردن وزارت ورزش بر اساس کدام مصداق و مستند بیان شده است؟ و اصولاً متهم کردن دیگران چه معنی و مفهومی دارد و چرا باید با بی‌انصافی، کارکنان و مدیران یک سازمان دولتی به باد حمله و اتهام گرفته شوند؟

● «وقتی شما در خیابان الک دولک بازی می‌کردید من انقلابی بودم و به زندان رفتم!»

● «در نیمه مسابقه ایران و آلمان در جام جهانی، به من گفتند برکنار شده‌ای!»

● «اینها در رسانه‌ها پول خرج می‌کنند تا کسی حرف نزنند.»

محمد دادگان رئیس پیشین فدراسیون فوتبال به دلیل انتقادات تند از مسعود سلطانی فر وزیر ورزش و صالحی امیری رئیس کمیته ملی المپیک جمهوری اسلامی در ماه‌های اخیر و مقصر دانستن وزارت ورزش به دخالت در امور فدراسیون فوتبال که می‌تواند به محرومیت فوتبال ایران منجر شود، از سوی این سازمان متهم به دروغ‌پردازی و نسبت دادن اتهامات واهی و بی‌پایه و اساس بدون ارائه مدارک متقن و مستند و جنجال‌آفرینی شده است.

دادگان این هفته گفت: به جلساتی که برای تهیه و تدوین پیش‌نویس اساسنامه جدید فوتبال ایران به دستور فیفا تشکیل شده بود، دعوت داشته و شاهد دخالت‌های وزارت ورزش در تهیه این اساسنامه بوده اما به دلیل صراحت کلام و اعتراض به مستقل نبودن فدراسیون فوتبال، از ادامه دعوت او به این جلسات خودداری شده است.

وزارت ورزش: دخالتی در تهیه اساسنامه فدراسیون فوتبال نداشته‌ایم دادگان که با رادیو ایران گفتگو می‌کرد، ادامه داد: بعد از اظهارات من و بازگو کردن واقعیتی که باعث دلخوری وزیر ورزش و رئیس کمیته ملی المپیک شد، کمیته ملی المپیک اعلام کرد، دادگان در زمین بیگانه بازی می‌کند. اما باید از آنها سوال کنم که شما در زمین بیگانه بازی می‌کنید یا من؟ مرا تهدید امنیتی می‌کنید؟ مرا از چه می‌ترسانید؟

وی افزود که مهدی محمد نبی دبیرکل فدراسیون فوتبال اعلام کرده

● محمد دادگان رئیس سابق فدراسیون: دروغ می‌گویند؛ کل اساسنامه را وزارت ورزش تنظیم کرده است!

مدیرکل حقوقی وزارت ورزش و جوانان می‌گوید: تدوین و مقررات اساسنامه فوتبال ایران به عهده هیئت رئیسه و مجمع عمومی فدراسیون فوتبال است و وزارت ورزش دخالتی در تهیه اساسنامه فوتبال ایران نداشته، ضمن آنکه لفظ دلالتی که محمد دادگان رئیس پیشین فدراسیون در مورد همکاران ما به کار برده، بسیار زشت و بی‌ادبانه بوده و مصداق بارز توهین و نشر اکاذیب نسبت به مدیران و مسئولان وزارت ورزش است. بنابراین حق برای این وزارتخانه برای پیگیری ادعاهایی که از سوی دادگان مطرح شده، محفوظ خواهد بود.

مرتضی فلاح افزود: تشویش اذهان عمومی نسبت به پاره‌های مشکلات از جمله اساسنامه فدراسیون و به کار بردن عبارات دلالتی کردن وزارت ورزش بر اساس کدام مصداق و مستند بیان شده است؟ و اصولاً متهم کردن دیگران چه معنی و مفهومی دارد و چرا باید با بی‌انصافی، کارکنان و مدیران یک سازمان دولتی به باد حمله و اتهام گرفته شوند؟

محمد دادگان بازرگان پیشین باشگاه پرسپولیس و استاد بازنشسته دانشگاه ملی ایران (بهشتی) چند روز پیش با اظهارات بسیار تند، وزارت ورزش را متهم کرد که اساسنامه فدراسیون فوتبال را با دلالتی تهیه و تنظیم کرده است.

فرمانده قرارگاه «خاتم الانبیاء»: سپاه پاسداران به ونزوئلا، عراق و افغانستان بنزین صادر می کند



تانگر ایرانی در بندار ونزوئلا

لیتر بنزین در کشور تولید می شود در حالی که مصرف داخلی بسیار کمتر از این میزان است. در نتیجه صادرات بنزین که به ونزوئلا داشته ایم می تواند برای دیگر کشورها هم تکرار شود. به خصوص که بسیاری از کشورها نیز متقاضی بنزین ایران هستند.

فرمانده قرارگاه خاتم سپاه پاسداران انقلاب اسلامی همچنین گفت بخش عمده بنزین مازاد تولید داخل به عراق، افغانستان و دیگر همسایگان صادر می شود.

سعید محمد بطور روشن توضیح داد که سهم سپاه پاسداران در محموله ارسالی بنزین به ونزوئلا چقدر است اما اظهارات او آشکار می کند با وجود تحریم های نفتی، سپاه پاسداران همچنان بنزین صادر می کند.

عباس موسوی سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی روز دوشنبه در پاسخ به پرسشی در ارتباط با احتمال اعزام مجدد نفتکش های حامل سوخت به ونزوئلا گفت: «اگر ونزوئلا در مورد صادرات محموله های جدید تقاضایی را مطرح کند با تمهیداتی که اندیشیده شده و اندیشیده خواهند شد به این کشور و سایر کشورهای نیازمند تاب آوری کشور در برابر تحریم ها بسیار بالا بود».

محمد در پاسخ به پرسشی درباره میزان سهم سوخت تولیدی در پالایشگاه های متعلق به قرارگاه «خاتم» که به ونزوئلا صادر شده، اعلام کرد «۴۰ درصد تولید بنزین کشور صرفاً در پالایشگاه خلیج فارس تولید می شود». او توضیح داد «روزانه ۱۰۵ میلیون

وصول ۴۰۰ میلیون دلار طلب ایران از عراق پیش از مبادله زندانیان؛ رفت و آمد اسماعیل قاتی به عراق محدود می شود



اسماعیل قاتی

که همراه اردکانیان به بغداد سفر کرده است.

این روزنامه به نقل از منابع عراقی نوشته بنا به «دستورات شدید» نخست وزیر عراق، اسماعیل قاتی برای ورود به عراق مجبور شده «ویزای رسمی» دریافت کند و به عنوان یک مقام رسمی به این کشور سفر کند.

این در شرایطی است که در سال های اخیر نفوذ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در عراق چنان زیاد شده بود که سرداران سپاه و نیروهای امنیتی هر وقت اراده می کردند و می خواستند بدون دریافت ویزا به عراق رفت و آمد می کردند. اما از قرار معلوم حالا آنها نیز باید مثل دیگر مقامات و نمایندگان رسمی جمهوری اسلامی برای سفر تقاضای ویزا کنند.

شرق الاوسط در مورد این قضیه توضیح بیشتری نداده است اما به نظر می رسد این تصمیم نشانه هایی از تصمیم دولت جدید عراق برای محدود کردن جولان های فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در عراق است.

ایالات متحده از طریق مصطفی الکاظمی تلاش می کند حرکات و مداخلات جمهوری اسلامی در عراق را مدیریت و محدود کند. چنانکه در سفر اردکانیان به بغداد ۴۰۰ میلیون دلار از دارایی های ایران آزاد می شود و کمتر از ۲۴ ساعت بعد مایکل وایت شهروند آمریکایی که دو سال توسط جمهوری اسلامی به گروگان گرفته شده بود با مجید طاهری که به اتهام نقض تحریم ها در آمریکا زندانی بود مبادله شد و به کشورش بازگشت.

کدام زودتر خرد می شوند: «دهان آنها که حرف از مذاکره با آمریکا می زنند» یا کمر اقتصاد؟



مخالفت حامیان جمهوری اسلامی با مذاکره با آمریکا در مراسم تشییع جنازه قاسم سلیمانی: «دهان کسانی که حرف از مذاکره با آمریکا بزنند خرد می کنیم»

که رژیم زیر فشارهای سخت بین المللی و تحریم ها قرار داشت و در نهایت با مهندسی کردن انتخابات سال ۱۳۹۲ و روی کار آوردن دلت «تدبیروامید» با چراغ سبز رهبر جمهوری اسلامی مذاکره با آمریکا که پیش از آن شروع شده بود، راه را برای «نرمش قهرمانانه» و توافق آتمی هموار کرد. در داخل نظام افرادی مثل محمدجواد ظریف این تئوری را داشتند که می شود هم با جامعه بین المللی در ارتباط بود و معامله کرد و هم به غنی سازی اورانیوم ادامه داد و توان موشکی را توسعه بخشید و از شهنشاهان منطقه نیز حمایت کرد. البته تا زمانی که دولت اوباما و دموکرات ها در ایالات متحده بر سر کار بودند، این «دیپلماسی ظریف» جواب نیز داد! در سال ۱۳۹۴ پس از «نرمش قهرمانانه» علی خامنه ای، برجام امضا شد و میلیارد ها دلار پول به جیب آیت الله ها و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و دولت سرازیر شد و سپاه قدس به فرماندهی قاسم سلیمانی گروه های تروریستی و شبه نظامیان مزدور را در کشورهای منطقه از جمله عراق و سوریه حسابی پرور کرد. اما بساط سور و سات نظام با «دیپلماسی ظریف» پس از دو سال برچیده شد و با خروج آمریکا از برجام و کارزار فشار حداکثری گلولی جمهوری اسلامی به شدت فشرده می شود.

اکنون سردار سابق محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی شده و در اولین نطق خود اعلام کرد این مجلس همه مذاکره و سازش با آمریکا نیست. در ایران جریانی در حال انحصار دوباره ی قدرت است که عزمش را برای گرفتن دولت و قوه مجریه از جریان موسوم به اصلاح و اعتدال جزم کرده است.

این جریان از همه نظر قدرتمندتر از اصلاح طلبان اعتدال گرایان است که در تمام سال های گذشته فقط برای ریزه خواری یا سفرهای نظام زور زده اند! این جریان اصولگرا همواره نشان داده که مخالف مذاکره با آمریکا است و اگر مجبور به مذاکره بشود، دست از اهداف سیاسی - عقیدتی خود نخواهد کشید. بزرگترین نقطه ضعف آنها این است که اگر هم روزی تصمیم به تغییر مواضع بگیرند، به اندازه جریان رقیب دارای نیروی لابیگری برای مذاکره مخفیانه و غیر علنی با واشنگتن نیستند اگر چه لابیگری مدافعان اصلاح طلبان در غرب نیز در نهایت به سود نظام تمام شده است! و گرنه چطور این جریان مخالف مذاکره اکنون در حال قبضه کردن همه قدرت است؟! با این همه همه جریان نظام که تمامی تلاش خود را برای حفظ جمهوری اسلامی و اهداف سیاسی - عقیدتی آن به کار می گیرند، در نهایت مجبورند برای مذاکره با آمریکا که نمی تواند مخفی بماند، امتیازات بزرگی بدهند. همان امتیازاتی که خامنه ای آنها را «مسئول ناموسی» می داند. برایان هوک مسئول امور ایران در وزارت خارجه آمریکا اخیراً بار دیگر تأکید کرد ایالات متحده عجله ای برای مذاکره با جمهوری اسلامی ندارد. او همچنین گفت، حکومت اسلامی باید میان مذاکره و فروپاشی اقتصادی یکی را انتخاب کند.

در این شرایط باید منتظر ماند و دید آیا واقعا «دهان کسانی که حرف از مذاکره با آمریکا می زنند» خرد می شود یا کمر خود جمهوری اسلامی و همزمان اقتصاد کشور و مردمی که می گویند «اه در بساط ندارند»!

گروهی معتقدند می شود با اقتدار و دست پر پای میز مذاکره با آمریکا نشست و اقداماتی نظیر حمله موشکی به پایگاه عین الاسد و ارسال محموله نفتی به ونزوئلا نشانه های این اقتدار است. اما گروهی دیگر می گویند شرایط روز به روز وخیم تر می شود و تا وضع از این بدتر نشده نباید فرصت مذاکره را از دست داد.

احمد خاتمی امام جمعه موقت تهران و عضو مجلس خبرگان ۱۴ خرداد در سخنانی در مقبره روح الله خمینی به مناسبت سی و یکمین سال مرگ وی گفت «کسی که دم از مذاکره با آمریکا بزند ضد خط امام و ولایت است» اما یک هفته قبل از آن فواد ایزدی از تحلیلگران سیاسی نزدیک به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در اظهاراتی کم سابقه «دم از مذاکره زد» و گفت اگر ایران اعتماد به نفس خود را حفظ کند و به دنبال توافقات برد-برد واقعی و نه خیالی باشد، می تواند موفقیت های جدی کسب کند.

پایگاه خبری - تحلیلی «کریستین ساینس مانیوتور» در گزارشی با اشاره به تحریم های آمریکا و کارزار فشار حداکثری ایالات متحده علیه جمهوری اسلامی و تلاش های تهران برای مقابله با تحریم ها در همکاری با ونزوئلا می نویسد: «به نظر می رسد که شرایط در ایران و ونزوئلا برای خواسته آمریکا مبنی بر تغییر رژیم مهیاست».

در این گزارش آمده است که خبرنگار نیویورک در سفر اخیرش به تهران می گوید جامعه ایران از چند دهه قبل سرکوب و تحریم خسته شده و در آرزوی تغییر رژیم است. وی می افزاید، به نظر می رسد علی خامنه ای ضعیف شده و در حال عقب نشینی است.

تلاش های رژیم ایران برای پنهان کردن شیوع کرونا به گسترش سریع و گسترده آن انجامید و جمهوری اسلامی برای اولین بار از ابتدای انقلاب تا کنون مجبور شد از صندوق بین المللی پول تقاضای وام کند.

در همین حال طبق ارزیابی یک گروه متشکل از مأموران پیشین سرویس امنیتی آمریکا با عنوان «کهنه کاران حرفه ای اطلاعات» در ونزوئلا، فشار تحریم ها و شیوع کرونا باعث شده بسیاری از مردم این کشور در آرزوی تغییر رژیم باشند.

ارسال سوخت از ایران به یک کشور نفتخیز که به علت ورشکستگی حتی توانایی استفاده از منابع خود را ندارد نشان دهنده تلاش های دور رژیم منزوی و تأکید برای خودشان است.

کریستین ساینس مانیوتور در پایان نوشته این شرایطی می تواند فرصتی نیز برای نشان دادن حسن نیت به شمار رود. اگر هدف تحریم ها فراهم کردن ایجاد شرایطی برای مردم در جهت تغییر از درون باشد، قدرت تحریم ها در این است که بدانیتم دقیقاً چه زمانی آنها را با ابزارهای نرم تر دیپلماسی عوض کنیم. محمدرضا مرتضوی دبیر کل خانه صنعت و معدن اخیراً در یک مصاحبه با اشاره به شدت فقر در ایران هشدار داده است «بغض گلولی کارگران فرو نمی رود و منجر به انقلاب می شود». اظهارات او درست برخلاف ادعاهایی است که می گویند ارسال سوخت به ونزوئلا اقتدار جمهوری اسلامی است! گروهی از تحلیلگران می گویند شرایط در ایران از بعضی جهات شبیه واپسین ماه های دولت محمود احمدی نژاد شده

● «خط حزب الله» هفته نامه دفتر خامنه ای نوشته است، رسیدن تانکرهای بنزین به ونزوئلا فراتر از جنبه اقتصادی و مادی از نظر استراتژیک و راهبردی اهمیت دارد.

● مجتبی ذوالنوری نماینده مجلس شورای اسلامی: کسی نمی گوید آمریکا قدرتمند نیست ولی جمهوری اسلامی در بعد نظامی سطحی از بازدارندگی ایجاد کرده که دشمنان نتوانند از قدرت شان علیه ایران اسلامی استفاده کنند.

● محمد رضا مرتضوی دبیر کل خانه صنعت و معدن اخیراً در یک مصاحبه با اشاره به شدت فقر در ایران هشدار داد «بغض گلولی کارگران فرو نمی رود و منجر به انقلاب می شود».

● کریستین ساینس مانیوتور: به نظر می رسد که شرایط در ایران و ونزوئلا برای خواسته آمریکا مبنی بر تغییر رژیم مهیاست».

● خبرنگار نیویورک در سفر اخیرش به تهران می گوید جامعه ایران از چند دهه سرکوب و تحریم خسته شده و در آرزوی تغییر رژیم است. هفته نامه «خط حزب الله» وابسته به دفتر علی خامنه ای در گزارشی با عنوان «اقتدار در حیط خلوت آمریکا» می نویسد «به ماجرای انتقال بنزین به ونزوئلا صرفاً نباید از جنبه اقتصادی و منافع مادی نگاه کرد مهم تر از این وجوه استراتژیک و راهبردی آن است. دوران جدیدی در حال شکل گیری در منطقه و جهان است».

در گزارش «خط حزب الله» تأکید شده است که این دوران حتماً با افول ابرقدرت بودن ظاهری آمریکا همراه خواهد بود. از سوی دیگر، مجتبی ذوالنوری از نمایندگان امنیتی مجلس شورای اسلامی در مصاحبه با «راديو اقتصاد» عنوان کرد «کسی نمی گوید آمریکا قدرتمند نیست ولی بحث این است که جمهوری اسلامی در بعد دفاعی و نظامی سطحی از بازدارندگی ایجاد کرده که دشمنان نتوانند از قدرت شان علیه ایران اسلامی استفاده کنند در حقیقت فرمول سود و هزینه را به ضرر آنها تغییر داده است».

او گفت «اگر دشمنان بخواهند جسارت یا دست از پا خطا کنند خسارتی که می بینند بیش از نفعی است که نصیب شان می شود». عبدالناصر همتی رئیس بانک مرکزی جمهوری اسلامی سه شنبه ۱۳ خرداد طی سخنانی در مجلس شورای اسلامی با اشاره به اینکه «سال ۹۸ یکی از سخت ترین سال های ما در طول دوران انقلاب بود» تأکید کرد به خاطر فشار حداکثری و تحریم های هوشمندانه دسترسی جمهوری اسلامی به ذخایر ارزی قطع شده است.

او همچنین تأکید کرد «حتی کشورهایی که با ما رابطه دوستی دارند نظیر کره و عراق به خاطر فشار آمریکا به بانک های آنها اجازه دسترسی ما به منابع ارزی خود را نمی دهند».

محمدباقر نوبخت رئیس سازمان برنامه بودجه نیز در سخنانی گفت «درآمد صادرات نفت و گاز از ۱۱۹ میلیارد دلار در آغاز دهه ۹۰ به ۹/۸ میلیارد دلار کاهش پیدا کرده است». وی هشدار داد در بودجه سال ۹۹ باید ۲۲ هزار میلیارد صرفه جویی صورت گیرد و گرنه دولت نمی تواند اعتبارات پیش بینی شده را تأمین کند. او گفت کسری بودجه امسال را در یک جلسه غیر علنی می گوید!

اگرچه در جمهوری اسلامی صدای جریانی که هرگونه مذاکره با آمریکا را مطلقاً رد می کند بلندتر از سایرین به گوش می رسد اما زمزمه های مذاکره با آمریکا نیز همچنان شنیده می شود.

دو قرن فراز و نشیب مطبوعات در ایران (۱۷۲)

(کیهان لندن شماره ۱۳۵۳)

احمد احرار



وقایع را به روایت ملک الشعرا دنبال می‌کنیم:

«باری، کمیسیون مذکور بعد از ظهر تشکیل گردید و قرار بر این شد که آقا سید احمد بهبهانی از قول رئیس و اکثریت مجلس پیامی به مردم بدهد، و نیز چند نفر دیگر معین شدند که برای مردم در لزوم تفرقه (پراکنده شدن) نطقهایی بکنند تا ببینیم باز هم احتیاج به عمل دیگر هست یا نه.

شوم. به محض رسیدن به پشت پنجره، دیدن اوضاع بیرون و ورود رئیس دولت پشتم را به لرزه آورد و شاهد قضایای بالا خود من بوده‌ام و از کسی نشنیده‌ام.

دیدم که سردار سپه پیش‌خزند (ردیف آجرهای کنار باغچه) لب گلکاریها، که از آنجا سه پله طبقه صحن مجلس و حاشیه گلکاری را با طبقه باغچه‌ها و درختها و حوض و



قسمت سزیکاری مربوط می‌سازد، ایستاده شغل آبی بر دوش دارد.



مؤتمن‌الملک (حسین پیرنیا)

شیخی معمم که گویا حاج شیخ مهدی سلطان بود جلو آمد و چیزی به سردار سپه گفت و به روی او تف انداخت و یکی از همراهان سردار سپه - میرزا کریمخان - سیلی به شیخ زد و او را به پاسان سپرد که ببرد و حبس کنند. در مقابل حمله و چیز و پراندن مردم، سردار سپه از خود دفاع می‌کرد و خم می‌شد. مردم گاهی جلو می‌آمدند و به وکلا دشنام می‌دادند و یا حسین می‌کشیدند و گاهی از جلو حمله سربازان عقب‌نشسته، به طبقه سزیکاری پایین می‌گریختند. من اوضاع را وخیم دیدم و شایسته ندیدم که رئیس دولت با مردم دست‌به‌یکه شود.

با عجله از عمارت پایین دویده پهلوی ایشان رفتم و گفتم بفرمایید بیایید بالا، و رئیس دولت را به طرف سرسرا راهنمایی کردم. در این وقت مرحوم دولت‌آبادی هم از پله‌ها پایین می‌آمد که ما از پلکان بالا می‌رفتیم. سردار سپه متوحش بود و دنبال رئیس مجلس می‌گشت. عاقبت از سرسرا وارد دهلیز شرقی سرسرای بالا شده داخل اتاق شرقی گردید که به عمارت رئیس که در حیاط دیگر بود برود.

آقای مؤتمن‌الملک هم پس از دیدن واقعه برخاسته به سوی سرسرا و مجلس می‌آمد. در وسط اتاق شرقی آن دو به هم رسیدند. هیچکس جز من و آن دو آنجا نبود. زیرا من رئیس دولت را ترک نگفته بودم. در وسط اتاق، رئیس مجلس به رئیس‌الوزرا رسیده مثل این که از فرط حالت عصبی او را ندیده باشد، از او رد شد و به من رسید.

ناگاه رئیس‌الوزرا برگشت و گفت «آقای رئیس، من آمده‌ام شما را ملاقات کنم». رئیس مجلس برگشته گفت «چرا آمدی؟ چرا مردم را زدی؟ اینجا مجلس است. امر و نهی و اداره آن با من است. الان معلوم می‌شود...» و داخل سرسرا شده گفت «سید محمود، زنگ را بزن!»

درنگ، درنگ، درنگ! آواز زنگ سید محمود، ناظر مجلس، که به امر مؤتمن‌الملک رئیس مجلس

یکی از گالری‌های بزرگ مجلس محسوب می‌شود.

در طرف شمال این گالری اتاق کوچکی است که معروف است به اتاق کمیسیون خارجه و در دوره دوم و سوم و چهارم و پنجم این کمیسیون در آن اتاق تشکیل می‌شده است و یک در به طرف شمال، رو به باغ دارد، و نیز اتاق بزرگ سهدری که باز از آن اتاق به وسیله دهلیزی به مجلس باید رفت. در طرف جنوب هم به قرینه طرف شمال، اتاق کوچکی است که یک در به صحن مجلس دارد و به اتاق «مدرس» معروف است و جلسات اقلیت در آنجا تشکیل می‌شد و نیز اتاقی بزرگ است جنبل او، سه دری، و دهلیزی به مجلس دارد. خوب در نظر داشته باشید!

رئیس مجلس وارد گالری مذکور شد. قاعدتا رئیس آنجا می‌ایستاد تا عده به حد کافی داخل مجلس شوند، بعد خود او هم به مجلس می‌رفت. حالا رئیس وارد این گالری شده متصل حرکت می‌کند. اعضای کمیسیون نامبرده (کمیسیون حل اختلاف) که قبلا اشاره کرده بودیم در اتاق سهدری رو به شمال نشسته بودند و بعد از آمدن سردار سپه و بلند شدن غوغای صحن مجلس، بیرون ریخته بودند و یک‌یک به صحن بهارستان نگاه می‌کردند که مردم آنجا به فریاد و فغان مشغول بودند.

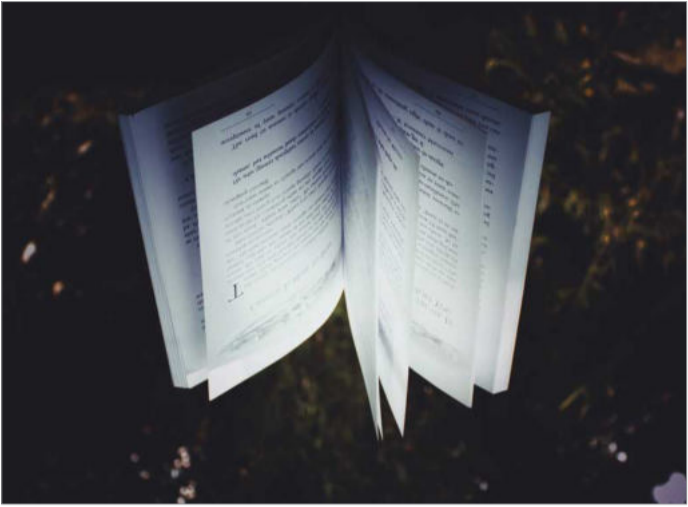
آقای سردار سپه بعد از آنکه رئیس مجلس به او گفت «چرا آمدی و چرا مردم را زدی؟» و غیره و پس از آنکه دید رئیس مجلس متغیر است و امر به باز شدن جلسه علنی مجلس داده است و زنگ در حرکت است، یکه روزی ایرانیان و به ویژه قتل‌های زنجیره‌ای نویسندگان را نظریه‌پردازی کرد. فردید در ریخته شدن خون همه‌ی نویسندگان و روزنامه‌نگاران و سیاستمداران که در چهل سال گذشته ریخته شده (با اتهام رسمی یا غیر رسمی عامل دشمن) سهم دارد.

نحوه‌ی استخدام در رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی به دلیل آمیختگی با سیاست و گرایش‌های سیاسی بسیار آلوده‌تر از دیگر رشته‌هاست و همین امر راه را برای استخدام اسلامگرایان و چپ‌ها در دانشگاه‌های آمریکایی و اروپایی باز کرده است. امروز نه تنها رسانه‌های غربی به نشر اخبار جعلی در مورد ایران می‌پردازند (مثل یکپارچگی ملی ایرانیان در تشییع جسد سلیمانی یا محبوبیت وی) بلکه دانشگاه‌های ایالات متحده و اروپا در این رشته‌ها به نهادهایی برای دروغ‌سازی و جعل روایت و نظرسنجی‌های قلابی و دولت‌ساخته تبدیل شده‌اند.

مرحوم مستوفی‌الممالک از آقای رئیس مجلس خواهش کرد که امر کند سید محمود زنگ را موقوف کند و مجلس فعلا به تعویق بیفتد...»

روال دانشگاه‌های غربی در خدمت

اسلامگرایی و تروریسم



● **استقرار یک عنصر امنیتی در دانشگاه مریلند که واسطه‌ی لابی جمهوری اسلامی و موسسات امنیتی - نظامی در ایران برای نظرسازی است به خوبی امنیتی‌سازی افکارسنجی در ایران و در مورد ایران را گواهی می‌دهد.**

● **در نسل قبل ایران شناسان و اسلام‌شناسان دانشگاهی چهره‌های چپ کمونیست و ملی بیشتر مشاهده می‌شد که اکنون نسل آنها رو به انقراض است.**

● **نتایج نظرسنجی‌هایی که تحت عنوان دانشگاه مریلند به خورد رسانه‌های غربی داده می‌شود با مبانی و روایات دستگاه تبلیغاتی جمهوری اسلامی مو نمی‌زند.**

● **سیاست دانشگاه‌های آمریکا در دادن بورس تحصیلی به محصولات آموزشی قشر حاکم در ایران نوعی تداوم بخشیدن به نظام آموزشی فاسد و تبعیض آمیز در ایران است.**

● **نهادهای آموزشی و رسانه‌ای غربی با گفتمان خویش به ساده‌لوحان مفید برای حکومت‌های شوروی مثل جمهوری اسلامی تبدیل شده‌اند.**

مجید محمدی - جریان چپ و بعضا ضد سامی حاکم بر فضای دانشگاهی - رسانه‌ای در ایالات متحده و اروپا در چهل سال گذشته نه تنها گزارشی خبری از ایران و شناخت و تحلیل تحولات ایران را آلوده‌ی مقاصد و غرض‌های سیاسی ساخته بلکه فضای آکادمیک را نیز با گفتمان‌های ضد امپریالیستی (همگام با اسلامگرایی) و ضد اسرائیلی و ستایش از هویت‌گرایی اسلامگرا که زهدان تروریسم است مسموم ساخته است.

این جریان چنان فاسد و شیفته‌ی مهملات ضد غربی است که یکی از بزرگترین تبلیغاتچی‌های ایرانی برای فاشیسم و اسلامیسیم یعنی احمد فردید را «اولین فیلسوف مدرن تاریخ ایران» می‌نامد (علی میرسپاسی، استاد مطالعات خاورمیانه دانشگاه نیویورک). اگر احمد فردید شایسته‌ی این عنوان باشد همه‌ی تبلیغاتچی‌های جمهوری اسلامی مثل حسین شریعتمداری و مسعود ده نمکی را می‌توان فیلسوفان مدرن تاریخ ایران نامید. احمد فردید کسی است که خمینی را «پیشوا» نامید و گفتمان شیخون و تهاجم فرهنگی خامنه‌ای برای سرکوب هر روزی ایرانیان و به ویژه قتل‌های زنجیره‌ای نویسندگان را نظریه‌پردازی کرد. فردید در ریخته شدن خون همه‌ی نویسندگان و روزنامه‌نگاران و سیاستمداران که در چهل سال گذشته ریخته شده (با اتهام رسمی یا غیر رسمی عامل دشمن) سهم دارد.

نحوه‌ی استخدام در رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی به دلیل آمیختگی با سیاست و گرایش‌های سیاسی بسیار آلوده‌تر از دیگر رشته‌هاست و همین امر راه را برای استخدام اسلامگرایان و چپ‌ها در دانشگاه‌های آمریکایی و اروپایی باز کرده است. امروز نه تنها رسانه‌های غربی به نشر اخبار جعلی در مورد ایران می‌پردازند (مثل یکپارچگی ملی ایرانیان در تشییع جسد سلیمانی یا محبوبیت وی) بلکه دانشگاه‌های ایالات متحده و اروپا در این رشته‌ها به نهادهایی برای دروغ‌سازی و جعل روایت و نظرسنجی‌های قلابی و دولت‌ساخته تبدیل شده‌اند.

چینش اسلامگرایان و چپ‌ها

دانشگاه‌های رسوای ایالات متحده

و اروپا در حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی بر اساس گفتمان چپ‌گرایی و هویت‌گرایی حاکم کاملا در خدمت جمهوری اسلامی عمل کرده‌اند. این دانشگاه‌ها در حوزه‌ی ایران‌شناسی و اسلام‌شناسی پرونده‌های سیاه و غیرتخصصی دارند. این پرونده‌ی سیاه را در کارهایی که نکرده‌اند می‌توان مشاهده کرد. جستجو کنید تا ببینید در شناخت تحولات چهل ساله‌ی اخیر در جامعه‌ی ایران چه کرده‌اند: تقریبا هیچ! تنها به برخی از اسامی نگاه کنید:

حسین درخشان در هاروارد، حسین موسویان در پرینستون، ابراهیم محسنی در مریلند، محسن کدیور در دوک، استخدام یا اعطای فرصت‌های مطالعاتی به این افراد انتصابی بوده و نه انتخاب بر اساس معیارهای تخصصی. بنا به گزارش‌های موثق، توصیه‌ها به استخدام این افراد منجر شده و نه توانایی فردی و تخصصی.

برخی از این استخدام‌ها که در یک دهه‌ی اخیر صورت گرفته، روال استخدام دانشگاه‌های آمریکا در حوزه‌ی ایران‌شناسی و شیعه‌شناسی در نسل دوم را منعکس می‌سازند. اینها تفاوت چندانی با سیدحسین نصر در جرج واشنگتن (که حلاق‌قلب فرقه‌ی مریمیه شده است)، حسین مدرسی طباطبایی در پرینستون یا حمید دباشی در کلمبیا ندارند. هر سه مورد از جریان اسلامگرا و سوسیالیست هستند.

محسن کدیور با توصیه‌ی سیدحسین نصر به دوک رفت که این نشان می‌دهد نسل اول (هفتاد تا هشتاد ساله‌های فعلی) دارند نسل دوم اسلامست‌ها را به صورت دائمی و موقت در دانشگاه‌های آمریکا مستقر می‌سازد. حسین موسویان گزینه دولت اوباما به ویژه بن رودز بود که در پرینستون کاشته شد تا برجام به انجام برسد. ابراهیم محسنی را یکی از اعضای هیئت مشاوران نایاب در مریلند کاشت. حسین درخشان را همان‌ها در هاروارد کاشتند که پیش از آن عباس ملکی و کیهان رهگذر (نوجه‌های علی اکبر ولایتی در وزارت خارجه) را به هاروارد آوردند. این افراد هر یک به گونه‌ای در خدمت تروریسم جمهوری اسلامی بوده‌اند: دفاع از بقای نظام و لابی، نظرسازی، و عادی جلوه دادن جمهوری اسلامی در دنیا. در بازگشت به ایران هم این افراد خود را به عنوان کارشناس معتبر به جامعه‌ی ایران معرفی می‌کنند در حالی که فقط با زد و بند به این دانشگاه‌ها راه می‌یابند. در نسل قبل ایران‌شناسان و اسلام‌شناسان دانشگاهی، چهره‌های چپ کمونیست و ملی (ضد اسرائیلی مثل منصور فرهنگ یا سوسیالیست مثل ارواند آبراهامیان) بیشتر مشاهده می‌شد که اکنون نسل آنها رو به انقراض است اما با غلبه‌ی هویت‌گرایی و گفتمان ضد امپریالیستی افرادی با گرایش‌های ضد آمریکایی و ضد اسرائیلی فرصت قابل توجهی برای استخدام در دانشگاه‌های آمریکا در حوزه‌های ایران‌شناسی و اسلام‌شناسی به دست آورده‌اند. عبدالکریم سروش که در دانشگاه مریلند همکاری دارد پس از حذف قاسم سلیمانی به صف مداحان تروریسم بین‌المللی که خون صد‌ها آمریکایی را بر دست‌هایش دارد پیوست.

همکاری امنیتی با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

روال مهندسی افکار عمومی در ایران که چهار دهه است ادامه داشته در دوران دولت روحانی برای تاثیر گذاری بر افکار

عمومی غربیان در سطح بین‌المللی دنبال شد. همزمان با سرمایه‌گذاری بر لابی جمهوری اسلامی در آمریکا، یک عنصر امنیتی برای انتقال افکارسنجی به این کشور اعزام شد و اعضای لابی جمهوری اسلامی (با واسطه‌ی یکی از اعضای هیئت مشاوران لابی که در دانشگاه مریلند موقعیت شغلی داشته) وی را در مرکز مطالعات بین‌المللی و امنیتی این دانشگاه و به عنوان استادیار مطالعات ایرانی استخدام کردند. برای بالا بردن اعتبار این فرد که پیشینه‌ی بسججی‌اش در معرض دید عموم قرار گرفته دانشگاه‌های دیگر (مثل دانشگاه نیویورک) نیز وی را برای سخنرانی در مورد افکار عمومی در ایران دعوت کردند. استقرار یک عنصر امنیتی در دانشگاه مریلند که واسطه‌ی لابی جمهوری اسلامی و موسسات امنیتی - نظامی در ایران برای نظرسازی است به خوبی امنیتی‌سازی افکارسنجی در ایران و در مورد ایران را گواهی می‌دهد. نتایج نظرسنجی‌هایی که تحت عنوان دانشگاه مریلند به خورد رسانه‌های غربی داده می‌شود با مبانی و روایات دستگاه تبلیغاتی جمهوری اسلامی مو نمی‌زند. ادعا می‌شود که این نظرسنجی‌های مهندسی شده در ایران انجام می‌شود تا اعتبار آنها افزایش پیدا کند اما هیچ روزنامه‌نگار یا محققی که از نتایج آنها استفاده می‌کند از خود نمی‌پرسد که در جامعه‌ای با حکومت مافیایی - پلیسی و رژیم اقتدارگرا و تمامیت‌خواه و فقدان آزادی موسسات علمی چگونه نظرسنجی افکار عمومی ممکن است! حتی آنچه نظام در آینده از حیث حرکت افکار عمومی در غرب می‌خواهد عینا در اعداد و پخت و پز شد در این نظرسازی‌ها دیده می‌شود. قاسم سلیمانی توسط این نظرسنجی‌ها به عنوان فردی محبوب در ایران معرفی شده است.

● **جذب آقازاده‌ها و بسیجیان**

کمتر کسی از این نکته بی‌اطلاع است که بهترین مدارس ایران در اختیار وفادارترین عناصر به خامنه‌ای است (مثل حداد عادل و احمد توکلی). این مدارس با انواع رانت‌هایی که دارند بهترین خدمات آموزشی را به آقازاده‌ها و فرزندان قشر حاکم ارائه می‌کنند و بعد آنها را آماده‌ی ارسال به دانشگاه‌های اروپا و آمریکای شمالی می‌سازند. سیاست دانشگاه‌های آمریکا در دادن بورس تحصیلی به این دسته از محصولات قشر حاکم نوعی تداوم بخشیدن به نظام آموزشی فاسد و تبعیض‌آمیز در ایران است. بوق‌های تبلیغاتی در ایران و غرب اخراج یک دانشجوی حزب‌اللهی از بوستون را نقض حقوق بشر معرفی کردند در حالی که رژیم همه‌ی انواع حقوق بشر ۸۳ میلیون ایرانی را هر روز نقض می‌کند. این درست با قتل خاشقجی قابل مقایسه است. قتل وی برای یک سال تیترو رسانه‌های غربی و بوق‌های تبلیغاتی جمهوری اسلامی بود اما بازداشت و زندانی کردن و کشتن هزاران ایرانی نادیده گرفته می‌شود. نهادهای آموزشی و رسانه‌ای غربی با گفتمان هویت‌گرایی و ضد غربی خویش به ساده‌لوحان مفید برای حکومت‌های شوروی مثل جمهوری اسلامی تبدیل شده‌اند. فضای دانشگاهی در غرب به گونه‌ای است که نه تنها تغییر در باور و گفتمان این بسیجیان پیشاپیش منصوب شده برای مقامات نسل بعد ایجاد نمی‌کنند بلکه دیدگاه‌های آنها را تقویت نیز می‌کنند.

۲ - شناساندن اسلام به عنوان دین استبداد و سلب آزادی‌ها

و این سیاستی است که جمهوری اسلامی در ایران به نام اسلام در همه زمینه‌های زندگی خصوصی و عمومی در پیش گرفته و خمینی با گفتن این عبارت «زبان هرکس را که بر ضد جمهوری اسلامی کلمه‌ای بگوید قطع می‌کنم» آن را تأیید نموده است. حال آن که قرآن مجید می‌گوید: «لا اکراه فی الدین» و «یا ایها الکافرون لا عبد ما تعبدون ولانتم عابدون ما اعبد لکم دینکم ولی دین» پیامبر اسلام همیشه با یاران خود به طور دایره شکل می‌نشست تا مجلس او دارای صدر و ذیل نباشد. خلیفه عمر بن الخطاب هنگام سرزنش قومی که به جوانان خود ستم کرده بودند گفت: «چرا مردم را برده خود می‌کنید حال آن که مادران آنها آنان را از ازا زائیده‌اند».

علی بن ابی طالب علیه السلام روزی با یکی از یهودیان کوفه اختلافی پیدا می‌کند و با آن یهودی جهت قضاوت نزد شریح قاضی که به وسیله خود علی در آن سمت تعیین شده بود می‌رود. امیرالمومنین که در آن هنگام قدرت فرمانروائی نیمه از کره زمین را فرا گرفته بود با دشمن خود که یکی از رعایای خودش بود به صورت یکی از طرفین متساوی الحقوق در برابر قاضی می‌نشیند و حکم صادره از طرف قاضی علیه خود و به نفع آن یهودی را با طیب خاطر می‌پذیرد منتهی از شریح قاضی گله می‌کند و می‌گوید: «تنها یک چیز مرا ناراحت کرد و آن اینکه همواره مرا با لقب مورد خطاب قرار می‌دادی و آن یهودی را با نام و ای کاش هنگام مخاطب قرار دادن طرفین دعوی عدالت را نیز رعایت می‌کردی».

۳ - شناساندن اسلام به عنوان دینی دور از عدالت و بخشش...

آن طور که در جریان محاکمات دادگاه‌های انقلاب در اعدام کودکان و بزرگسالان و زنان باردار به بهانه‌های سیاسی نمایان گردید و نیز محاکمه و اعدام یکصد نفر در یکصد دقیقه، رهبر انقلاب این اقدام جنایتکارانه ضد بشری را مورد تأیید قرار داده و گفت: «این جنایتکاران نیازی به محاکمه ندارند و بایستی در خیابان یا در محل دستگیری فوراً مجازات شوند» حال آن که قرآن مسلمانان می‌گوید:

«ان الله یامر بالعدل والاحسان»
یعنی خداوند امر به عدل و نیکی می‌کند. و
«اذا حکمتم بین الناس ان تحکموا بالعدل»

یعنی اگر میان مردم داوری می‌کنید با عدالت داوری کنید. و «وان تعفوا قرب التقوی» و چنانچه عفو کنید به پرهیزکاری و تقوا نزدیکتر است.

من از هر مسلمانی که به احکام اسلام مختصر آشنایی داشته باشد می‌پرسم: آیا در این آیات حرفی وجود دارد که به آنچه در دادگاه‌های انقلاب به نام اسلام روی می‌دهد شباهت داشته باشد؟

۴ - شناساندن اسلام به صورت دین مصادره و غارت اموال مردم

آنطور که ستمگران ایران به نام اسلام مرتکب شده‌اند و رهبر انقلاب با گفته خود «اموال ثروتمندان از راه حرام به دست آمده و باید آن را به نفع مستضعفان مصادره کرد». آن را مورد تأیید قرار داده است و در نتیجه اموال بازرگانان و صاحبان صنایع به نفع مستضعفان مصادره گردید. اما این مستضعفین کدامند، خدا می‌داند!

ما اطلاع داریم که سازمان مستضعفان میلیونها خرج اوباش و چماقداران جهت سرکوبی گروه‌های مختلف سیاسی و مذهبی نموده در حالی که اسلام تصرف عدوانی اموال مردم را دزدی و غارت به شمار آورده و آیه شریفه می‌گوید: «یا ایها الذین امنوا لاتاکلوا اموالکم بینکم بالباطل» ای کسانی که ایمان آورده‌اید اموال خود را با پرهیزکاری و درستی در بین خود به مصرف رسانید.

۵ - شناساندن اسلام به

یادداشت‌های آیت‌الله زاده اصفهانی: انقلاب محنت بار (۵)

رژیم فعلی ایران به هیچ نحو با اسلام بستگی ندارد بلکه افترا و بدعت در اسلام است

خمینی، اسلام را به‌عنوان دین استبداد، جنگ، خونریزی، بیدادگری، دروغ و فریب به جهان شناساند

باز نشر

عنوان «انقلاب محنت بار» به چاپ رسید که به سرعت نایاب شد و دسترسی بدان آسان نیست. نسخه‌ای از این کتاب نایاب را یکی از دوستان در اختیار ما گذارده است که با سیاست از ایشان، بخش‌هایی از آن در چند شماره به نظر خوانندگان عزیز و علاقمندان به آشنائی بیشتر با حقایق تاریخی می‌رسد.

گرفت و لباس روحانیت را تا پایان عمر بر تن داشت.

او که از نزدیک شاهد تحولات منجر به روی کار آمدن وی در ایران بود، یادداشت‌هایی ارزنده راجع به این وقایع به زبان عربی از خود باقی گذاشته است. ترجمه فارسی این یادداشتها با

آیت‌الله حاج سید ابوالحسن اصفهانی، تا زمانی که از جهان رفت (نهم ذی‌الحجه ۱۳۶۵/ سیزدهم آبان ۱۳۲۵) رئیس حوزه و اعلم علمای شیعه و مرجع مسلم تقلید شمرده می‌شد. نوّه او، دکتر سید موسی اصفهانی علاوه بر تحصیلات حوزوی و کسب اجازه اجتهاد، از دانشگاه سوربن پاریس در رشته فلسفه دکترا



می‌کند و خداند در سوره حجرات می‌فرماید: «ولانجسسوا ولا یغتب بعضکم بعضا» تجسس نکنید و از غیبت کردن بپرهیزید.

و نتایج انتخابات با پیروزی علی خامنه‌ای به ریاست جمهوری با شانزده میلیون رای اعلام گردید. آیه شریفه در سوره بقره در این باره می‌گوید: «یخدعون الله والذین آمنوا و

او مردم را تشویق به شرکت در انتخابات و انتخاب کاندیدی خود «سید علی خامنه‌ای» نموده بودند و کلیه کارمندان دولت و کارگران را با استفاده از اتومبیل‌های دولتی به این کار واداشته بودند. لذا احمد خمینی

عنوان دین دروغ و فریب...

آنطور که رهبر انقلاب در پیش گرفت و بارها منکر خرید اسلحه از اسرائیل شد و نیز هنگامی که در برابر ملت ایران سوگند یاد کرد که نه او و نه اطرافیانش چشمداشتی به قدرت



و در سوره بقره می‌فرماید: «والفتنه اشد من القتل» فتنه گری از قتل بالاتر است.

مایخدعون الانفسهم» فریب می‌دهند خدا و کسانی را که ایمان آورده‌اند حال آنکه تنها خود را فریب می‌دهند.

فورا به وزارت کشور رفته و به وزیر کشور معمم، مهدوی کنی گفت: «اگر پدرم متوجه شود که مردم این چنین از شرکت در انتخابات خودداری نموده‌اند بلافاصله خواهد مرد، بنابراین برای نجات جان پدرم و حسن شهرت جمهوری اسلامی کاری بکنید.» شیخ کنی به عده‌ای از تقلب‌گران حرفه‌ای رژیم سابق متوسل شد و اینها طرف مدت کمتر از پنج ساعت با تخصصی که در این باره داشتند توانستند ۱۴ میلیون رای به آراء موجود در صندوق‌های انتخاباتی اضافه کنند. لذا معجزه مورد نظر احمد و اطرافیان خمینی به وقوع پیوست

و حکومت ندارند ولی پس از اینکه مملکت در برابر آنها تسلیم شد آن را ویران کردند، سیاست جمهوری اسلامی نیز با رفتار رهبران آن کاملاً مطابقت دارد و همه‌اش دروغ، فریب و دجالی است.

در اینجا داستانی را نقل می‌کنم که اکثر مردم ایران آن را می‌دانند و به جریان انتخابات سومین رئیس جمهوری مربوط می‌شود: چند ساعتی به پایان مدت تعیین شده برای انتخابات نمانده بود که نتایج نشان داد که تعداد شرکت‌کنندگان در انتخابات رئیس جمهوری از دو میلیون نفر تجاوز نکرده در حالی که خمینی و همه دستگاه‌های

۷ - شناساندن اسلام به عنوان دین دشنام و ناسزاگویی...

و این سیاست تبلیغاتی جمهوری اسلامی ایران است که مورد تأیید رهبر انقلاب قرار دارد که در نطق‌های خود زشت‌ترین کلمات را در حق رهبران اسلام و کشورهای عربی و مخالفین رژیم خود به‌کار می‌برد حال آنکه آیه شریفه می‌گوید:

«ولا تنا بزوا بالالقباب»

از دشنام دادن به یکدیگر بپرهیزید.

۶ - شناساندن اسلام به عنوان دین تجسس و فتنه‌گری...

همانطور که رهبر انقلاب دستور آن را داد و از پدر خواست که علیه فرزند خود و از مادران علیه فرزندان خود و از همسایگان علیه همسایگان جاسوسی کند تا رژیم حاکم به منویات مخالفین که خواهان سرنگونی آن هستند و همچنین محل اختفاء و تجمع آنها پی ببرد. آیه شریفه، تجسس و فتنه را نهی

۸ - شناساندن اسلام به عنوان دین تفرقه و اختلاف...

روشی که هیأت حاکمه ایران با تأیید رهبر انقلاب در پیش گرفته‌اند و رهبران کشورهای اسلامی را به صدور انقلاب به کشورهای آنان تهدید می‌کنند، حال آنکه اسلام دین وحدت و اتحاد بوده و اسلام بر پایه دو کلمه بنا شده است: توحید در عقیده و توحید در ایمان و توحید و کلمه. خداوند در سوره آل عمران می‌فرماید: «ولاتکونوا کالذین تفرقوا و اختلفوا» نباشید مانند آن کسانی که اختلاف را پیشه ساخته و از یکدیگر جدا شدند.

۹ - شناساندن اسلام به عنوان دین مخالف دانش و معرفت و تمدن...

همان طور که زمامداران نادان در پیش گرفته‌اند و رهبر انقلاب با دستور تعطیل کردن دانشگاهها و بیرون راندن دانشمندان از آن و ویران ساختن بناهای باستانی و فروش خزانه‌های گرانبهای باستانی آن را تأیید نمود. حال آنکه اسلام دین دانش و معرفت و تمدن است و کتاب مسلمانان تأکید بر لزوم آموزش می‌نماید و در آیه شریفه آمده است: «قل هل یستوی الذین یعلمون والذین لایعلمون» آیا دانایان و نادانان یکسانند؟!

۱۰ - شناساندن اسلام به عنوان دین ظلم و ستم و توحش...

و این سیاست ضد بشری است که طرفداران خمینی در حق ملت صلح‌جوی ایران در پیش گرفته‌اند از قبیل کشتار اقلیت‌های مذهبی مختلف و گروه‌های سیاسی مخالف رژیم و اعدام نوجوانان همانطور که بوکاسو دیکتاتور آفریقای مرکزی در حق مردم بیگناه مرتکب شد، حال آنکه اسلام دین رحمت و عدالت و فضیلت است. خداوند در آیه شریفه سوره آل عمران می‌فرماید: «ولتکن منکم امة یدعون الی الخیر و یأمرون بالمعروف» ملتی باشید که دعوت به نیکی و امر به معروف را پیشه سازید.

بدین ترتیب، به طور مؤکد ثابت می‌شود که این گروه به نام اسلام مرتکب اعمالی شده‌اند که مغایر دستور اسلام و رفتار پیامبر اکرم بوده و دلائل روشنی از قرآن شریف ذکر نمودیم که احدی نمی‌تواند منکر آن شود.

در اینجا می‌خواهم موضوع پراهمیتی را اضافه نمایم که شاید مفید به حال کسانی واقع شود که فریب دجالان حاکم را خورده‌اند و آن اینکه خمینی و اطرافیان او بیش‌تر اعلام می‌کنند که رژیم آنها مطابق اسلام و نمونه‌ای از حکومت دوران پیامبر اکرم است.

می‌خواهم از این گمراه شدگان سؤال کنم: میان رژیم حاکم در ایران و آنچه که در عهد پیامبر وجود داشت چه تشابهی وجود دارد و کجا در اسلام مقامهائی به نام رئیس جمهور و نخست وزیر، وزیران، رهبر انقلاب، مجلس نمایندگان، دادگاه‌های انقلاب، کمیته‌های انقلابی، اداره امنیت (ساواک) به جای ساواک سابق و دهها پستهای دیگر وجود داشت؟! نظام ریاستی و سازمانهای وابسته به آن یک نظام رومی قدیم است که پس از تغییراتی در محتوی، در اغلب کشورهای اروپائی برقرار گردید و در آغاز قرن بیستم پس از زوال امپراطوری عثمانی به کشورهای عربی و اسلامی نیز سرایت کرد. بنابراین رژیم فعلی ایران به هیچ نحوی با اسلام بستگی ندارد بلکه بدون شک، افترا و بدعت در اسلام است.

نظام حکومتی در صدر اسلام در شخص پیامبر اکرم یا خلیفه، سپس والی و قضات، سرباز و بیت‌المال خلاصه می‌شد در حالی که نظام فعلی ایران مخلوطی از هرج و مرج و استبداد و اجرای بعضی از قوانین مذهبی اسلام و تصویر ساختگی از دموکراسی غربی بوده و به دنبال آن مقامها و سمتهای به وجود آمده که در دکان هیچ عطار و بقالی پیدا نمی‌شود. **ادامه دارد**

دشواری‌های مربوط به آلودگی آب‌های زیرزمینی در ایران



سفره‌های آب اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. در مناطق خشک و نیمه‌خشک جنوب خاوری ایران، سفره‌های آب شیرین گاهی در کنار آب‌های با کیفیت پایین و دارای مواد جامد حل شده در آن، قرار دارند. در نتیجه، کیفیت آب با گذشت زمان رو به زوال می‌رود و در صورت مصرف ممکن است موجب بیماری شود. این سناریو می‌تواند با ذخیره‌سازی دائمی فاضلاب صنعتی و دفع پسماندهای مایع تشدید شود. زباله‌های خطرناک به راحتی می‌توانند به سمت پایین، به آب‌های زیرزمینی نفوذ کنند. نشت ناشی از این ذخیره سازی‌ها هم‌اکنون نیز به بروز حوادث جدی بر اثر آلودگی آب‌های زیرزمینی انجامیده است.

آلودگی تهران، یک مطالعه موردی

تهران، پایتخت ایران را می‌توان از نظر مساحت و جمعیت (بیش از ۱۴ میلیون تن) یکی از بزرگترین شهرهای جهان به شمار آورد. با این حال، این شهر عاری از یک سیستم فاضلاب اساسی و تأسیسات تصفیه مدرن است. در حال حاضر تنها ۱۰٪ فاضلاب شهر بطور منظم در ایستگاه‌های تصفیه محلی جمع‌آوری و تصفیه می‌شود و ۹۰٪ باقیمانده از طریق چاه‌های حفر شده به آب‌های زیرزمینی نفوذ می‌کند و یا مستقیم بطور عادی وارد چرخه آب زیرزمینی می‌شود و باعث آلودگی گسترده آب‌های زیرزمینی می‌گردد. با رشد سریع جمعیت در تهران و افزایش همزمان تقاضا برای آب خانگی و آشامیدنی، استفاده از آب‌های زیرزمینی تصفیه نشده و آلوده در حال افزایش است. بدون شک، این استفاده غیربهداشتی از آب‌های زیرزمینی، تهدیدی برای تندرستی و بهداشت عمومی است.

ظاهراً طرحی برای جمع‌آوری و تصفیه فاضلاب‌ها برای تهران بزرگ توسط تعدادی از مشاوران داخلی و خارجی به مدت طولانی مورد مطالعه و ارزیابی قرار گرفته است، اما گفته شده به دلیل نبود بودجه و دلایل نامشخص دیگر تا کنون این پروژه به مرحله اجرا در نیامده است. به توجه به درآمدهای هنگفت نفتی که رژیم حاکم در ایران در سال‌های پیش از برقراری تحریم‌ها بطور مرتب از آن برخوردار می‌شد و همچنین با تکیه بر غیرعملی بودن این پروژه در مدت زمان کوتاه و ابعاد نامحدود آن، بانک جهانی نیز از اعطای وام برای اجرای این پروژه خودداری کرد.

در حال حاضر فاضلاب خانگی و صنعتی در شهر تهران و پیرامون آن، از طریق چاه جمع‌آوری می‌شود. ادامه نفوذ فاضلاب به درون چاه‌ها، به همراه مملو شدن مجدد آب‌های زیرزمینی از طریق آب باران، باعث بالا رفتن تدریجی سفره آب در تهران بزرگ شده تا جایی که فاضلاب در تماس مستقیم با آب‌های زیرزمینی به ویژه در بخش جنوبی شهر قرار دارد. در این بخش از شهر، فاضلاب خانگی بطور مداوم وارد آب‌های زیرزمینی شده و با آب زیرزمینی موجود مخلوط می‌شود. علاوه بر این، سطح بالای آب به ویژه باعث کاهش لایه رگولیت «سنگهای پوسیده شده» می‌شود که می‌تواند به عنوان فیلتر طبیعی برای تصفیه فاضلاب عمل کند؛ بدین ترتیب آب‌های آلوده و در بعضی موارد پسماندهای خام با عبور از این فیلتر نازک «رگولیت» مستقیم وارد آب‌های زیرزمینی می‌گردند و این آب‌های آلوده از طریق چاه‌های کم‌عمق و نیمه‌عمیق به سیستم توزیع آب منتقل می‌شوند.

بخش قابل توجهی از این منبع ارزشمند به دلیل ناآگاهی، سهل‌انگاری و بدون شک مدیریت ضعیف دستگاه‌های مسئول دولتی در ایران، آلوده شده است. نزدیک به دو دهه است که وجود عناصر رادیواکتیو نیز خطر مضاعف را برای مصرف‌کنندگان آب در برخی مناطق کشور ایجاد کرده است.

صنعت نفت ایران و استفاده زیاد از فرآورده‌های نفتی توسط شهروندان در مناطق پرجمعیت غربی و شمالی کشور در حال حاضر از دلایل عمده آلودگی آب‌های زیرزمینی و همچنین هوا است.

تهران، پایتخت ایران را می‌توان از نظر مساحت و جمعیت (بیش از ۱۴ میلیون تن) یکی از بزرگترین شهرهای جهان به شمار آورد. با این حال، این شهر عاری از یک سیستم فاضلاب اساسی و تأسیسات تصفیه مدرن است. در حال حاضر تنها ۱۰٪ فاضلاب شهر بطور منظم در ایستگاه‌های تصفیه محلی جمع‌آوری و تصفیه می‌شود و ۹۰٪ باقیمانده از طریق چاه‌های حفر شده به آب‌های زیرزمینی نفوذ می‌کند و یا مستقیم بطور عادی وارد چرخه آب زیرزمینی می‌شود و باعث آلودگی گسترده آب‌های زیرزمینی می‌گردد.

دکتر منصور کشفی - در مناطق خشک و نیمه‌خشک جهان، از جمله در برخی مناطق ایران، آب‌های زیرزمینی، مهمترین منبع آب برای مصارف خانگی، کشاورزی و صنعتی است. افزایش جمعیت و نتایج افزایش مصرف منابع در ایران بر حجم زباله‌هایی که دفع آنها ضروری است افزوده است. دفع نامناسب و بدون برنامه‌ریزی زباله‌ها، به نوبه خود، معمولاً به افزایش آلودگی منجر می‌شود.

قسمت اعظم آب‌های موجود در فلات ایران کاملاً آشامیدنی نیست، حتی آب‌های آشامیدنی با معیارهای موجود برای «آب خالص» مطابقت ندارد زیرا معمولاً حاوی انواع مواد گوناگون شیمیایی است، به ویژه در مناطق صنعتی و پر جمعیت که میزان آلودگی محیط بسیار زیاد است. بررسی سفره‌های زیرزمینی آب در اکثر پالایشگاه‌های ایران، وجود نفت خام و فرآورده‌های نفتی تصفیه شده را نشان می‌دهد. بنابراین، در ارزیابی منابع آب در شهرهای بزرگ ایران باید کیفیت آب بطور عمده در نظر گرفته شود.

بخش قابل توجهی از این منبع ارزشمند به دلیل ناآگاهی، سهل‌انگاری و بدون شک مدیریت ضعیف دستگاه‌های مسئول دولتی در ایران، آلوده شده است. نزدیک به دو دهه است که وجود عناصر رادیواکتیو نیز خطر مضاعف را برای مصرف‌کنندگان آب در برخی مناطق کشور ایجاد کرده است. بطور طبیعی، هنگامی که بارش باران به سطح زمین می‌رسد، جدا از هرگونه آلودگی ناشی از فعالیت‌های انسانی، مواد شیمیایی بیشتری را در برخورد با سنگ‌ها، خاک و بقایای مواد آلی در خود حل می‌کند.

بسیاری از مواد شیمیایی مصنوعی که حتی در حداقل غلظت‌ها نیز سمی هستند، از طریق دفع نادرست زباله به داخل آب نشت کرده‌اند. این امر به درستی، نگرانی‌های زیادی را در مناطق مختلف ایران برانگیخته است اما متأسفانه مسئولان رژیم اسلامی نسبت به آن بی‌اعتنا بوده‌اند.

منابع آلودگی آب‌های زیرزمینی

صنعت نفت ایران و استفاده زیاد از

۱۵ خرداد ۱۳۴۲ شورشی علیه دولت مشروطه



شاه و خمینی؛ گذشته به آینده‌ی ایران تبدیل شد!

چند بار از نیروهای پلیس استفاده کرد و درگیری‌ها به خشونت انجامید. مهمترین این درگیری‌ها در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ رخ داد که به شورشی کور در مرکز شهر تهران انجامید. محرک شورش، دستگیری خمینی بود که دو روز پیش از آن سخنان شدید و تهدیدآمیزی علیه نظام سخنان خمینی در دهم محرم چکیده دیدگاه‌های مخالفان برای مرعوب کردن نظام مشروطیت و متوقف کردن گردونه پیشرفت و ترقی بود. فرازهایی از آن سخنان خمینی چنین است:

۱- [نظام] با اساس اسلام و روحانیت مخالفند. اینها می‌خواهند این اساس موجود نباشد.
۲- اسرائیل نمی‌خواهد در این مملکت قرآن باشد، اسرائیل نمی‌خواهد در این مملکت علما آراء، اسرائیل... به دست عمال خود مدرسه فیضیه را کویید... دولت ایران به تبعیت از اغراض نقشه‌های اسرائیل به ما اهانت کرده و می‌کند.
۳- آن روز که آن رفراوند غلط، مخالفان خود را در پس قانون اساسی پنهان می‌کردند و انجام اصلاحات ارضی و برابری حقوقی زنان و مردان را نقض قانون اساسی نشان می‌دادند. در این سال‌ها مخالفان پیشرفت و ترقی ایران از زبان روحانیت نیت خود را بیان می‌کردند. از مهمترین واکنش‌ها در مخالفت با اصلاحات، اطلاعیه است که از سوی ۹ نفر از روحانیون شناخته شده صادر شد و در آن با استدلال حقوقی مغایرت تصمیمات دولت با شرع و قانون اساسی بیان گردید.

از جمله امضاکنندگان این نامه طولانی محمد رضا موسوی گلپایگانی، سید کاظم شریعتمداری، روح‌الله خمینی و محمد حسین طباطبایی بودند که دو روحانی نخستین از مراجع شیعه به حساب می‌آمدند. این روحانیون از نظر شخصیت، جایگاه دینی و پایگاه و مناسبات اجتماعی با یکدیگر تفاوت‌های فراوان داشتند. امضای این طیف متنوع المشرب در اعلامیه‌های واحد بیانگر آن بود که در میان مخالفان اصلاحات برای مقابله با نظام قانونی کشور هماهنگی وسیع به وجود آمده است. در این بیانیه دولت متهم می‌گردد که با اصلاحات ارضی و اعطای حق مشارکت سیاسی به زنان بر خلاف قانون اساسی و قوانین شرع عمل کرده است (اعلامیه علمای ۲۹۶-۳۰۲ نهضت امام خمینی - سید حمید روحانی).

«نهضت آزادی» به رهبری بازرگان که یکسال پیش از این با تأیید مصدق تأسیس شده بود، اعلامیه‌ای به موازات بیانیه روحانیون صادر کرد و برنامه اصلاحات دولت را به تمسخر گرفت: «دولت با این عمل خود چه خواب تازه‌ای برای مردم دیده. چه قصدی دارد؟» (منبع بالا). در اطلاعیه «نهضت آزادی» مصدق رهبر واقعی مردم نامیده شد و کل اصلاحات مورد نظر دولت پوچ و بی‌محتوا و صرفاً برای فریب مردم معرفی گردید.

دولت در سال‌های ۴۱ و ۴۲ بارها برای متقاعد کردن روحانیون، نمایندگان به قم اعزام کرد. مخالفان تلاش دولت را برای مذاکره حمل بر ضعف دولت می‌کردند و بر فعالیت‌های خود زیر پوشش به خطر افتادن دین اسلام شدت بیشتری می‌دادند. در این میان دولت برای اعاده امنیت

آسمانی خویش سوگند یاد کنند. به این ترتیب شأن همه مذاهب در برابر قانون یکسان می‌گردید. شاه در پیشبرد اصلاحات اجتماعی و شکستن مقاومت دشمنان اصلاحات در مقام بالاترین نهاد مشروطیت به وظایف قانونی خویش عمل می‌کرد. او در کنگره انجمن‌های استان‌ها و شهرستان‌ها درباره رابطه اصلاحات ارضی و مشروطیت می‌گوید: «هدف عالی اصلاحات ارضی، رسیدن به مشروطیت و دموکراسی حقیقی، و رسیدن به اجتماعی بر اساس عدالت است که در آن آثار ارتجاع و خیانت و اجنبی‌پرستی وجود نداشته باشد» (یادداشت‌های علم ج ۲). شاه همچنین در ۱۹ دی‌ماه ۱۳۴۱ در کنگره ملی کشاورزان در ضرورت انجام اصلاحات می‌گوید: «هیچ عملی از کارهایی که امروز انجام می‌دهیم از جمله آزاد ساختن رعیت اسیر و بدبخت ایران از زنجیر اسارت و مالک کردن ۱۵ میلیون جمعیت کشور در زمینی که در آن کار می‌کند مورد پسند خدا نخواهد بود.»

مخالفان مشروطیت ایران مخالفت‌های خود را در پس قانون اساسی پنهان می‌کردند و انجام اصلاحات ارضی و برابری حقوقی زنان و مردان را نقض قانون اساسی نشان می‌دادند. در این سال‌ها مخالفان پیشرفت و ترقی ایران از زبان روحانیت نیت خود را بیان می‌کردند. از مهمترین واکنش‌ها در مخالفت با اصلاحات، اطلاعیه است که از سوی ۹ نفر از روحانیون شناخته شده صادر شد و در آن با استدلال حقوقی مغایرت تصمیمات دولت با شرع و قانون اساسی بیان گردید.

از جمله امضاکنندگان این نامه طولانی محمد رضا موسوی گلپایگانی، سید کاظم شریعتمداری، روح‌الله خمینی و محمد حسین طباطبایی بودند که دو روحانی نخستین از مراجع شیعه به حساب می‌آمدند. این روحانیون از نظر شخصیت، جایگاه دینی و پایگاه و مناسبات اجتماعی با یکدیگر تفاوت‌های فراوان داشتند. امضای این طیف متنوع المشرب در اعلامیه‌های واحد بیانگر آن بود که در میان مخالفان اصلاحات برای مقابله با نظام قانونی کشور هماهنگی وسیع به وجود آمده است. در این بیانیه دولت متهم می‌گردد که با اصلاحات ارضی و اعطای حق مشارکت سیاسی به زنان بر خلاف قانون اساسی و قوانین شرع عمل کرده است (اعلامیه علمای ۲۹۶-۳۰۲ نهضت امام خمینی - سید حمید روحانی).

«نهضت آزادی» به رهبری بازرگان که یکسال پیش از این با تأیید مصدق تأسیس شده بود، اعلامیه‌ای به موازات بیانیه روحانیون صادر کرد و برنامه اصلاحات دولت را به تمسخر گرفت: «دولت با این عمل خود چه خواب تازه‌ای برای مردم دیده. چه قصدی دارد؟» (منبع بالا). در اطلاعیه «نهضت آزادی» مصدق رهبر واقعی مردم نامیده شد و کل اصلاحات مورد نظر دولت پوچ و بی‌محتوا و صرفاً برای فریب مردم معرفی گردید.

دولت در سال‌های ۴۱ و ۴۲ بارها برای متقاعد کردن روحانیون، نمایندگان به قم اعزام کرد. مخالفان تلاش دولت را برای مذاکره حمل بر ضعف دولت می‌کردند و بر فعالیت‌های خود زیر پوشش به خطر افتادن دین اسلام شدت بیشتری می‌دادند. در این میان دولت برای اعاده امنیت

شاه: هیچ عملی از کارهایی که امروز انجام می‌دهیم از جمله آزاد ساختن رعیت اسیر و بدبخت ایران از زنجیر اسارت و مالک کردن ۱۵ میلیون جمعیت کشور در زمینی که در آن کار می‌کند مورد پسند خدا نخواهد بود.

خمینی: ای آقای شاه، ای جناب شاه من به تو نصیحت می‌کنم دست از این اعمال و رویه بردار!

احمد تاج‌الدینی - انقلاب مشروطیت ایران در بافت دولت تاریخی ایران تغییراتی اساسی ایجاد کرد. مطابق با قانون اساسی، ساخت دولت استبدادی دگرگون گردید و شکل جدیدی از دولت که انتقال قدرت را به مردم ممکن می‌ساخت ایجاد شد. هدف از تغییر در ساخت دولت آن بود که شرایط قانونی برای توزیع قدرت به صورت دموکراتیک فراهم گردد، تا از آن طریق موانع رشد و ترقی از پیش پای ملت برداشته شود. موانع ریشه‌دار رشد اجتماعی و اقتصادی در کشور فراوان بود، از جمله آنها استبداد سلطنتی، نظام ارباب و رعیتی و نیز روحانیونی که از آن مناسبات کهنه و منسوخ پاسداری می‌کردند.

قانون اساسی مشروطیت چارچوب حقوقی ضرور را برای هدایت تضادهای اجتماعی به مجرای قانونی و مسالمت‌آمیز فراهم می‌کرد. اما ارتجاع ریشه‌دار و پر نفوذ در ایران هرگز به تساوی حقوق خود با شهروندان دیگر گردن‌نذاشت و تا توانست در راه حکومت قانون و مشروطیت اختلال می‌کرد. به توپ بستن مجلس شورای ملی، جلوگیری از بازگشت احمدشاه قاجار به ایران برای انجام وظیفه قانونی، با وجود تلاش‌های مکرر سردار سپه برای بازگرداندن او از فرنگ، مخالفت با سردار سپه در اعلام جمهوری، اشغال کرسی‌های مجلس شورای ملی به وسیله خوانین و زمینداران بزرگ و جلوگیری از تصویب قوانین اصلاحات ارضی و اجتماعی، جلوگیری از توسعه مدارس و نظام آموزش جدید، مخالفت با مشارکت زنان در امور اجتماعی و سیاسی، بخشی از اختلال و خرابکاری‌های آنها بود.

تصمیم به دگرگونی

در بین سال‌های ۱۳۳۹ تا ۱۳۴۲ دولت مشروطه مصمم گردید که اهداف موق سیاسی و اجتماعی مشروطیت را تحقق بخشد. اصلاحات ارضی که از زمان مشروطیت از جمله برنامه‌های «حزب دموکرات» بود در دستور کار قرار گرفت. از اهداف روشن قانون اساسی مشروطیت تساوی همه آحاد ملت اعم از زن و مرد بود. تا سال ۱۳۴۱ زنان بر خلاف قانون اساسی از حق رای دادن و انتخاب کردن و انتخاب شدن در مجلس شورای ملی محروم مانده بودند. دولت با تصویب لایحه اصلاحی قانون انجمن‌های ایالتی و ولایتی امکان مشارکت زنان را در انتخابات تصریح کرد. گام دیگر دولت، عینیت بخشیدن به وجهه سکولار قوه مقننه بود. به این منظور قید سوگند به قرآن در مراسم تحلیف نمایندگان مجلس شورای اسلامی اصلاح شد و مقرر گردید که نمایندگان به کتاب

رشد اقتصادی «نزدیک به صفر» در دو دولت حسن روحانی



حدود ۲۰ درصد بر تورم پیش‌بینی شده برای سال‌های ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ خواهد افزود. سوی دیگر عباس آخوندی وزیر پیشین راه و شهرسازی دولت روحانی اعلام کرده که کسری بودجه واقعی دولت معادل ۷۰ درصد لایحه بودجه است. به معنای دیگر دولت برای ۷۰ درصد از هزینه‌های پیش‌بینی شده برای سال جاری، با بحران منابع روبرو است. عباس آخوندی توضیح داده که «جمع منابع عمومی دولت پیش‌بینی شده در قانون بودجه ۱۳۹۹ معادل ۵۷۱ هزار میلیارد تومان است که بر اساس محاسبه صورت گرفته دست‌کم ۲۱۰ هزار میلیارد تومان معادل ۳۶.۸ درصد کسری روبرو است.»

او افزوده که «این رقم، با فرض اینست که تمام ارقام پیش‌بینی شده در ردیف‌های واگذاری دارایی‌های مالی ۱۰۰ درصد محقق شوند. حال اگر کسری ناشی از درآمدهای اختصاصی برابر با ۳۰ هزار میلیارد تومان که دولت اضافه شود کسری بودجه با این رقم ۲۴۰ هزار میلیارد تومان و معادل ۴۲ درصد برابر خواهد شد. ولی واقعیت این است که ۹۳ درصد ردیف درآمدهای حاصل از واگذاری دارایی‌های مالی کسری و ناشی از مجوز استقراض عمومی یا وام از صندوق است و چنانچه آن نیز به کسری‌ها اضافه شود، کسری واقعی بودجه معادل ۷۰ درصد است. این به این معناست که جمع منابع عمومی دولت که قابل اعتناست تنها ۲۰۲ هزار میلیارد تومان است.»

کامران ندری اقتصاددان نیز ارزیابی کرده که اقتصاد ایران در سال ۹۹ «با کسری بودجه دولت، رشد بالای نقدینگی و رشد بازار ارز» روبرو خواهد بود و «مهمترین چالش که با شیوع ویروس کرونا شدیدی‌تر نیز شده، تورم مهم‌ترین چالش اقتصاد کشور در سال جاری خواهد بود.»

کامران ندری گفته که «در سال ۹۸ روند رشد سرمایه‌گذاری در اقتصاد منفی بوده که نشانه خوبی نیست، عمده‌های سال گذشته منفی بود که باعث شد وضعیت از آن چیزی که روندها نشان می‌دادند بدتر شود. بر اساس روندها در سال ۹۹ رشد اقتصادی قابل ملاحظه‌ای را نخواهیم داشت و ممکن است دستخوش شوک‌های مثبت و منفی شود، بنابراین روند سرمایه‌گذاری منفی خواهد بود.» او همچنین پیش‌بینی کرده که در سال جاری افزایش تورم، کاهش تقاضا و افزایش رکود در اقتصاد ایران رخ خواهد داد: «از سوی دیگر نیز رشد نقدینگی در یک دهه گذشته به نسبت بالا بوده و پیش‌بینی می‌شود این رشد در سال ۹۹ نیز ادامه داشته باشد که نشان می‌دهد تورم نیز در سال ۹۹ خواهد داشت. طبیعتاً با نرخ رشد منفی اقتصادی، کم شدن قدرت خرید، پایین آمدن سطح مصرف و کم شدن توان دولت در هزینه‌های عمرانی، تقاضا کل نیز احتمالاً افت قابل ملاحظه‌ای داشته باشد؛ همه این اتفاقات نشان می‌دهد در سال پیش رو علاوه بر اینکه تورم داریم رکود نیز وجود خواهد داشت.» همه این عوامل نشان می‌دهد رشد اقتصادی کشور در سال جاری وضعیتی نامطلوب خواهد داشت و بعید است سیاست‌های اقتصادی دولت روحانی بتواند در آخرین سال فعالیت دولت دوازدهم وضعیت رشد اقتصادی کشور را متناسب با برنامه توسعه ششم توسعه افزایش دهد.

«لاتاری»؛ راهکار وزارت صمت برای ساماندهی بازار اتومبیل

راهاندازی لاتاری خرید خودرو، کاهش انتقادهای مردمی از وجود فساد عمیق در فرایند فروش است. طرح اخیر با زیرکی تمام، تلاش کرده نه با افزایش عدالت، بلکه با کاهش شدید شفافیت در معامله، مشتریان عصبانی را با وعده مشارکت در قرعه‌کشی بازی دهد.»

مرتضی مصطفوی دیگر کارشناس صنعت اتومبیل‌سازی نیز معتقد است: «مشکل اصلی بازار خودرو، عرضه محصولات نیست؛ بلکه بحث تقاضا است؛ یعنی شاهد رشد روزافزون تقاضا هستیم که بخش اعظم آن تقاضای سرمایه‌ای و غیرمصرفی است و با صف‌های خرید مواجهیم.»

مرتضی مصطفوی افزوده است که «مسئولان وزارت صنعت تاکید بر عرضه خودرو دارند و با تصمیمات هیچ اتفاق خاصی رخ نمی‌دهد؛ زیرا ظرفیت و میزان تولید توسط خودروساز مشخص است لذا فشار روی خودروساز برای عرضه بیشتر جز تولید خودروهای بی‌کیفیت و مرجوعی حاصلی ندارد.» این کارشناس صنعت اتومبیل در مورد راهکارهای ساماندهی بازار اتومبیل نیز معتقد است: «مشکل تقاضا در بازار خودرو، بحث سوداگری است نه سوداگر. باید با انگیزه دلالی در بازار مقابله شود نه دلال، تا بتوان هجوم نقدینگی در بازار خودرو را مدیریت کرد زیرا همه می‌توانند دلال باشند.» مصطفوی همچنین تاکید کرده که «موضوع پیش‌فروش فوق العاده خودرو براساس قرعه‌کشی که نوعی لاتاری است، به نظر خنده دارترین سیاست‌ها است زیرا هیچ تضمینی نیست که در این روش مصرف‌کننده واقعی (اصلی) بتواند خودرو بخرد؛ موضوع دوم به باعث تحریک تقاضا خفته در بازار شده لذا بجای مدیریت تقاضا، آن را افزایش می‌دهند.»



«تجارت نیوز» نوشته است که «پیش‌فروش خودرو با این روش اثر چندانی بر کاهش قیمت معاملاتی خودرو در بازار ندارد؛ چرا که میزان عرضه خودرو تغییر نکرده و اختلاف عرضه و تقاضا کماکان پابرجاست. از سوی دیگر تراز مالی منفی خودروسازان و بدهی‌های بزرگ آنها به قطعه‌سازان، واردکنندگان و سیستم بانکی به شدت گردش مالی آنها را مختل کرده و سرازیر شدن مبلغ کل خرید خودرو با وعده تحویل حداقل سه ماه عملاً کمک بزرگی به ادامه‌ی حیات غیراقتصادی و آلوده ۷۵۰۰۰ خودروی دیگر با مهلت تحویل یک ساله نیز تکرار خواهد شد. بر اساس گزارش‌ها بیش از یک میلیون متقاضی در لاتاری فروش اتومبیل جمهوری اسلامی شرکت کرده‌اند. از دید کارشناسان «اختلاف قیمت خودرو در کارخانه و بازار» و همچنین «اختلاف بیش از چهل درصدی میزان عرضه و تقاضا در بازار خودرو» علت استقبال مردم از این طرح عجیب است. آرش رازانی کارشناس صنعت اتومبیل در یادداشتی در وبسایت

بر اساس شماره کارت ملی خود تنها می‌تواند یک دستگاه اتومبیل خریداری کند و محدودیتی برای ثبت نام اتومبیل برای کودکان قائل شده است. مقامات دولتی تصور می‌کنند با گذاشتن چنین پیش‌شرط‌هایی و اعلام نام متقاضیان پذیرفته شده طی ادعای انجام قرعه‌کشی، می‌توانند از سوداگری مافیایها در طرح پیش‌فروش جلوگیری کنند. قرعه‌کشی فعلی برای فروش ۲۵۰۰۰ خودرو با شرایط تحویل حداکثر سه ماهه صورت گرفته و وزارت صمت اعلام کرده که به زودی این روش برای واگذاری خودروی دیگر با مهلت تحویل یک ساله نیز تکرار خواهد شد. بر اساس گزارش‌ها بیش از یک میلیون متقاضی در لاتاری فروش اتومبیل جمهوری اسلامی شرکت کرده‌اند. از دید کارشناسان «اختلاف قیمت خودرو در کارخانه و بازار» و همچنین «اختلاف بیش از چهل درصدی میزان عرضه و تقاضا در بازار خودرو» علت استقبال مردم از این طرح عجیب است. آرش رازانی کارشناس صنعت اتومبیل در یادداشتی در وبسایت

● **متقاضیان بدون واریز وجه نقد، در سامانه‌های معرفی شده توسط شرکت‌های اتومبیل‌سازی شرکت می‌کنند و سپس با قرعه‌کشی از میان ثبت‌نام شدگان، تعدادی برای پیش‌فروش اتومبیل اعلام می‌شوند.**

پس از رسوایی درباره تقلب گسترده رانتخواران در طرح‌های پیش‌فروش اتومبیل که با همکاری افرادی در وزارت صنعت، معدن و تجارت صورت گرفته بود، مقامات دولت طرح قرعه‌کشی پیش‌فروش اتومبیل را اجرا کردند. علت اجرای این طرح از سوی وزارت صنعت، معدن و تجارت به دلیل افزایش قیمت اتومبیل طی ماه‌های گذشته، ادعای شرکت‌های اتومبیل‌سازی به داشتن بحران‌های شدید مالی و نقدینگی و همچنین تلاشی برای جلوگیری از سایه انداختن مافیایهای بازار اتومبیل بر سر طرح‌های پیش‌فروش اتومبیل اعلام شده است.

مدتهاست هنگامی که شرکت‌های اتومبیل‌سازی اقدام به پیش‌فروش اتومبیل می‌کنند، در نخستین لحظات باز شدن وبسایت‌های معرفی شده برای ثبت‌نام متقاضیان، ظرفیت تکمیل و هزاران اتومبیل در طی تنها چند ثانیه پیش‌فروش می‌شود. اکنون در طرحی که به ابتکار مقامات وزارت صمت اجرا شده و ساز و کاری مشابه «لاتاری» دارد متقاضیان بدون واریز وجه نقد، در سامانه‌های معرفی شده توسط شرکت‌های اتومبیل‌سازی شرکت می‌کنند و سپس با قرعه‌کشی از میان ثبت‌نام شدگان، تعدادی برای پیش‌فروش اتومبیل اعلام می‌شوند. وزارت صمت اعلام کرده هر فرد

رکوردشکنی مصرف برق در آخرین ماه بهار



زمانی استفاده نمی‌کردند، به جمع مصرف‌کنندگان برق در «پیک» مصرف اضافه شوند. علی بخشی افزوده که «کارمندان به واسطه دورکاری با حضور همزمان در خانه و هم اداره‌ها مصرف برق دو برابری خواهند داشت. این موضوع منجر به مصرف موازی برق در خانه و محل کار شده است. به اعتقاد او به جای اینکه یک سمت مصرف‌کنندگان (ادارات یا خانگی) به خصوص در پیک ظاهر حذف شوند، حضور در خانه باعث مصرف موازی و ایجاد تقاضا برای برق در دو طرف شده است.»

رئیس هیئت مدیره سندیکای صنعت برق ایران سومین پارامتر تاثیرگذار بر مصرف برق را «پلاتفرم‌های دورکاری» ارزیابی کرده است: «مصرف آنها خیلی قابل توجه نیست اما در مجموعه کشور می‌تواند عدد قابل توجهی باشد. در اینجا بازهم دو مصرف موازی شکل گرفته است. شما باید یک پلت‌فرم در خانه داشته باشید و یک پلت‌فرم در محل کار. ترکیب این سه آیتم باعث شده مصرف برق در خردادماه خود را این‌گونه نشان دهد.»

مصطفی رجبی مشهدی سخنگوی صنعت برق ایران نیز به روزنامه «دنیای اقتصاد» گفته است که «افزایش یکباره و بی سابقه مصرف برق، فشار بیشتری به شبکه‌ها وارد می‌کند که به لحاظ فنی می‌تواند اشکالاتی را در شبکه‌های برق ایجاد کند.» سخنگوی صنعت برق ایران افزوده که «تا کنون ظرفیت اسمی نیروگاهی کشور از ۸۳ هزار مگاوات عبور کرده و بیش از ۹۰ درصد از تعمیرات و اورهال نیروگاه‌ها نیز خاتمه یافته است. تعمیرات کمتر از ۱۰ درصد از نیروگاه‌ها هم باقی مانده که به دلیل محدودیت‌هایی از جمله نقدینگی صنعت برق و تعویق برخی برنامه‌ها به دلیل کرونا به تاخیر افتاده است. بر اساس زمان‌بندی‌های انجام شده امیدواریم تا ابتدای تیرماه عمده تعمیرات نیروگاه‌ها خاتمه یابد و در مدار تولید قرار گیرند.»

ابتدای سال تا کنون نیز رشد ۴ درصدی مصرف انرژی ثبت شده است. قابل توجه اینکه معمولاً افزایش مصرف و ثبت رکورد در این‌باره معمولاً هر ساله در تابستان رخ می‌داد اما امسال از اردیبهشت‌ماه مصرف برق روندی افزایشی را تجربه کرد. به گزارش روزنامه «دنیای اقتصاد» تحلیلگران صنعت برق معتقدند «افزایش مصرف خانگی به دلیل خانه‌نشینی و قرنطینه» و «پلاتفرم‌های دورکاری» باعث مصرف موازی برق در «خانه» و «محل کار» شده و رکوردزنی مصرف برق پیش از آغاز تابستان ۹۹ را در پی داشته است. علی بخشی رئیس هیئت مدیره سندیکای صنعت برق ایران معتقد است تغییر رویه مصرف برق به چند پارامتر باز می‌گردد. پارامتر اول این است که امسال هوا زودتر گرم شده و شدت دما نسبت به سال‌های گذشته بیشتر شده است. قاعدتاً این موضوع روی افزایش مصرف برق تاثیر قابل توجهی خواهد داشت. پارامتر دوم که در افزایش مصرف برق تاثیرگذار بوده افزایش خانه‌نشینی و سبک جدید فعالیت‌ها به نام «دورکاری» است. بررسی‌ها نشان می‌دهد مراجعه به خارج از خانه بسیار کمتر شده و همین موضوع باعث شده افرادی که «تایم» روزانه (صبح تا بعدازظهر) سر کار بودند و از برق خانگی در این بازه

کارشناسان شرکت توزیع برق منطقه‌ای برآورد کرده‌اند که هر یک درجه افزایش دمای هوا تا حدود ۱۵۰۰ مگاوات به مصرف برق اضافه می‌کند. بر اساس اعلام این سازمان یکی از دلایل عمده افزایش مصرف برق استفاده از وسایل سرمایشی است و با توجه به میزان بالای مصرف برق سیستم‌های سرمایشی، مشترکان می‌توانند با تنظیم دمای کولرهای گازی خود روی ۲۴ تا ۲۵ درجه در تامین مطمئن برق سهم بسزایی داشته باشند. ساعت‌های اوج مصرف از ساعت ۱۳ تا ۱۷ اعلام شده و از مصرف‌کنندگان خواسته شده در این ساعات از دور کند کولر آبی استفاده کنند، دمای ترموستات کولر گازی را روی عدد ۲۴ درجه قرار دهند و از وسایل پرمصرف مانند ماشین لباسشویی، ظرفشویی و اتو بخار در این ساعات استفاده نکنند. مصرف بالای برق طی هفته‌های گذشته موجب شد شرکت توزیع برق منطقه‌ای هشتم خردادماه اعلام کند که مشترکان برق اگر به میزان ۱۰ درصد مصرف برق خود را مدیریت کنند دو برابر پاداش خوش‌مصرفی دریافت خواهند کرد. مصرف برق تا ابتدای هفته جاری نیز ۱۲.۸ درصد نسبت به مدت مشابه سال گذشته افزایش یافته بود و از

● **مصرف برق تا ابتدای هفته جاری ۱۲.۸ درصد نسبت به مدت مشابه سال گذشته افزایش یافته بود و از ابتدای سال تا کنون نیز افزایش ۴/۲ درصدی مصرف انرژی ثبت شده است.**

● **«افزایش مصرف خانگی به دلیل خانه‌نشینی و قرنطینه» و «پلاتفرم‌های دورکاری» باعث مصرف موازی برق در «خانه» و «محل کار» شده و رکوردزنی مصرف برق پیش از آغاز تابستان ۹۹ را در پی داشته است.**

در شرایطی که شیوع کرونا مصرف برق در بسیاری از کشورها با کاهش چشمگیری روبرو کرده، مصرف برق در ایران رکورد تازه‌ای را ثبت کرده است. مصرف برق در ایران روز سه‌شنبه ۱۳ خردادماه رکورد تازه‌ای را ثبت کرد و از مرز ۵۳ هزار مگاوات گذشت. گرمای هوا و استفاده از وسایل خنک‌کننده علت اصلی افزایش این حجم برق عنوان شده است. میزان مصرف برق روز گذشته نسبت به مدت مشابه پارسال که ۴۸ هزار و ۵۱ مگاوات بود افزایش ۴۹۵۶ رقیمی اعلام شرکت مدیریت شبکه برق ایران نشان می‌دهد میزان ذخیره نیروگاه‌ها روز گذشته کاهش یافته و به رقم ۶۹۹ مگاوات رسید. مصرف برق صنایع نیز روز گذشته افزایش چشمگیری یافت و به رقم ۵۰۴۶ مگاوات رسید در حالی که در دو ماه اخیر میزان مصرف این بخش حدود ۴۰۰۰ مگاوات بوده است. این در حالیست که میزان برق تولید شده از منابع تجدیدپذیر هم به رقم ۴۱۷۱ مگاوات افزایش یافت.

تاکسیرانان تهران: کرونا نه می‌داند و نه می‌فهمد که شرمندگی پیش زن و بچه یعنی چه!

• بسیاری از رانندگان تاکسی تازه در هنگام ثبت نام بیمه بیکاری، فهمیدند که برخلاف بیمه‌پردازان اجباری، مشمول دریافت مقرری بیکاری نمی‌شوند و باید آستین‌ها را بالا بزنند و به قول خودشان از کف خیابان پول در آورند.

• نرخ رسمی تورم در انتهای سال گذشته حدود ۴۰ درصد اعلام شده در حالی که حداکثر افزایش نرخ تاکسی ۲۵ درصد تصویب و ابلاغ شده است.

حمل و نقل درون‌شهری یکی از بخش‌هایی است که با شیوع کرونا آسیبی جدی دیده و فعالان این صنف با کاهش شدید درآمد روبرو هستند. در همین حال آنها از نبود حمایت‌های بیمه‌ای و معیشتی انتقاد دارند. علیرضا قنادان مدیرعامل سازمان تاکسیرانی شهرداری تهران اعلام کرده است که به دلیل شیوع کرونا تعداد مسافران ۶۰ درصد کاهش یافته است. علیرضا قنادان گفته است: «معیشت رانندگان تاکسی تحت تأثیر شرایط اقتصادی، گرانی و کرونا قرار دارد؛ به گونه‌ای که تعداد مسافران آنها به دلیل اجاری فاصله‌گذاری اجتماعی، دورکاری ادارات، تردد افراد با وسایل ۶۰ درصد نسبت به دوره مشابه سال قبل کم شده و به همین دلیل حتی با وجود افزایش نرخ امسال باز هم درآمدشان به روزهای مشابه سال ۹۸ هم نرسیده است.»

خبرگزاری ایلنا نیز در گزارشی به مشکلات درآمدی رانندگان تاکسی به علت شیوع کرونا پرداخته و با تأکید به اینکه «رانندگان تاکسی اگر یک روز کار نکنند از هزینه‌های

زندگی عقب می‌افتند» نوشته است: «برخلاف کارگران که بر روی سرمایه فردی به نام کارفرما کار می‌کنند و انتهای ماه دستمزدی ثابت اما کم دریافت می‌کنند، تاکسیرانان بر روی تاکسی‌های زرد و سبز که سرمایه خودشان و شخص دیگر یا شرکت است، کار می‌کنند. از آنجا که کرونا بیشترین آسیب اقتصادی را به حمل و نقل عمومی وارد کرد، سرمایه‌های تاکسیرانان پنج‌زدر شد و تعداد زیادی خانه‌نشین شدند. بسیاری از آنها تازه در هنگام ثبت نام بیمه بیکاری، فهمیدند که برخلاف بیمه‌پردازان اجباری، مشمول دریافت مقرری بیکاری نمی‌شوند و باید آستین‌ها را بالا بزنند و به قول خودشان از کف خیابان پول درآورند.»

محمدحسین یکی از رانندگان تاکسی تهران به خبرگزاری ایلنا گفته است: «من یک تاکسیران ۵۶ ساله مبتلا به بیماری دیابت هستم. از سوم اسفند ۹۸ تا اول اردیبهشت از منزل خارج نشدم. از اول اردیبهشت تا امروز روزانه با حدود ۸ تا ۱۰ ساعت کار و طی ۱۲۰ تا بیش از ۳۰۰ کیلومتر مسافت، روزانه بین ۲۰ تا ۷۰ هزار تومان کار کرده‌ام. با این پول هزینه ماشین هم تأمین نمی‌شود. در این مدت از هیچ سازمانی کمک دریافت نکرده‌ام. ۲۳ سال است که حق بیمه پرداخت می‌کنم اما تازه پس از اینهمه مدت و درست زمانی که می‌خواستیم از بیمه بیکاری استفاده کنیم، اعلام کردند که نوع بیمه شما، شامل بیمه بیکاری نمی‌شود. با این شرایط سه ماه است که نتوانستیم اقساط تاکسی جدیدی که خریداری کرده‌ام را پرداخت کنیم. این است وضعیت کسب و کار تاکسیرانان تهرانی.»

این گزارش به نقل از راننده دیگری آورده است: «کرونا ویروس نبود، لودری بود که خانه و منبع درآمد محقر تاکسیران را با خاک یکسان کرد. در این شرایط نیاز به حمایت‌های دولتی داریم. مثلاً دولت باید به آنها در پرداخت و همچنین یکی از رانندگان تاکسی تهران به خبرگزاری ایلنا گفته است: «من یک تاکسیران ۵۶ ساله مبتلا به بیماری دیابت هستم. از سوم اسفند ۹۸ تا اول اردیبهشت از منزل خارج نشدم. از اول اردیبهشت تا امروز روزانه با حدود ۸ تا ۱۰ ساعت کار و طی ۱۲۰ تا بیش از ۳۰۰ کیلومتر مسافت، روزانه بین ۲۰ تا ۷۰ هزار تومان کار کرده‌ام. با این پول هزینه ماشین هم تأمین نمی‌شود. در این مدت از هیچ سازمانی کمک دریافت نکرده‌ام. ۲۳ سال است که حق بیمه پرداخت می‌کنم اما تازه پس از اینهمه مدت و درست زمانی که می‌خواستیم از بیمه بیکاری استفاده کنیم، اعلام کردند که نوع بیمه شما، شامل بیمه بیکاری نمی‌شود. با این شرایط سه ماه است که نتوانستیم اقساط تاکسی جدیدی که خریداری کرده‌ام را پرداخت کنیم. این است وضعیت کسب و کار تاکسیرانان تهرانی.»

چرا هلی کوپتر برای مهار آتش ندارند ولی برای شبه‌نظامیان و موشک و بارگاہ‌طلایی اماکن مذهبی دارند؟



تأمین می‌کرد ولی به دلیل عدم تأمین اعتبار از سوی دولت دو سال است که با ماهمکاری نمی‌کنند. امایوسف قربانی فرمانده هوانیروز ارتش ادعا می‌کند جمه‌وری اسلامی قویترین «ناوگان بالگرد» در خاورمیانه را دارد! یک خلبان هوانیروز به کیهان لندن می‌گوید «در بین هلی کوپترهای هوانیروز بل ۲۱۴ اگر از نظر فنی آماده باشد توان حمل مخزن آب دارد اما نه به اندازه حجمی که میل‌های روسی سیاه می‌توانند حمل کنند.» ولی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تمایلی برای فرستادن هلی کوپترهای ندارد. اسحاق جهانگیری معاون اول حسن روحانی بجای اینکه مستقیم از وزیر دفاع همکاری بخواهد، به استاندارها گفته به وزیر دفاع بگویند که وجود هلی کوپتر ضروری است!

از هفته اول خرداد هزاران هکتار جنگل و مرتع و نخلستان در سه استان ایران در آتش سوخت.

در حالی که از بعضی نواحی به دشواری می‌توان عبور کرد، آتش انواع گونه‌های جانوری و گیاهی را به خاکستر تبدیل کرد. اما بدون هلی کوپتر آبپاش امکان دسترسی به این مناطق نیست. مسئولان استانی می‌گویند به هلی کوپترهای آبپاش نیاز فوری دارند اما یا دیر می‌رسند و تعدادشان کافی نیست و یا خرابند و یا بنزین ندارند! سرهنگ علی عباس‌نژاد فرمانده یگان حفاظت سازمان جنگل‌ها می‌گوید اگر تجهیزات هوایی زودتر به منطقه اعزام شده بود همان روز اول امکان مهار آتش وجود می‌داشت. او گفته پیش از این وزارت دفاع هلی کوپترهای اطفا حریق را برای ما

به عزیز خاطر‌ه‌هایم: مهدی

سلام ای دوست!
سلام ای خاک دلتنگی!
سلام ای خوب! ای دلتنگ!
سلام ای چه پاییزی ست.
نمی‌دانی در ختان بلند جاده‌ی گمنام به سرگردانی شب‌های سرگردانی من، مهربان یاران -
به آواز حزین برگ‌ها با من چه می‌گویند.
نمی‌دانی چه آورده به سر، باغ مرا زخم سَوموم باد.
نمی‌دانی چه دارم می‌کشم بی‌گفتگو، بی‌ضجه، بی‌فریاد.
نمی‌دانی چه پاییزی ست
نمی‌دانی چه توفان‌ها کشیده روح معصوم من تنها، من دلتنگ.
نمی‌دانی

صمیمی‌سینه‌ام را داغ یاران می‌کشد بر سنگ
در سال پنجاه و دو تو به اتریش رفتی و من به زندان. پس از آن، سنگ مصیبت بر سرم بارید و بارید تا در سال شصت و پنج خورشیدی به آلمان رسیدم و همخانه‌ی غم غریب غربت تو شدم. من بودم و خاطره‌های چاک چاک. تو بودی و غم‌نوشته‌های درازدامن. برای آن «خانه» که وطن به ماتم نشسته‌ی ماست. تجربه‌ی تو از دوری و در به دری، بیش از همه‌ی ما بود. حتی پس از انقلاب، تا سال‌ها پا به وطن رانیده بودی. از این روی، شعرهای «خانه»ات آتش به جانم می‌اندازد. سال‌ها چهره‌ی یکدیگر را ندیده بودیم. تنها رابطه‌ی ما با تلفن بود. وقتی گاهی در تلفن کردن به من دیر می‌کردی به طنز می‌گفتم نگران نباش! من، خواهرزاده‌ی تاریخی «گراهام بل» هستم. هر جا باشی پیدایت می‌کنم. و پیدایت می‌کردم. در این پیدا کردن‌ها خود را و تو را و خاطرات خوب و شاد و غمگین‌مان را می‌یافتم و بار سنگین حرف‌هایمان، بیشتر بر دوش شنبه‌زده‌ی شعر می‌نشست. شعر و دوست داشتن، خط قرمز ما بود. خطی که از کوچه، پس کوچه‌های آسید عبدالله و قصاب محله تا کافه فیروز و «گل‌بخ» و پس از آن، تا «وین» اتریش و کلن آلمان کشیده شده بود.

من، اهل شعر خواندن نبودم و نیستم مگر در شرایطی ویژه. اما همواره برای شنیدن شعرهای تو گوش پُرهوشی داشتم. شاید از نخستین کسانی بوده باشم که تازه‌ترین شعرهایت را می‌شنیدم. می‌خواندی و می‌خواندی. و مرا در پایان، چیزی جز سکوت نبود. می‌گفتی: «چطوبو؟». می‌گفتم: «گاهی سکوت، واژه‌ی گویایی‌ست.» دوباره که اصرار می‌کردی، تنها به ظرفیت‌های ظریف زیبای آن شعر خوانده شده، انگشت می‌گذاشتم و دیگر هیچ. چونکه مرا طاق آن نبوده و نیست که روی ساختار ناهموار یک اثر هنری درنگ کنم تا مبدا موجب آزدگی شود. از سوی دیگر- بی‌هیچ فروتنی- نه آن صلاحیت لازم را در خود دیدم و می‌بینم و نه آن اهلیت در خود، را. و نیز می‌دانستم بهتر از من می‌دانی که شعر، کلام ایجاز است. پس، پاره‌ای از سطرهای یک شعر- به ویژه بلند- می‌تواند مَخل معنا باشد. پس از چند شب، دوباره زنگ می‌زدی و همان شعر را با حذف پاره‌ای از سطرهای اضافی، دوباره می‌خواندی. معلوم بود به فراست دریافته‌ای:

من، ابروی عشقم
هُشدار تابه خاک نریزی!»
گفتی: عشق را با غم، نسبتی
دردمندانه و دوستانه‌ست. بگذار نام
این نوشته را بگذارم:
«خدا غم را آفرید. نصرت را آفرید.»
همین و دیگر هیچ.
وقتی «سپیدار» نخستین دفتر شعر در سال چهل و پنج خورشیدی منتشر شد. بر ما شعردستان و هنرمندان آن شهر، چیزی اضافه شد. چیزی، همسنگ و هم‌رنگ غرور. غروری که تا هنوز در من، دامن‌گستر است. حالا که به اینجا رسیدم بگذار از همین دفتر، شعری را که به حسین ذرتاج شاعر تقدیم کرده‌ای در این متن غم‌گرفته، بی‌اورم که مناسبتی غریب با حال و هوای این سوگنامه دارد.
ای مرگ! با من، دوستی کن!
دیگر نمی‌خواهم که در تابوت هستی، زندگی را

ذخایر عظیم نفت و گاز، باید بتواند چنانکه لازم است برای اداره فاضلاب و دفع زباله، تصفیه‌خانه‌های متعدد نصب کند. نپرداختن به چنین امر مهمی، به درستی نگرانی‌های زیادی را در بخش‌های مختلف جامعه ایران برانگیخته است، ولی متأسفانه، مسئولان رژیم اسلامی همواره بی‌تفاوت بوده‌اند زیرا رفاه و تندرستی مردم ایران از نظر آنها کمترین اولویت را دارد.

سخن پایانی
مدیریت ناشیاست و ناکارآمد در کنترل زباله‌ها، بخش بزرگی از منابع با ارزش آب‌های زیرزمینی را که عموماً در نزدیک مراکز جمعیتی قرار دارند، آلوده کرده است. امروزه

گریبان‌بینیم.
دیگر نمی‌خواهم بمانم.
دیگر نمی‌خواهم که شعری را به ناکامی بخوانم.
زین هستی درد آفرین بیزارم‌ای مرگ! ای مرگ! جاویدم نما در نیستی‌ها ای نازنین! ای مرگ! با من دوستی کن!
حالا نمی‌دانم چرا در جوانسالی، چنین گفتگوی تاریکی با مرگ داشتی؟ جوانی شاداب و برومندات را هم من و هم «چمخاله»ی خاطره‌خیزت به خوبی به خاطر داریم. یادم هست سال‌ها پیش وقتی به «وین» آمدم از تو خواستم مرا به بیمارستانی که «کافکا» در آنجا بستری بود ببری. گفתי از کافکا هراس دارم چون مرگ‌اندیش است. گفتم اگر نوشته‌ی «گوستاو یانوش» را در گفتگو با کافکا بخوانی، آنگاه خواهی دانست کافکا سرشار از زیستن است. چنانکه هدایت در «پیام کافکا» آورده است. سرانجام تا دم در بیمارستان رفیم که گویا در گذشته، منطقه‌ی خوش آب و هوای اتریش بود و برای سینه‌ی به سل نشسته‌ی کافکا، هوایی مناسب داشت. خواستم اتاقی را که کافکا در آنجا نفس کشیده بود بینیم. هراسی که در پس پشت چشم‌هایت خانه کرده بود به من می‌گفت که برگردیم. و برگشتم.

مهدی غبرایی، دوست پُرواز‌ه‌ی ما وقتی ترجمه‌ی «کافکا در کرانه»، نوشته‌ی «هاروکی موراکامی» را منتشر کرد گفתי این کتاب را بخوانم. به شوخی گفتم: تو که از کافکا فراری بودی! گفتم: «خلا می‌همرا بحث نکون. اما از ترجمه‌های مهدی نمی‌توان فرار کرد.»

میزبان مهربان ده روزه‌ی مهدی در «وین» بودی. دو همدل و همنام و هم‌شاگرد دبیرستانی از یک شهر. که جغرافیا و فزاف و فرودهای تاریخ مردم‌اش را نیک می‌شناختند و می‌شناسند به درستی و راستی. از حرف‌هایت پیدا بود شادی، مثل باران تابستان، بر دلت ریخته است. می‌دانستی نامت بایست این فرصت طلایی را از دست داد. و نادیدی چون باور داشتی: مهدی، در شناخت ارزش‌های ادبی داستان و رمان، جانی شیدا و شیفته دارد. و همین شیدایی را در ترجمه‌ی کتابی از شاعر درخشان آلمان: «راینر ماریا ریلکه» به تماشای عاشقان این راه گذاشته است.
حالا نمی‌دانم اتاق غمناک‌اش اتریش و کدامین کادک غمناک‌اش آهنگ بی‌رنگ واپسین نفس‌های خسته‌ات را به سینه‌ی دیوارهای سیمانی‌اش سپرده است؟ که می‌دانم مرا هیچگاه طاقت دیدن‌اش نیست. چنانکه تو را تاب دیدن آن اتاق افسرده‌ی کافکا نبوده است. کم کم دارم به آخر نوشته‌ی غم‌بهرشتم نزدیک می‌شوم. اما می‌دانم حرف‌های بسیاری را ناگفته گذاشتم. شاید جایبش در اینجا نبود، نمی‌دانم. اما می‌دانم مرا خواهی بخشید تو مهربان‌تر از آن بودی که کسی را نبخشایی. قالی خوش آب و رنگی که برآیم آورده بودی در پیش چشم من است. مرا با گل‌های قالی، پیوندی پیوسته پایدار است. حرف‌های ناگفته‌ام را با گل‌های قالی‌ات در میان خواهم گذاشت. و با همه‌ی آنها از تو، از لنگرود پُرسرو، از بندر چمخاله و از لاهیجان جانم سخن خواهم گفت. راستی، به «پشوتن» چه بگویم؟

در ایران، مشکل، کمبود بودجه برای پژوهش و توسعه یا کمبود تخصص و تکنوکرات‌ها و یا حتی کمبود آب نیست، بلکه وجود مقامات فاسد با مدیریت ضعیف و عدم احساس مسئولیت و از همه مهمتر، بی‌وجهی به رفاه و تندرستی مردم ایران است که کمترین اولویت برای دولت محسوب می‌شود. حکومت اسلامی در ایران، امر مراقبت جدی را باید در استراتژی‌های مدیریت آب کشور عملی کند و به خاطر بیش از ۸۲ میلیون ایرانی، دانش فنی را به غیر روحانیون و افراد کارشناس بسپارد. *اصل این مقاله به انگلیسی است و توسط نادر صدیقی به فارسی برگردانده شده است.
*دکتر منصور کشفی استاد دانشگاه

دارالترجمه بین المللی نریس

زیر نظر و با مسئولیت دکتر ناصر حیمی (استاد دانشگاه)
ترجمه رسمی شناسنامه، قبالة ازدواج و طلاق، مدارک حقوقی،
تجاری، طبی، تحصیلی و مدارک مربوط به تقاضای پناهندگی
تلفن: 8831020-8222/8884020-8222/6500020-8735
فکس: 020-7760 7160
www.assot.co.uk / Email: assot@aol.com

Suite 611, Britannia House, 11 Glenthorne
Road Hammersmith, London W6 0LH

دوشنبه تا جمعه ۱۰ صبح تا ۵ بعد از ظهر

کمتر از یک چهارم این افراد را تشکیل می‌دهاند (۲۳۵ نفر). این نسبت از سال ۲۰۱۵ تغییر نکرده است. سهم قربانیان آفریقایی تبار کمتر از نرخ جرم آنهاست چون تیراندازی پلیس تابع مواردی است که پلیس با افراد مسلح و خشن روبرو می‌شود. در سال ۲۰۱۸ آفریقایی تبارها ۵۳ درصد ارتکاب به قتل و ۶۰ درصد سرقت‌ها را انجام داده‌اند با اینکه تنها ۱۳ درصد جمعیت هستند.

پلیس در این سال ۹ آفریقایی تبار غیرمسلح و ۱۹ اروپایی تبار غیرمسلح را با اسلحه به قتل رسانده است. این ارقام در سال ۲۰۱۵ به ترتیب ۳۸ و ۳۲ بوده است. در سال ۲۰۱۸، ۷۴۰۷ آفریقایی تبار توسط پلیس کشته شده‌اند که آن ۹ قربانی تنها یک دهم درصد از این رقم است. احتمال کشته شدن یک افسر پلیس ۱۸.۵ برابر آفریقایی تبارانی است که به دست پلیس کشته شده‌اند. در هفته‌ی قبل از مرگ جرج فلویید، ۸۰ آفریقایی تبار در شیکاگو مورد اصابت گلوله قرار گرفتند که ۲۱ تن از آنها جان خود را از دست دادند و تیراندازان در همی موارد خود آفریقایی تبارها بوده‌اند. علت قتل هشت برابری آفریقایی تبارها نسبت به اروپایی تبارها نه تیراندازی پلیس بلکه خشونت مجرمانه در میان خود آنها بوده است. تحقیقی که در سال ۲۰۱۹ توسط آکادمی ملی علوم منتشر شده نشان می‌دهد که «هیچ شواهدی مبنی بر شکاف ضد سیاه در احتمال اصابت کشته‌دهی گلوله توسط پلیس وجود ندارد.» تحقیقی که در فیلادلفیا در سال ۲۰۱۵ توسط وزارت دادگستری انجام شد نشان می‌دهد که احتمال تیراندازی افسران آفریقایی تبار پلیس به مظنونان غیرمسلح آفریقایی تبار بیشتر از افسران اروپایی تبار بوده است. مطالعه‌ی دیگری توسط

رولاند گریب اقتصاددان دانشگاه هاروارد نشان داد که هیچ شواهدی برای تبعیض نژادی در تیراندازی‌ها در ایالات متحده وجود ندارد. البته کسانی که انگیزه‌ی سیاسی و نگاه فرقه‌ای و قبیله‌گرا به عالم دارند، همه‌ی این تحقیقات را نادیده می‌گیرند.

رهبران ناشایست، جنبش‌های کور
در یکصد سال گذشته جنبش‌های سیاهان راهبردها و رهبران متفاوتی داشته‌اند. این راهبردها و رهبران تقریباً همیشه در ارتقای زندگی همراگان خود شکست خورده‌اند بجز یک نفر و راهبردی وی: جنبش ضد خشونت مارتین لوتر کینگ. او توانست بسیاری از تبعیض‌ها را از پیش پای آفریقایی تبارها بردارد (مثل جدایی مکانی از اروپایی تبارها) و علت موفقیت وی نیز مسالمت‌آمیز بودن حرکتش بود. تا کنون چندین بار در اعتراض به قتل مردان سیاه بدون اسلحه توسط پلیس حرکت‌هایی صورت گرفته اما چون به غارت و آتش‌سوزی انجامیده نتیجه‌ی معکوس داده یا اصولاً نتیجه نداده است. اگر جامعه‌ی آمریکا بطور سیستماتیک نژادپرست می‌بود، امکان رفع تبعیض‌های گذشته وجود نمی‌داشت. در نتیجه‌ی عمل رهبران ناشایست، جنبش‌های سیاهان به ابزار سیاسی چپ برای کسب قدرت و سوء استفاده‌ی اسلام‌گرایان تبدیل شده است. پیوند عمیق اکثر رهبران جنبش‌های آفریقایی تبارها با جریان چپ آنها را به زنده‌ای از این جریان تبدیل کرده و همین امر مانع پیشرفت آنها در حیطه‌های مختلف شده است. «دمکرات‌ها» برای خرید

رای اقلیت‌ها به سیاست هویتی دامن می‌زنند اما در حل مشکلات آنها ناتوان بوده‌اند.



معترضان به قتل جرج فلویید توسط یک مأمور پلیس؛ لس آنجلس؛ ۲ ژوئن ۲۰۲۰

با افسانه‌ی «نژادپرستی سیستماتیک» جامعه‌ی آمریکا «همه‌ی متشران ایالات متحده به صحنه آمده‌اند

قوانین آن را به درستی مهار می‌کند. تفسیر و تعمیم «رفتار خود مردم» به عنوان نژادپرستی به ساختارهای جامعه‌ی آمریکا نادرست است چون این تبعیض‌ها و تعصبات یکطرفه نیست. اگر جامعه‌ی آمریکا را بطور سیستماتیک نژادپرست تلقی کنیم هیچ قوم و اقلیتی از آن مبرا نمی‌ماند چون یک گروه نمی‌تواند ادعا کند که بر فراز سیستم نشسته است.

از سوی دیگر بسیاری از تبعیض‌های یادشده در واقع یا توهم تبعیض است (مثل جرمه شدن اعضای یک گروه به خاطر تخلف رانندگی) یا روال عادی جامعه است مثل اینکه امروز اکثر بازیکنان تیم‌های خوب بسکتبال آفریقایی تبار هستند چون خوب بازی می‌کنند. این موضوع را نمی‌توان تبعیض علیه اروپایی تبارها یا آسیایی تبارها دانست. به همین ترتیب سهم نسبی بالای دانشجویان آسیایی تبار در دانشگاه‌هایی با رتبه‌ی برتر به واسطه‌ی تبعیض علیه دیگران نیست بلکه به دلیل تلاش بیشتر آنهاست. اتفاقاً بسیاری از دانشگاه‌ها برای دانشجویان یهودی و آسیایی تبار که نمرات خوبی دارند سهمیه‌ی محدودکننده می‌گذارند و علیه آنها تبعیض روا می‌دارند تا دیگر اقلیت‌ها نیز در آنها حضور داشته باشند.

مد «نژادپرست» و «زندگی سیاهان اهمیت دارد»
در روزهای اعتراضات و شورش‌ها در ایالات متحده برخی جوانان ایرانی که در عمر خود در برابر سرکوب جمهوری اسلامی سکوت کرده‌اند، تحت تاثیر مد روز یکپاره ضد آمریکایی و طرفدار سیاهان آمریکا شده‌اند. آنها که حکومت شبانه‌روز اسلحه‌اش را روی گردنشان گذاشته و روی آنها ایستاده یکدفعه متوجه شده‌اند که باید غم دیگران را بخورند

کشته شدنش ندارد. سه روز بعد از مرگ وی پلیسی که زانو برگردن وی نهاد بازداشت شد و سه پلیس دیگر که مانع همکار خود نشده بودند نیز از کار اخراج شدند. این سریع‌ترین واکنش دستگاه قضایی در موارد مشابه بوده است. رفتار و سازمان و شعارهای تظاهرکنندگان اما نشان می‌دهد که موضوع آنها عدالت‌خواهی نبوده و نیست. هدف آنها و رهبران‌شان در رسانه‌ها، دولت‌های محلی و ایالتی و همچنین سازمان‌های تروریستی مثل «آنتیفا» تخریب جامعه‌ی آمریکاست.

گسترش اعتراضات اخیر نتیجه‌ی هم‌پیمانی دو گروه است: «دمکرات‌هایی که با بر هم زدن نظم و نقض قانون می‌خواهند دولت ترامپ را ناتوان نشان دهند و او را در انتخابات نوامبر شکست دهند و چپ‌های کمونیستی که می‌خواهند جامعه آمریکا را از میان ببرد تا از خاکسترهای آن، خود به عنوان رهبران آمریکای کمونیست ظهور یابند! در این میان بزهکاران و جنایتکاران خیابانی (در کنار طرفداران خامنه‌ای و تروریست‌های اسلامگرا) از فضایی که توسط دو گروه بالا ایجاد شده برای اهداف خود بهره می‌برند.

تبعیض و تعصب ملک شخصی هیچ گروهی نیست
در همه‌ی جوامع تبعیض و تعصب وجود دارد. اما مشکل تبعیض‌ها و تعصبات در ایالات متحده یک مشکل دولتی و سیاسی و قانونی نیست چون در قوانین و تصمیمات سیاستمداران، قانون و سیاست تبعیض‌آمیز و متعصبانه وجود ندارد. اگر چنین می‌بود تا کنون به دیوان عالی ارجاع شده بود. تبعیض‌ها و تعصبات در رفتار خود مردم با یکدیگر است که دولت حقوقی و

اجرای عدالت جرقه‌ی اعتراضات نیست چون اعتراضات پس از سه روز آغاز شد زمانی که چهار مأمور پلیس اخراج و مأمور خاکی نیز متهم به قتل و زندانی شده بود. مقامات قضایی غیر از این باید چه می‌کردند؟ جرقه‌ی اعتراضات را کسانی زنده که فرصت را برای هرج و مرج مناسب می‌دیدند. حدود سه ماه جوانان ۱۴ تا ۲۵ ساله در خانه مانده و چهل میلیون نفر هم بیکار شده‌اند.

ویژگی مشترک معترضان تنفر از ایالات متحده و قانون و ایده‌ی این کشور است. در این اعتراضات خواه نوع مسالمت‌آمیز و خواه خشن آن طیفی از مهاجرانی که به شهروندی پذیرفته نشده‌اند (با پرچم مکزیک)، طرفداران خامنه‌ای که می‌خواهند به دلیل تحریم‌ها ایالات متحده را بهم بریزند تا ترامپ برود و بایدن بیاید، اسلامگرایان طرفدار القاعده و داعش، کمونیست‌هایی که از شرکت‌های بزرگ متفرند، بزهکاران و خرده‌جنایتکاران خیابانی که از بی‌عرضگی شهرداران و فرمانداران «دمکرات» برای غارت مغازه‌ها استفاده می‌کنند، فرزندان طبقه‌ی نخبه و ثروتمند که هوس چه گوارا شدن دارند (ثروتمندان فقیرنما)، دانشگاهیانی که هیچ چیز از جامعه‌ی آمریکا نمی‌دانند بجز آنکه «سیستماتیک نژادپرست» است (فعلاً این ادعا مد زمانه است و با آن می‌توان شغل دانشگاهی گرفت) و کسانی که در سال ۲۰۱۶ از ترامپ شکست خورده و نتوانسته‌اند وی را در ۳۵ سال گذشته از قدرت پایین بکشند، حضور فعال دارند.

اتحاد «مقاومت سیاسی» و «جنبش اجتماعی»
اعتراضات بعد از مرگ جرج فلویید- که در شرایطی دردناک دار فانی را وداع می‌گوید- هیچ ربطی به او و

● هیچ شواهدی برای تبعیض نژادی در تیراندازی‌های پلیس در ایالات متحده وجود ندارد.

● «نژادپرستی جامعه‌ی آمریکا و پلیس مناطق مختلف آن» یک برساخته‌ی موهوم و بدون شواهد است. ● ویژگی مشترک معترضان هفته‌های اخیر تنفر از ایالات متحده و قانون و ایده‌ی این کشور است.

● احتمال کشته شدن یک افسر پلیس ۱۸.۵ برابر آفریقایی تبارانی است که به دست پلیس کشته شده‌اند.

● احتمال تیراندازی افسران آفریقایی تبار پلیس به مظنونان غیرمسلح آفریقایی تبار بیشتر از افسران اروپایی تبار بوده است.

● اگر جامعه‌ی آمریکا بطور سیستماتیک نژادپرست می‌بود امکان رفع تبعیض‌های گذشته وجود نمی‌داشت.

● برخی جوانان ایرانی که در عمر خود در برابر سرکوب جمهوری اسلامی سکوت کرده‌اند یکبار به تحت تاثیر مد زمانه ضد آمریکایی و طرفدار سیاهان آمریکا شده‌اند!

● در نتیجه‌ی عمل رهبران ناشایست، جنبش‌های سیاهان به ابزار سیاسی چپ برای کسب قدرت و سوء استفاده‌ی اسلام‌گرایان تبدیل شده است. پیوند عمیق اکثر رهبران جنبش‌های آفریقایی تبارها با جریان چپ آنها را به زنده‌ای از این جریان تبدیل کرده و همین امر مانع پیشرفت آنها در حیطه‌های مختلف شده است.

مجید محمدی - در جریان اعتراضات پس از مرگ جرج فلویید رسانه‌ها در سراسر دنیا انبوهی از واقعیات ناقص و یکطرفه و احساساتی را بعلاوه دروغ و تبلیغات سیاسی به خورد خلاق داده‌اند بدون دادن پس‌زمینه‌ها و اطلاعات آماری. آنها تنها از خشونت پلیس «سفید» علیه «سیاهپوستان» و «نژادپرستی جامعه‌ی آمریکا و پلیس علیه سیاهپوستان» به عنوان پس‌زمینه‌ی شورش‌ها و اعتراضات سخن گفتند در حالی که «نژادپرستی جامعه‌ی آمریکا و پلیس مناطق مختلف آن» یک برساخته‌ی موهوم و بدون شواهد است و اعتراض به پلیس نیز هیچ رابطه‌ای با آتش زدن کلیساهای تاریخی، غارت ساختمان‌های سی‌ان‌ان و مغازه‌های مردم و آتش زدن اموال خصوصی ندارد.

وقتی اهالی رسانه خود را فعال سیاسی و رسانه‌ها را بوق تبلیغاتی برای تحریک عمومی تصور کنند چنین بلایی بر سر رسانه و جامعه می‌آید. **طیف شرکت‌کنندگان**
به مجموعه‌های فیلم‌ها و تصاویر گرفته شده از اعتراضات پس از مرگ جرج فلویید نگاه کنید و شعارها و دست‌نوشته‌ها را مرور کنید. ناراحتی و عصبانیت ناشی از عدم